

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کارگران جهان متحدشوند!

صفحه ۱۸

۱۰۷

بهاء ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰

در صفحات دیگر این شماره:

- "وحدت اسلامی بلوچستان" و توطئه ارتقای محلي صفحه ۵
- زاکب سوردلک: تجسم انسان کمونیست صفحه ۷
- رزم زحمتکشان محله ایوردی برخوش باد! صفحه ۹
- روش فکران و جنبش کمونیستی صفحه ۱۳
- بحران سرمایه داری در بروگسلاوی صفحه ۱۹

## اعتراض غذا در زندان کارون اهواز

صفحه ۲۶

**بیاد پرشور کارگر کمونیست،  
رفیق پیکارگر احسان!**

صفحه ۲۵

## بودجه ۱۳۶۰: بودجه تشدید وابستگی، بودجه تشدید فقر و فلکت زحمتکشان!

دولت ارتقا عی و خدمتمندی را  
رجاشی با لایحه بودجه ای که برای  
سال ۱۳۶۰ تدوین کرده است،  
ما هیبت وابسته و خلقی رژیم  
سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم  
جمهوری اسلامی را با ضوخ و روشنی  
هرچه شما متربه نمایش گذا رده است  
این بودجه که در مضمون و اقصی  
خود جیزی جز تحریف و اغیت  
بحرا ان اقتضادی رژیم نشست از  
پیکارها حرکت هرچه بپرداز تپ خود  
به سمت وابستگی هرچه بپشتی  
امیریا لیسم جهانی واژسوی دیگر  
تابا ره رفاقت آوردن فقر و فلکت  
و سرکوبی به مرابت افزونیتر از  
گذشته برای کارگران دهه ایان  
واسیوز حمتكشان میهنهان منتجه ای  
جزگشترش مبارزه طبقاتی برای  
این رژیم خدمتمندی بدنبال نخواهد  
داشت.

بقیه در صفحه ۱۱

**روزی زیست فلسفی  
طبری - نگهدار:**  
خیانت آشکار نسبت به  
مارکسیسم لنینیسم  
(۱)

بورزوازی برای به انترافاف  
کشاندن مبارزه طبقاتی در کنار  
سرکوب مستقیم و حشنا نهان اغلاق  
به تاکتیک فربیکارانه "بحث  
آزاد" روی آورده است. اگر تا  
دیروز فقط لیبرالهای خائن  
بودند که براساس سیاست چماق و  
شان شیرینی درباره "بحث آزاد"  
هبا هبرا همی انداختند تا بدین  
ترتیب شروعهای دمکرات و میتلزل  
را بدنبال خود کشیده و جنبش توده  
- هارا منحرف سازند، روز  
هزبیهای مرتعج شیزدرحال یکی  
بک لحظه از سرکوب و حشنا نه جنبش  
غال فل نیستندیا همکاری جا کران  
صدقی خود یعنی روزی زیستهای  
مرتد "توده ای" و "اکثریتی" در  
ضدیت با ما را کیم و مقابله موشی  
با جنبش اوج گیرنده توده ها  
"بحث آزاد" ترتیب می دهند.  
باقیه در صفحه ۲

هیئت روسی شایعه (۱) شنیده  
**در مورد شکنجه اهلاییون  
در بنده، پیشومنه دروغ میگوید!**

**حبس ابد و زندانهای طولانی  
مدت برای کارگران نماینده  
شورای سراسری کارکنان جنگ زده  
صنعت نفت و سه مبارز دیگر** صفحه ۳

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

## رویزیونیسم فلسفی ”طبی-نگهدار“ خیانت آشکار فسیبت به مارکسیسم لینینیسم (۱)

با سوروزوازی اشتراک میان فاعل طبقاتی دارند و به همین خارطه روشی که نمایندگان رئیس حاکم طرف صحت میباشند سخن گفتن در برابر تضاد خوشنود نیست. بخلاف این طرح این بحث چه باس برای کارگران "ارتقا" دهنده نباشد! هر کارگر بسوی نیتی از خیانتکار و دربهری سازش دادن طبقه کارگرها سوروزوازی میباشد، با نظر آسان کارگران نهاد اتفاقاً روابط اجتماعی برخاسته دهای طبقاتی و میباشد، طبقاتی بلکه با خز عیلات ارتقا میباشد! هر روز "پیدا" کنند!

آری هدف خانشین به اسنفلاب و موسیا لیسم از "بحث زاد" استحکماً مبهم شدند به وحدت طبقات خود را سوروزوازی حاکم، عمله و زیلانه به مارکسیسم لینینیسم و شاعده افتکار خدا نغلایانی سازش طبقاتی و استنکاف از میباشد طبقاتی در میان کارگران و زحمتکشان میباشد درست به همین خاطراست که ما در سراسر مباحثه تلویزیونی جز خیانت عربان نسبت به مارکسیسم لینینیسم و جز فربیرو دوخت طلبی با دشمنان توده ها چیز دیگری نمی بینیم.

## خیافت روزیونیستها

لنبین مینمودیم؛  
”یک تقلب بیش از پیش مهارانه در  
ما رکسمیم، تحریف های بیش از پیش ظریفی  
در آن بوسیله آشنی های عدم تربا لبستی  
و معرفی آنها بعنوان ما رکسمیم، اینهاست  
خواهی رویزبیونیسم کتوونی، همدرآ فناضاد و  
همدرمسائل تاکتیکی و بطرورکلی درفلسفه؛  
ما غیرمحتها را منزه همگی در ایام الیسم  
فرو رفته اند، ”ای بدء الیسم غلبه شی  
را هی است که بسوی ظلمت کلیماشی میروند  
(ما تربا لیسم و امیربیکریتمیسم)  
رویزبیونیسم یک سیستم تمام عیبار  
اید شولوژیک بورزوآشی است که در تسام عرصه-  
ها به تحدید نظریه را رکسم بپرداخته است.  
بنیاد، صفحه ۲۳

انقلاب و خدا انقلاب از جای دیگر میگذرد. درا بن  
سوی مرزه رفداع از جمهوری اسلامی ایران هم  
کسانی هستند که مسلمانان انقلابی و متمهد  
و راسمن هستند و هم کسانی هستند که معتقد‌دان  
به مارکیسم هستند در آن‌سوی مرز هم کسانی هستند  
که دعوی اعتقاد به مارکیسم می‌کنند که آنها  
را مارکیسم امیل تلقی نمی‌کنند و کسانی  
هستند که دعوی اسلام می‌کنند، دعوی اسلام را که  
حتی سلاطین و پادشاهان و دیگران هم می‌کردند و  
می‌کنند...". درا بن کلامه‌مرا عنده نهاده  
رو بیرونیستها دشمنی آشنا نایاب خود را  
که مونیستها اسلالی هستند و برولتاریا را مشخص  
می‌سازند بلکه همچنین خصوصیت داد انقلابی خود را  
نمی‌بینند که مکرا تها و بنا بشن‌گذازده و آنها را در  
کنار سلاطین و پادشاهان "قراءه" هدند. آری  
رو بیرونیستها بنا به ما هم طبقاتی خود از  
هرچه کهنه توزی نسبت به طبقه‌کارگر و زمین‌بندگان  
آن سمعنی که مونیستها خودداری نمی‌ورزند ما  
نمی‌بینیم طبقه‌کارگر بزمی‌شن‌گذازند  
خصوصیت داد انقلابی خود را بینما بشن‌گذازند  
طبری ها که در جمهور ارتقا ع و مهربا لیسم قرار  
دا را درجه‌دشمنی با برولتاریا و خلق را دیگری  
نمی‌دانند.

در سرگزیم باشد، شما بیندگان روزیم می-  
کوشیدن را رویزبونیستها را بررسی بحث راجع به  
تفاوت کشانند، ما رویزبونیستها که به "وحدت  
قدس" و متفنخ خودیم بورزوای زی من اندیشند،  
معنی میکنند حتی نا متفاوت بحث راجع به آنرا  
به دست فراموشی بسیار شدند تا میدانند که  
اس آن منابع میان سورزوای زی و رویزبونیست  
ها وحدت طبقاً تی آنان است. آنها میدانند  
که به منابع عالمی بورزوای زی نهاد بورزوای زی  
بلکه با پرولتا ریا و گمونیستها در تفاوت طبقاً تی  
قرارداد وندوبه همین خاطر افسن گفتن درباره  
تفاوتها شما بیندگان جمهوری اسلامی میگزینند.  
نکهدار "غاش من گوید": "بلامقدمه از تفاوت دشروع  
کردن، فکرمنی کنم تا شیرمشی برای آمسوز ش  
ایا از تفاوت هموطنان داشتمباشد" رویزبونیستها

در شایعه طکنوشی مبارزه طبقاتی به حرکت اعتراضی خود ادامه میدهد و را رکنیسم انتدیمیم علی‌غم‌پرسات خانشناه رویزبیونیستها زنگوذا عنبا رسپشنی در مین خوده های کا و گروز منکش جا معه‌سر- خوردا را میگردند؛ در چنین اوضاعی می‌هدوش بـاـلـیـمـرـالـهـاـ بـحـبـ جـمـهـورـیـ اـلـامـیـ رـذـلـانـهـ وـبـاـ خـشـاـ مـقـوـاـ دـمـیـوـحـاـ نـمـیـکـوـشـتـاـهـ ماـ رـکـیـسـمـ لـنـدـنـیـمـ فـرـبـهـ زـنـدـوـآـنـ رـاـ دـرـنـزـدـتـوـهـ هـاـ بـاـ اـعـتـارـ اـسـازـ مـبـرـاـ اـبـنـ مـنـظـورـاـ شـرـکـتـ وـهـمـکـارـیـ غـيـرـشـنـکـارـانـیـ جـوـنـ "ـطـبـرـیـ"ـ وـنـکـهـدـاـ رـ"ـنـماـبـشـ تـلـوـیـزـیـوـنـیـ تـرـتـیـبـ دـادـ وـبـاـ صـلـاحـ ماـ رـکـیـسـمـ رـ بـهـ مـهـاـ کـمـهـ مـیـکـشـاـنـدـ غـافـلـ اـزاـ بـنـکـهـ ماـ رـکـیـسـمـ وـ بـرـوـلـتـاـ رـبـاـ!ـ زـاـبـتـدـاـیـ بـیدـاـ بـیـشـ خـودـهـمـ مـرـجـعـیـنـ وـکـاـ وـگـرـاـ وـنـ سـوـمـ بـدـاـ بـهـ مـهـاـ کـمـهـ اـنـقلـابـیـ کـشـدـ وـکـشـهـ وـاـهـ رـاـهـ بـاـ حـرـ روـیـزـبـیـوـنـیـتـهـ اـبـنـ دـرـ اـبـنـدـاـیـ بـاـ حـرـ روـیـزـبـیـوـنـیـتـهـ اـبـنـ تـلـقـیـ کـوـیـانـ جـلـدـاـنـ بـرـوـلـتـاـ رـبـاـ اـزـ زـمـامـ رـجـمـایـ مـهـمـهـورـیـ اـلـامـیـ تـشـکـرـمـیـکـنـدـوـسـهـنـ مـالـوـسـانـهـ وـغـیرـ مـسـتـقـمـیـ زـدـمـرـفـرـکـتـ مـجاـهـدـینـ دـوـنـمـاـبـشـ تـلـوـیـزـیـوـنـیـ حـزـبـیـهـ "ـگـلـهـ"ـ مـیـکـنـدـ،ـ دـهـ دـنـ اـزـ اـنـ "ـگـلـهـ وـشـکـایـتـ"ـ اـبـنـتـکـهـ ھـرـ مـاجـاـ دـدـنـ دـستـ سـاـزـ بـهـ سـوـیـ لـبـرـاـلـهـ دـرـاـکـرـدـهـ وـبـاـ "ـبـحـ آـزـادـ"ـ اـنـهـاـ تـوـاقـقـ دـاـرـدـ،ـ اـمـاـهـ طـرـفـ حـزـبـ مـهـمـهـورـیـ اـلـامـیـ تـمـاـیـلـیـ شـنـانـ خـمـدـهـنـدـ،ـ طـبـرـیـ سـهـوـنـ سـخـنـگـوـیـ حـزـبـیـهـ مـطـرـحـ مـیـکـنـدـ"ـسـرـاـیـ اـهـرـاـیـ رـهـنـدـوـاـ مـاـ بـوـیـزـهـ دـرـمـوـدـحـکـومـتـ قـاـنـونـ درـمـالـ گـنـوـشـیـ وـهـجـنـیـنـ بـیـادـهـ کـرـدـ قـاـنـونـ اـسـاسـ جـمـهـورـیـ اـلـامـیـ اـبـرـانـ "ـاـبـنـ بـعـثـهـ"ـ کـاـ مـلاـ مـحـیـعـ بـرـدـرـسـتـ وـمـنـظـقـیـ"ـ سـتـ وـنـگـهـدـاـ رـانـدـهـ مـیـکـنـدـ:ـ "ـشـرـکـتـ دـرـ اـبـنـ بـعـثـهـاـ دـرـاـکـرـدـهـ وـبـاـ"ـ بـحـ وـبـهـ سـوـدـنـدـیـکـیـ وـنـمـاـهـمـنـدـوـرـهـ"ـ مـیـبـاـشـ بـهـ بـیـانـ دـیـگـرـوـزـبـیـوـنـیـتـهـایـ نـوـکـرـمـفتـ مـیـکـوـشـدـ تـاـنـ باـ تـوـجـهـ وـتـوـنـیـحـ تـاـکـتـکـهـ دـنـاـ تـقـلـابـیـ"ـ بـحـتـ آـزـادـ"ـ سـنـیـرـوـهـایـ دـمـکـرـاـتـ خـرـدـبـورـزـوـانـیـ مـتـرـبـلـ مـلـکـهـوـنـ جـاـهـ دـهـنـدـ وـاـمـهـاـ بـرـهـاـ مـاـزـشـ خـنـدـوـدـاـ دـدـ کـوـدـهـ اـنـهـاـ رـاـ مـلـزـمـهـ رـعـایـتـ قـاـنـونـ اـسـاسـ اـرـتـجـاـ مـیـشـوـدـ وـمـفـوـغـ اـنـقلـابـ رـاـ دـاشـتـ وـشـ بـهـ اـنـدـنـگـیـ شـاـبـنـدـ،ـ اـنـگـرـمـوـنـیـتـهـ بـهـوـسـتـهـ مـیـ - کـوـشـنـدـ تـاـ دـمـکـرـاـتـهاـ رـاـ رـتـقـاـ دـادـهـوـهـ مـوـزـبـنـدـیـ اـنـقلـابـ مـاـ بـوـرـزـوـاـیـ بـکـشـانـدـ،ـ روـیـزـبـیـوـنـیـتـهـ کـهـ دـشـمنـ اـنـقلـابـ مـبـاـشـ شـدـمـاـ قـدـرـتـ سـماـ مـدـرـسـیـ اـبـاـجـاـ دـخـرـقـدـ وـصـلـفـ خـلـقـ مـبـاـشـ دـهـ،ـ آـنـهـ دـرـ پـیـ اـنـدـنـدـاـ تـاـگـرـاـ بـشـاتـ لـبـرـالـهـ دـمـکـرـاـتـهاـ رـاـ بـهـ خـطـ مـنـجـمـهـاـ رـشـ طـبـیـهـ تـیـ تـبـدـیـلـ مـاـزـدـ،ـ الـبـتـ فـرـاـمـوـشـ سـنـکـنـیـمـ کـمـسـاـ سـتـ "ـاـنـتـقاـدـیـ"ـ فـقـطـ بـسـکـ جـنـبـهـ اـزـ حـرـکـتـ روـیـزـبـیـوـنـیـتـهـ درـقـیـلـ دـمـکـرـاـتـهاـ اـسـتـ آـنـهـ دـرـهـاـنـ زـمـانـ کـهـ مـکـاـنـهـ "ـاـنـتـقادـ"ـ مـیـکـنـدـ بـهـ حـمـلهـ دـشـنـهـاـ عـلـیـهـ دـمـکـرـاـتـهاـ دـسـتـ مـیـزـنـهـ،ـ طـبـرـیـ دـرـ تـوـضـیـحـ اـبـنـکـاـ مـطـلـاحـ "ـتـوـحـیـدـیـ"ـ بـوـایـ مـاـ تـارـیـاـلـیـمـهـارـاـ فـرـیـمـکـاـ رـانـهـ بـکـاـ وـنـدـرـهـ مـیـکـوـدـ:ـ "ـبـنـهـرـاـ مـزـاـسـ مـیـانـ

دیزیونیسم را در هوپوشی افشا و طرد کنیم

## مبارزات کارگران بر علیه نشکلات قلبی

میدانیم که کارگران برای پیشبرد متحده است میاز این شان در مقابل نیروهای رنگارانی سرمه به سلاحی بجزا زمانده و نشکلات ندارند و به تحریره نیز در بیانه این شکله آن دسته از مبارزات متبع کارگران نوشتند است سرمایه داران را به عقب نشینی و اداره کنند نشکلات واقعی کارگر آن را هدایت کردند بنابراین و با متوجه به اهمیتی که نشکلات کارگری در چگونگی پیشبرد مبارزات کارگران دارد، طبیعی است که طبقه سرمایه دار روزی میباشد همواره میکنند که در مرحله نخست جلوی موجود آمدن چنین نشکلاتی را بگیرند و در مرحله بعدی دگاهای فرمایشی خود در روز ۱۶ اردیبهشت به "محاکمه کشیده و آنکوه که از تو استند نشکلاتی بوجود آوردند سرمایه داران بخیال خود بدهی طریق قادر به جلوگیری از حبس و بود رشد آوارگان احکام دره چنین اند: ۱- عبدالامید کارگر (نماینده) تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ حبس ابد ۲- عبدالرسول بدیعی کارگر (نماینده) تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ حبس ابد ۳- هادی اسدی کارگر شرکت نفت تاریخ بازداشت ۶۰/۱/۲۹ حبس ابد ۴- محمد رحیمی کارگر تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ ۵- محمد حبیبی دبیلمه تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ ۱۰ سال حرا رسی که حاکم شرع برای این فرزندان طلق ترا شدید است "توطه علیه جمهوری اسلامی و تحربیک و غلال در محیط های کارگری و اقتصادی کشور" میباشد. اراکی "جلاد حکم شرع آبادان و ماهنگ همان کسی است که حکم اعدام رفیق محمود صمدی را ادرکرد و دختر جوان را که نهاده و اوارگان کعب ب ما هشتبود، ب مجرم "قدمشرکت در راه بیکار" (؟) به حبس ابد محکوم گردید. جاییست که بدانیم این جلادها سخشنی خود در ازای قربانی کردن جان سپاری از فرزندان خلق، اینکه تفییق مقام بافت و حاکم شرع خوزستان گشته است. ۲- ری رژیم سرمایه داری حاکم برای حفظ با بهای لرزاں خوبی میباشد بیان سرکوب میاز را در کارگران و زحمتکشان مزدورانش را تشویق نماید. بنگ و نفتر برخلاف و سرکوب کارگران جمهوری اسلامی! زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد یادگردد!

# جنپیش کارگری

## جس ابد و زندانهای طولانی هدت برای کارگران نماینده "شورای سراسری کارگران جنتکزده صنعت نفت" و سه مبارز دیگر

رژیم جمهوری اسلامی که برای سرکوب جنپیش حق طلب آوارگان جنگ به هر جمله ای متول شده و با بورشهای بی دریبی متوسط مزدورانش به آوارگان چشمکش، بسیاری از فرزندان آوارگان را روانه سیاھالهای خود کرده است، اینکه پس از مدتی که از دستگیری دوست از کارگران نماینده "شورای سراسری کارگران حنگ زده صنعت نفت" میگذرد، این دوکارگرها را زوجندان دیگرداری دزدیده اند گاهای فرمایشی خود در روز ۱۶ اردیبهشت به "محاکمه کشیده و آنکوه که از ما هبت خدکارگری برمی آید، آنها را به حسنهای طبل المدت واحد محکوم گردید، تناشد بخیال خود بدهی طریق قادر به جلوگیری از حبس و بود رشد آوارگان احکام دره چنین اند: ۱- عبدالامید کارگر (نماینده) تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ حبس ابد ۲- عبدالرسول بدیعی کارگر (نماینده) تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ حبس ابد ۳- هادی اسدی کارگر شرکت نفت تاریخ بازداشت ۶۰/۱/۲۹ حبس ابد ۴- محمد رحیمی کارگر تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ ۵- محمد حبیبی دبیلمه تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸ ۱۰ سال حرا رسی که حاکم شرع برای این فرزندان طلق ترا شدید است "توطه علیه جمهوری اسلامی و تحربیک و غلال در محیط های کارگری و اقتصادی کشور" میباشد. اراکی "جلاد حکم شرع آبادان و ماهنگ همان کسی است که حکم اعدام رفیق محمود صمدی را ادرکرد و دختر جوان را که نهاده و اوارگان کعب ب ما هشتبود، ب مجرم "قدمشرکت در راه بیکار" (؟) به حبس ابد محکوم گردید. جاییست که بدانیم این جلادها سخشنی خود در ازای قربانی کردن جان سپاری از فرزندان خلق، اینکه تفییق مقام بافت و حاکم شرع خوزستان گشته است. ۲- ری رژیم سرمایه داری حاکم برای حفظ با بهای لرزاں خوبی میباشد بیان سرکوب میاز را در کارگران و زحمتکشان مزدورانش را تشویق نماید. بنگ و نفتر برخلاف و سرکوب کارگران جمهوری اسلامی! زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد یادگردد!

## کارگران مبارز معدن زیرآب، قاطعانه از دستاوردهای مبارزاتیشن دفاع میکنند

کارگران میاز معدن میزدباری سرکوب آنان از استانداری ما زندگان تقاضای فرستادن با اداره کرده بود. اما کارگران دسته همی به مقابله با این توطه جدیدی بردازند و حسنهای نمایندواز جمله تعطیلی پنجشنبه های با دو روز حقوق برای کارپنجشنبه ها، وا ممکن و اغافه کاری را بدست آورند. ۱- ما بعد از آنکه مدیرعامل جدید "جزئی"، جانشین مدیر عامل لیبرال قبلي (که تو بسته بود منافع سرمایه داران را تامد کمال حفظ کند)، گردید، سی در بیان گرفتن دستاوردهای میاز شنی کارگران پنجشنبه ها را کارگری و مقدماتی مثلاً دوروز حقوق برای پنجشنبه ها را منتفی اعلام نمود. این مزدور "مکتبی" که مقاومند

### تهران شاهرو (اوی پلاست) کروین:

در ادامه مبارزات کارگران برای انحلال شورای ضدکارگری کارخانه و بعد از افتگرها کارگران میاز بر علیه "شورا" و مدیریت کارخانه یک و کارگران خواهان انتظام هرچه سریعتر این عمل سرمه ازدندند. و "شورا" که میدانست بعد زکناره گشته با توجه به رشد آن کارگران شورای واقعی کارگری اینجا دخواهد، بسیاری فقط خود سماحت بسیار رضمود، اما در مقابل اراده استوار کارگران مجبور به تسلیم شد. منتها در آخرين لحظات حیا شنیز را عمال خدکارگری پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

اعتراض کارگران کوره پزخانه‌های  
بروگرد برای افزایش دستمزد

کوکره بیزخانه ها را در جوگران می گذاشتند. از آنچنان که ماحب کوره ها تعیین دستمزد کارگران را به فرمانداری مول میکنند، کارگران مقابله فرماده از جتیع کردند و خواسته پیشان را مطرح میکنند. فرمادنرا بایدنا با پیشرمی منکر افزایش سراسمه و قیمتها میشود لیل بعد از آنکه کارگران که با پوست و گوش خودان را المس کردند و بیشترین فشار را نهادند از گرانی را تعلیل میکنند، ضمن اعتراض قیمتها را به گوش جناب فرمادنرا مرمی رسانند، او مذبوحه شده میکشدند تا اینها را زجیله کهنه شده وی اثر "موقعيت جنگی" استفاده کند. ما کارگران که عواطف بیپایه ای بقیه در صفحه ۲۷

کارگران کوره بیخانه ها که در بدترین  
شرایط بکار رفاقت فرماست بردازند، از گذشته  
قطع دستمزد و خواصیل رفاهی برخورد رانند. در  
کوره بیخانه های بروجرد کارگران بیش از ع  
لی ۲ ماه در سال نمی توانند کار گرفتند و علاوه  
بر مشکلات سامانه ای رگران کوره بیخانه ها، بسا  
مشکل کارگران اغتشاشی که هم از آگاهی بسیار  
با شفیعی برخوردارند و دوامهای بندی به مراس  
گشتراز اینها همان کار انجام میدهند،  
موارد جدید است. معذلك آنها با رهاب روا افزایش  
دستمزد نهایی چیزی نداشتند و همیشه زده اند.  
روز شنبه ۱۹/۶/۶۰ نیز کارگران تمدنی  
میگیرند است از کارکشیده و بلا خانه ها می



با داد روبوسيچي براي سخنرانی (!؟) به مدد  
میباشد و شروع به عوا مفتربي میکند. ماکارگران  
قا طعن هنرخواستهای خود را بسته داده و نهان  
متطلبی پوششنه ها را حفظ میکنند، بلکه  
فرمان داد را وارد رمیسازند بجای ۳۲ ساعت  
آغازه کار را هاته ۴۰ ساعت را بهبود میرند.  
همچنین زمان بگذارد منا سیست روزاول ماه مه  
غیره از این جاذی براي عوا مفتربي در فاصله شهرو  
قدمشخنرا نی داشت، مقامات رژیم هرای گرد -  
واری مستمع چهار را توبوس روانه معدن زیر آب  
میکنند تا کارگران را بهای سخنرانی این مهربه  
کشیف بینا ورند. اما رشد آگاهی کارگران معدن  
بدان جدی بود که حتی پیکنفرسوا را توبوسها نشند و  
آنها خالی به شهرها را گشتند و بدین ترتیب  
نشت محکم دیگری از جانش کارگران را معدن زیربر  
آب بدهان نیا و هرگز رژیم جمهوری اسلامی  
شواخته شد که خودشان سگرگوشه ای از "تفووز"  
رژیم در میان کارگران است!

# جیب شس کارگری

دست برند شده و حکم اخراج سه تن از کارگران  
می‌وزیر اماده بیکنند.  
اما کارگران بمحض اطلاع از این مردمست  
از کارکشیده و جتمانع می‌کنند. آنها از مددجویت  
و "شورا" دلائل اخراج رفاقت‌شان را می‌خواهند  
جون جوانی در بیان فتنی کشند رفاقت‌شان  
می‌خواهند تا حکم اخراج را بخواهند. بعد از آن  
سکارگرم‌ذکر و افتخار حکم اخراج می‌بردازند  
"شورا" که ذمینه را ناسا عدیم می‌بیند به کمیته  
شهر منعی متولی می‌شود. ولی ارجیف کمیته  
چی هامدرا را دهد که رگران تا شیری نمی‌گذارند  
می‌وزیر اگر کسان برای جلوگیری از اخراج  
رفاقت‌شان می‌جنان ادامه می‌باشد.

کارگران متعدد ارشمندان نجمن اسلامی  
کارخانه را خارج می شایستند. این فرد کشیدر  
زمان رژیم شاه نهیزد که خانه همچنان مقدم مزدوری  
سرمهاداران را میگردید توسط کارگران مبارز  
افشا میگردوز مانع کارگران نیستی از  
اسامی کارگرانی که دارای خانواده پر جمعیت  
بوده و دستمزدنها چهرشان کفایت نماین خدا قائل  
معیشتیان را میگیرند برای افزایش حقوق نزد  
وی میبرند، باهن مفتخر که خود حقوقی بیش از  
۱۲ هزار تومان میگیرد، مثلاً کمپودیو بودجه  
دولت را بهانه قرار میدهد، ولی کارگران در  
همانجا به افشايش می بردند و روز بعده نزد  
شور رفتند و خواهان آخراج وی میشوند و بدین -  
ترتیب با آخراج وی منصب میگردد که لاوظفه  
انجمن اسلامی جزو نکری برای سرمایه داران و  
سرکوب کارگران جیزه بگیری نهیت، شانها این  
انجمنها غالباً از مزدوران خدکارگری تشکیل  
گردیده اند که حتی در زمان رژیم شاه نهیت زد  
اداره های حفاظت ساواک و ... برخی کارگران  
فعالیت میکردند. شا لالا ما همین خدکارگری  
انجمنها اسلامی روز بروز بیشتر برای کارگران  
آشکار میگردند.

تصحیح و تکمیل یاک خبر

در خبری که در پیکار ۱۵ در باره مبارزات  
 کا و خان شیرپا ستور پزه مشهد آمده بود، تعداد  
 کا و گران زندانی بنا دوست ۴ تن اعلام شده  
 بود که صحیح آن ۱۶ کا و گر زندانی بود، که بسا  
 پوش آن را تصویر میکنند.  
 در ضمن طبق آخرین خبره تن از کارگران  
 شکور آزاد شده و تا روز ۲۲/۰۴/۰۷ تعداد کارگر  
 زندانی های دیگر میتواند.

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بیشتر زحمتکشان و نیروهای انقلابی در منطقه ببردازد. ما ارجاع محلی که بخوبی موقعیت رژیم وضع در مادگی اورادربا فته است، سعی میکنند بینای ربا مشکل نمودن قوای خویش و از موضع قدرت امتیازات هرچه بیشتری را ارزیم کسب ننماید. تماشای اخیر مولوی عبدالعزیز با مفتی زاده و تکلیل "شورای مرکزی سنت" (شمس) و همچنین ایجادگر و "وحدت اسلامی بلوچستان"، شناخت میدهد که ارجاع محلی برای وادار نمودن رژیم بهدادن امتیازات به آنها، در پی انسجام و مشکل درونی خویش برآمده است (بدینهی است که از این مشکل بر علیه نیروهای انقلابی منطقه که بعد از قبایل ملاحظه ای آنها را آسوده نگذاشتند، نیز شدیداً سودخواهد جست) و سعی دارد بنا استفاده از موضوع دفعی رژیم و بآنها هرشن درجه راهی ای "انقلابی" (دفع) از خود مختاری - بخوان: خان مختاری - نبرد بلوچ (نوده ها را فریب داده و بدنبال منافع آزمدند) و ارجاع عی خویش بکشند. در این رابط عمومی سیاه پاسداران با خوانین منطقه و تماشی و تسلیح آنها، همچنین سفر خیر هیئت دولت "مکتبی" به استان و عدمه کردن شیوه و سنت در رواج بخشی از این سیاست جدید هیئت حکمه است که میخواهد بدان امتیازات به ارجاع محلی و باطلخ اعطاء آزادی بیشتر به آنها جهت ترکتای زی در منطقه، به سرکوبی هرچه

نقیه در صفحه ۱۵



## خلق‌ها و مسئله ملی

### "وحدت اسلامی بلوچستان" و نویشه ارجاع محلی

با لایکردن موج نا رضا پیشی هادر بین مردم و آنها به حکمیت و منقاً بلا گسترش نیرو - های انقلابی در سطح جامعه، رژیم را دریک بن - بستی سیس و حشتناک قرار داده است که برای فراز این تنگی ها تنها راه حل رادرفع اختلافات درونی خویش و بطور کلی فشرده تر دن هرچه بیشتر صفت انتقام جهت سرکوبی انتقام یا فته است. در این رابطه پس از کاهش ظاهری اختلاف بین لیبرالها و حزب جمهوری رژیم بدلاشی ای وسیع در سطح منطقه دست زده است تا کدورتی های قبلی بین خود را تجاه

## "شیروودی" "قهرمان ملی" یا جاده خلق کرد؟

بدنبال کشته شدن خلبان هوا شیروود شیروودی توسط ارشاد حجاجی عراق، رژیم جمهوری اسلامی تبلیغات و سعی در بازی روی سرآنداخت و برای "تجليل" زاوست دیوام مجیده را بنام این مزدوران میسند. اما معلم اینهمه "تجليل" از این خلبان چیست؟  
شیروودی از مزدورانی است که در سرکوب خلق کرد بطور سیاسی رفاقت شرکت داشته. وی با رها و با رها از هلیکوپتر خودبسوی زحمتکشان کرد آتش کشیده و حتی از کشنا رگا و گوگوند زحمتکشان کرد نیز کوتاهی نمکرد. اوابا تکمیله تحرار سرکوب کرایه ای که از گذشته ارشاد داشت، آنچنان در کشنا رخک کردا خود "انگ ناما"! کذا شت که از افسریاری بدروانی رسید و بی جهت نیست که بس از مرگش رژیم برایش اینهمه اتفاق می ریزد.



## حمله مزدوران به روستای آویهنج سنت

متحمل ضربات شدن و تعدادی کشته و زخمی بر جای گذاشتند.

شب هنگام، ساعت یا زده ستوانی شا مل ۱۸ ماشین ارتشی و با سارا روجا شوجهار ماشین حامل کالیبر ۵ و توب ۱۶ به روستای آویهنج حمله میکنند. همزمان با آن عده کشیروهای دشمن بیاند: "با داده ز طریق کوه - ای منطقه روستای مذکور را محاصره میکنند و راههای خروج و ورود را به کنترل خود در میابند و تمام مکانی را که در مسیر میگذرد بینند. میکنند. عده ای از پیشمرگان کومله که طبق معمول به کمین نشسته بودند متوجه جودا فراد شن برپلندیهای اطراف میشوند. پیشمرگان بسوی آنان تیراندازی میکنند، بعد از مدتی درگیری! آنها که تعدا دیپیشمرگان کم بود سعی میکنند آتش و ما نور حلقه محاصره را تکثیر میکنند. همزمان با حمله نیروهای دشمن به روستای آویهنج، ارتضیان و با سارا ران مستقر در پایگاه تیزیز منطقه را با توب و خمیاره مورد حمله قرار دادند. درین هریان سپیشمرگ فداکار کومله با سیمی کاک اسد اطلسی، کاک بیدالله عبدی و کاک عزت رستمی قهرمانان شهادت رسیدند و بیان خون سرخ خویش با انتقام پیمان جا و داشتند. نیروهای دشمن در این شب رد

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقه است

زندنی کمونیست و اسقلابی دیگرآ مکان  
سیاست‌داندیا فرزندانشان ملاقات نمایند.  
باره و باره ما دران و خواهرا زندانیان  
انقلابی درمیرا بروزندان اوین و دیگر زندانهای  
رژیسم بهای ملاقات با عزیزان دریندشان سا  
بیورش و حشناهیا سداران جهل و سرما به روی سرو  
شده‌اند، اما «هیئت نبررسی» با وفا حتی که خا من  
مرتعمن است می‌گویند زندانیان حتی اجازه  
می‌باشد که برای مرخصی به بیرون ارزندان  
بروند. ما هم وجود چنین زندانیانی را انکار  
نمی‌کنیم. آنها شیکه‌نوکر مفتاح داردست در دست  
با سداران برای اجرای توطئه‌های رژیسم علیه  
انقلابیون دریندای آنها همکاری می‌کنند، از  
تسهیلاتی بسیار ریشترازی با برخورد ازندان.  
ساواکیها و مهره‌های رژیسم شاهنشاهی اسلف زاده  
امکان می‌سازندتا با آن‌کجا مکالمه متفاوت.

کنند. آمان اختلاف اساسی با رژیمجمهوری اسلامی نداشدا و اگر در زندان بسیمیرند بخاطر فشای رتوههای رحمتمند است. در حالیکه فرزندان کمونیست و انتقامی زحمکشان بخاطر شناخته از وحشت‌آگاه و طاقت فرسای زندان، تسبیح‌گذاری می‌نمایند. همچنان که می‌گویند: «هر کسی که از این می‌گذرد، باید از این دنیا خارج شود».

شما مرتعین حاکم با امکاناتی که از دسترس  
زحمکنن غصب کرده اید میتوانید هرچند تسان  
بخواهد دروغ بگویید، ما اگر در ادامه های  
بیشتر ماهنامه های ذره ای از حقیقت سراغ داریم  
 فقط **سکاعت** در زندان شهار ابروی مودم باز  
 بگذاشت خود بپیشنهاد کرد زندان شهار با فرزندان  
 اسلامی آنان جگوه رفتار میشود، ولی شما  
 حات منس کاری، اینداد بد.

و ما آیت الله‌خمینی بس از شنیدن گزارش  
از کارآشی هیئت بررسی شایعه‌شکنجه اظهار  
رضایت کردند. (جمهوری اسلامی - ۱۴۰۲/۲/۲۹) و  
جزاً بین انتظاری نیست چرا که اورده‌ی خان چند  
هفتۀ پیش خود در پوشنی سازمانها و گروه‌های را  
مسئلۀ شکنجه‌هاداران و اعماق‌بیان معرفی کرد.  
اما هم‌انداخته‌ی روزیمثاً نتوانست جناباتی را  
که درسیا هجالیها بر این نقلاییون شت برآ فراشته  
میرفت برای ابداً زخم‌توده‌ها بینهایان سازد؛  
شکنجه‌های زندانیان جمهوری اسلامی نزیرای  
مدت درازی از نظر مردم‌زم حمتنکش بینهایان نخواهد  
ماند.

زنجیرهایی که فرزندان خلیفه‌ای قهرمان ایران را در زندانها به بندکشیده‌اند، بدستان پرتوان توده‌های رحمتکش از هم‌گسته شده و درهای زندانها بهمراه توده‌ها بربروی گمونیستها و انقلابیون در بندگشوده خواهد شد. ★ ★ ★

هیئت بررسی شایعه (!) شکنجه

غفلی را با آن زندان نمی توان مقابله کرد.  
تفاوت بقدرتی اینکه آنها بینجا را می بینند استراتژیک  
نمایدزه زندان (همه نقل قول ها از جمهوری  
اسلامی ۱۴۰۵/۲/۲۹ است) شکر نیست که این  
زندانی "جزا رخا شین" اکثریت اینها بینجذب  
بعدا دبورزوایی می رسد، نمیتوانند باشد.

در همین همه‌ای احیا و سودگردانی شد. کمونیست و انقلابی زن موردویش و جشا نه  
با سدا وان سرمایه‌فرار گرفتند و چهار رفیق  
میان روزاز زندان بیرون برده شدند که از سرنشوشت  
آنان اطلاعی در دست نیست (بیکار ۱۵۶)، آری  
هیئت بررسی شکنجه بنای ما میت ارتاجی ای اش  
نمیتوانند شکنجه‌ای رفیق شهید بیکار رگر  
کمونیست مهنا زمتعندی و دهدخان انقلابی  
دیگر اکدرا شرطیات پاسداوان قامتهای استوار  
شان له ولورده شده است "شکنجه" محسوب کند.  
این مرتعین شکنجه و جشا نه هوا داران واعده  
سازمانها و گروههای کمونیست. که با رهادار

خنثیات که موشیست و انشقایی واژجه "بیکار"  
انگلسا با فته است. را به دست "فرماوشی"  
سپرده و سی شرمانه ادعا میکنند که بجز "بک گروه  
سازی" بقیه زندانیان از وقت زندانیان  
را پی اند آورده و گوشی به شیوه گوبلزی و وفاحت  
سردمداران رژیم جمهوری اسلامی خدی نداده!  
چه کسی میتواند شکنجه با ساداران که با آتش  
سیکار برپیدان زندانیان انقلابی "درود برخمنی"  
می توانستد رفرا موش کند؟ چه کسی میتواند  
تلاقهای با ساداران که منجر به سیاستهای شدن بشد  
و خونریزی زندانیان انقلابی میشود را فراموش  
کند؟ چه کسی میتواند مدحنه های نمایشی اعدام  
که جزشکنجه روحی چیزی دیگری نیست رفرا موش  
کند؟ چه کسی میتواند غضرب و شتم زندانیان و  
کشیدن موها بشان توسط با ساداران را رفرا موش  
کند؟ چه کسی میتواند محروم بودن زندانیان  
انقلابی از رو وزنا مه، رادیو، ملاقات و .... رفرا  
موش کند؟ روزی رژیم جمهوری اسلامی راه شاه  
جلادوسا و اک جنایتکار اراده میهد و جزا بین  
آدمیگیری نداده.

این یک واقعیت است که در زندانهای جمهوری اسلامی، کمینیستند از قلابیون دریندی که ما هاست بدون کوچکترین اطلاعی از وضع و سرتوщت شان در اسارت روزیم برسر می- بروند. مدت‌هاست که خا خواهده رفاقتی کمونیست می‌خیسند. فاضل و حمام، شستا، و دهدزا و دهدزا

با لآخر بدنبال موضع گیریهای اعماق  
هیئت بررسی شایعه شکنجه "مبینی بر" نبود  
شکنجه در زندانها و نیز تا شیداً بیت الله خمینی  
و "روشن شدن" [!] مسئله کدها بنی خودانقلابیون  
هستند که برای "مطلوب‌نمایش"! خود را شکنجه  
میدهند و می‌سوزانند! هیئت بررسی شایعه  
شکنجه با انتشار گزارش نتیجه‌گاری خود را اعلام  
نمود، در این گزارش مطلب تازه‌ای ثبت شد  
گفته‌های قبلی بشارتی جهومی هکار پیش  
سا و آک و نما بینده فعلی مجلس اسلامی و محمد  
منتظری نما بینده بیت الله خمینی در هیئت  
بررسی شکنجه - کروزی به گفته‌پدرش دیوانه  
است و روزگر عاقل!... و دیگران را رژیم وجود  
ندازد.

طبق ادعای این هیئت "نظام حاکم بر زندانها، مبتنی بر شکنجه نیست" و در مقابله با این تمویری از زندانها میدهد که هر فردی هوس زندانی شدن به سوش میزند! آنچه که در این گزارش به آن اشاره شده است، وضع زندانیان سیاسی انتقامی است. تنها اشاره شده است که "با استثنای بعضی از اعضاء" و هواداران یک گروه سیاسی بقیه زندانیان بطور کلی از رفتار مأمورین و پسداران با زندانیان اظهار رضا پیش میگردند". (جمهوری اسلامی- ۶۰/۲۹) و این دروغ بیشتر ممکن است بپیش نیست. از متن چنین برمی بکد "گروه سیاسی" مورد نظر آنان، سازمان مجاهدین خلق است و آن هم بعضی از اعضاء و هواداران "این گروه" هستند که از رفتار پسداران و زندانیان شکاست دارند!

گوشاهای "هیئت بروسی شایعه‌شکنجه" کسر است و فربادهای مدها زندانی مجا هدوشکنجه - های و خشناهه آنها را - که در برخی شماره‌های "تعاهد" منسکن شده‌اند نمی‌شود.

آیا بجز مجامعتیں، گروهها و سازمانهای دیگری از شکنجه اعضاً و هوادارانشان فربا داشتمانند نکرده‌اند؟ گوشها و چشمهای "هیئت بروسی" کرسو کورس و جنایات مزدوران رژیسمرا نمیتوانند بیینند و فربا داعتر از مدها کمونیست در بندو خانواده‌هایشان را نمی‌شنوند.

مرتجمین بروسی کننده "شایعه‌شکنجه"! تو شته‌اند "در قسمت زنان، اکثر آن اوضاع زندان و رفتار ما مورثین راضی بودند" و "وقول فردی که گواه در زمان شا زندانی سیاسی بوده و به جس ای ممکنه مسده در نهسته‌که "صلوا زندان...

**علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زندگانی باد پیکار توده‌ها!**

خوبش بکوشد. در کتاب نا مسرده، محیط زندگی سوردلوف را بن سالها جنین توصیف شده است: "میوه افکار انسانی در وجدان نوده ها، در حال رسیدن بود، مردمدا شما این جمله از منظمه "بیک طوفان" اشراکیم گویی را با این دیدواری نیامکرا میکردند: "طوفان! بیزودی طوفان خواهد شد." افکار مبارزه اقلایی در قلب سوردلوف جوان انعکاسی سریع داشت." (ص ۲)

"نیتی" محل تبعید انسانی بود. زاکب در شهر خودبا آنان آمدند، و هنوزیک کمونیست نیودا ماتش کیستن طبقاتی او علیه رژیم ترا ری که بوسیله مطالعه کتب انسانی تبیزت میگشت، افکار پندردار ادراهمی بروراند.

در سال ۱۹۰۱ کمیته حزب سوسیال دمکرات روس در نیروی تشكیل گردید. از این زمان است که جهان تازه کمونیسم در پیش چشم سوردلوف گشوده میشود، دیگران و راهی سرای مبارزه تا به آخراً نقلایی با فتنه بود. آرمانهای کارگری در روح جوان شکفت و نیروی عظیم ادرا و بیدار گردید. زاکب جوان از جان و دل خود را وقف این آرمانهای نمود. قدمهای اولیه ای و تکا هدای مطبوعات غیرقاً نویی، بخش و توزیع تراکت های حرب بود. از آنجا که این همه وجود در راه انقلاب کا منها دوبا شوروش و خلافتی که تنها از عشق او ویدا نقلایی رشته میگرفت تن بدمونا ن مبارزه سپرده سود، و همه تو نایی و آگاهی خود را صرف پیشتر از انقلاب مینمود، سرینا درا یعنی راه شا پستگی های چشمگیری بدست آورد. این بزودی موردا عنتماً حزب قرار گرفت و بجای وظایف ساده، مسئولیتیها مهم حزبی به او محو کشند. فعالیت پرشور و وقفه نا بذیر رفیق سوردلوف چنان سرگشگی داشت که علیرغم سکون کمو جوان اش به یکی از افراد فعال و موردا طبیعت این حزب بدل شد. در سن ۱۷ سالگی مسئولیت تشکیلات سوم و رهایها و اگذا را گردید. دیگر ترا ریح انقلاب از تاریخ زندگی سوردلوف جدا نا بذیر گشته بود. تلاش ایثار - گرانه برای سازماندهی کارگران، کوشش برای وقفه برای مستحکم کردن تشکیلات و آهنین کردن حزب، سالهای طولانی در جنگ ل دزخیمان تزار در زندگانها و تبعیدگاهها سرکرد، بینحسیری - نا بذیره آموختن ازما رکن و انگل و لینیں پرداختن، پیوندان گستنی با کارگران برقرار نمودن و به مبلغ ورهر محبوب آنان سدل شدن، هر بار پس از رهایی از زندانهای مخفوت تزاری با شویی ناگفتنی به عملیات انسانی پرداختن همواره در پیش خط مشی کمونیستی و در مبارزه علیه این نوع اینحرافات راست و "جب" پیش رو بودن، ... اینست چهره سوردلوف، کسی که بالاخوه پس از پیروزی انقلاب اکنسر از طرف حزب بقول لینن شاپنگی آنرا اسدست آورده که مقام شخصی اول اولین چمپوری سوسیالیستی بعنی مقام رشی اجزا شیوه کمیته مرکزی شورا های رویسه به این اگذا رشد تا به تحکیم و نکامل سازمان

## زاکب سوردلوف: تجسم انسانی کمونیست

معرفی کتاب: "زاکب سوردلوف" به قلم همسرش (کلودیا سوردلوا)



کبیر، خیث به شمر رساندن انقلاب برولتاریا بی و مهمتر از آن برای تحکیم قدرت شوروی بسود پیردازیم، مقدمتا به چگونگی پرورش او که خود نمونه ای ارزشمند زبده ایش ورشدره هرمان برولتاریا، از دل مبارزه دوران از کارگران است، اشاره میکنم.

زندگی رفیق سوردلوف با دیگر پیوچون شناس میدهد که چگونه تنها شرکت آگاهان در عمل اقلایی شرکت در مبارزه ای امان برولتاریا علیه سورژوازی و تمام طبقات ارتقا می وضد انقلابی وارد رون کوره گذازان مبارزه طبقاتی است که انقلابیون کمونیست بروزده میشوند. انقلابیون که در پیوندی با پیکار را بیچاره طبقه کارگر، منبع پیکار را به نمایش میگذارند که تجمیع شناس کمونیست، انسان سازنده سوسیالیسم، جنگنده پیشوا نقلای برولتاریا بی سوده است. کسی که با روحی شعله ورا از عشق و اشتیاق انقلاب، سا کارگر میگشتی برای فتح اروپی و قفقازی عظیم خود را درین نهادن سوسیالیسم ادامه دوای اینسانی وصف نا بذیر در راه ساختمان دیباشی توین گام برداشت که از هرسوی آن طینی ناقوس فتح برولتاریا بیکوش میرسد: دنیا کارگران آزاد از قیدستگری سرمایه، دنیا حکمت برولتاریا دنیا کی که ذرا نهادن آن بسیار زده تو اتفاقاً، سا رزم سرخ آگاهانه، سا شیره حان و جوهر زندگی کمونیست ها شی جون سوردلوف در هم آمیخته است دنیا کی که هر چند مرز پیش عظیمی از آن بدست دشمنان آشنا نا بذیر طبقه کارگر، پورژوا - رویزیونیستها و بران شده لیکن تجا رب پیروزی - ها و دست آوردهای شکست نا بذیر آن چون خورشیدی فروردان، اتری و شبروی اراده بریا ساختن آنرا در سراسر جهان در قلب پیکارهای طبقه کارگر سریز میکند.

چگونه رهبران انقلاب کارگری پیروزی می شوند؟

پیش از آنکه به اساس ترین جنبد زندگی رفیق سوردلوف که هم این اینقای نقص سازمانده

پیکار

علیه بورژوازی، این امکان را به سوردلف داد  
تا درساز مانده می بازه برولتاریای انقلابی،  
آنچنان تشكیلاتی قابل بوجود آورده در سخت-  
ترین شرایط، توانایی ادماگاری و پیشرد  
می رزد راه شناختگی به انجام رساند. فی المثل  
در زمان شکست انقلاب، در سال ۱۹۰۷، زمانی که  
سازمانهای انقلابی کشوبیر حما نه تحت فشار  
حکومت تزاری قرا رگرفت، بلشویکهای  
یکاترین بورگ، منطقه ای که سوردلف رهبری  
حزب رادر آنچه به عهدده است با خال فارغ به  
عملنیات مخفیانه خود را به میدان دند و سرمه  
تشکیلات حزب لطفه ای وارد نیا مد. (ص ۲۱)

وازن فقط به سب سازمان نده باشند  
بلشویکی سوردلوف و شووه های کمونیستی او  
در رهبری تشكیلات بود. سوردلوف نموده کنم نظر  
چنین فرماندهی پرولتاریائی در حزب بلشویک  
شناخته شد. اور دسازمان ندهی ضمن آنکه بعنوان  
یک رهبر "میدان است از اعضا میباشد" روز برسی  
لیاقت شان چگونه استفاده کند" در عین حال  
گسترش تربیت و زندگانی در تربیت ارتقا می دهد  
بوجودی آورد. او به شوحیرت انتگری میتوانست  
به تدوه ها اتکا کند. زمانیکه او به سکاترین بورگ  
رفت کارگران بدینگونه از رفیق خدیدی که کمیته  
مرکزی حزب بدانجا فرستاده بود محظیت میکردند:  
"اواز هم اکنون با همه آشناست - در همه جا  
حاضراست - رفیق بر جسته ای است حسالا  
دیگر ما کسی که ازا و چزیبا موزیم و سیا و  
مشورت کنیم در دسترس خودداریم. من رفیق  
جدید آندری بود. این اسمی بود که سوردلوف  
را در حزب به آن مینما میداند. در همه جا دست  
توانای سازمان ندهنده ای که نظام بلشویک  
را برقرار رمیکرد مشهود و محسوس بود سوردلوف  
و ظایف هر کس را بطور سریع مشخص مینمود  
واز هر کس بر حسب لیاقت و استعدادش استفاده  
میکرد." (۱۸)

این انتکا به متوجه هستها از بیلشویکی چون  
بوردلوف ساخته بودا و درگا رستکیلات از هنر نو  
بیوروکرا تیسمیم ولیبرا لیسم بدبور بود. و اونکشن  
کسانی را که به مدد و دستورات ریزو دور داشت  
مشغولندتا بیان نمیکرد. بقول رفیق استالین  
بوردلوف میدانست که چگونه برولتا ریبارازامانده  
کنکاری کند.

سیاستی مکانیزم

۱- هر کار بر حسب لیاقت سخنی خدا تشریف یاد  
را به انقلاب عايد کند.

۲- هر کارگر حس کند کاری که به او رجوع شده  
کا ملا مناسب است.

۳- این طرز تقسیم کارته فقط منتهی به ایجاد وقید در کارها نشود بلکه رویهم رفته هم آهنگ

ووحدت وپیشرفت عمومی کا ررا تا مین کند.

سیاسی که برای آن چنین کاری بعمل آمد

شمربخش ترین دوره فعالیت سوردلوف، است بساتد. (ص ۶۲)

دورانی است که سازماندهی تدارک انقلاب  
۲۲ بقیه در صفحه

**ANSWER** The answer is 1000. The area of the rectangle is 1000 square centimeters.

میدان مبارزه نهاد، در جریان عمل انقلابی، روزبروی بیشتر تو ان واستعداد و مهارت در امر سازمان نهضت مستحکم بلشویکی در اورشیا فت. درواقع سند بنای وجود سازمانه حکومست شوراها، در جریان همان سالهای مبارزه با به کذا شتند. از تاسیس یک چاپخانه در سورموریه دستور حزب، تا سازمان دادن خوزه ها و کیتیه های مزبی، تا سازمان نهضت تبلیغات روزمره در میان کارگران، همه و همه وظایف پیوکد کاویه نایستگی بدان پایخ داد. سازمان نهضت بلشویکی و، سازمان نهضت آهنین و منقطعی بودگه سلاح میمنا سبی در مبارزه آشتبی تا پذیربرولتا دیسا

محسوب میگشت. و همه جا سازمانی بپکار جویی  
میریخت که به نیاز راهی انقلاب پاسخ گوید. به  
علت همین عطش سوردلف نسبت به انقلاب  
برولتری بودکه اهواز در انتخاب خط مشی  
نخبگانی جهت بنیانگذاری سازمان آهنگری  
بیشتر هنگ برولتری پیشرو بود: "دریا بیز ۱۹۰۳  
کارگران نیزیستی از تشكیل شدن دو میم کنگره  
عزب و بروزا خلاف قیمده که منجر به پیدا یاشد دو  
سته مشویک و بلشویک در قلب حزب شده بود  
طلاح حاصل کرده بودند بعداً زیبا یان کنگره  
سیما روزه تشكیلات حزب نیزیستی شروع شد... وقتی  
مشویکها با نقشه لنبن راجع به تشكیل یک حزب  
نقابی جدید و مبارزه جومنا لفت کردند، سوردلاف  
یک راه را انتخاب کرد و آن را لنبن بود (۱۵) (۱۹۰۵)  
آنکه سال ۱۹۰۵ زمانیکه رویجه را است  
نقاب فرا گرفت، آغاز شد و یادا زمان مناسب  
برای رسیدن مبارزه قطعی کارگران و شعله و رکدن  
تش انتقال بدل به مردم حزب گشت، کمیته  
برکری یکی از برجسته‌ترین کسانی را که قادر  
بودند وظیفه بلشویکی کردن تشكیلات را بعهده  
میربرند، سوردلف بیافت. و امر ماده کردن تشكیلات  
سamar، سارافت، سورمو، نژرنی را برای تیما  
با همراهی دلف عالیت ب. تجا، ب. ساماندهی

ادارکوهای میان مبارزات بدبست آورد: "آندری  
نا هجیزی سوردلوف" توهدها را برای قیام  
سلحانه نماد میکرد. تحت نظر و دستیحات قشون  
کارگری تشکیل و اسلحهای لازم بین آنها  
توزیع میگردید و تکتیک جنگ در کوچه‌ها به آنها  
موخته میشد. درا بتدا "دستیحات مزدور" پسند  
نقلایی "زصف قشون استفاده نموده و در میتینگ  
های کارگری اختلالات ایجاد میکرددند، بیکی از  
بن میتینگ‌ها... بوسیله "دستیحات مزدور" ضد  
نقلایی متفرق شد. این سرای آندری درس  
بود مندی بود. از این پس آندری تمام کوشش خود  
را معرف تقویت قشون کارگری کرد تا آنها را برای  
مقابله با دستیحات خدا نقلایی کا ملا آ مساده

محدود. (۱۷) این است رازبیبروزیهای سوردلخ وارتقای او در جهگی سازمانده پرولوترا ریا، سازمانده ای که بعد از این زیروزی پرولوترا ریا، ممیباست همه این تجارت را در خدمت سازماندهی شوراها، رتش سوخ دیدکننا توری پرولوترا ریا و... بکار نمیرد. آری نداشتن کوچکترین تزلزل در مبارزه

شوریو، سازمان دیکتاتوری پرولتاپیاپیردا زد،  
سوردلف دوسال پس از غلبه پرولتاپیا پسر  
بورزوآزی، درسن سی و چهار سالگی و در حالیکه  
همه نیروهاستعداد او آکا هی و تجربه و خلاقیت خود  
را در راه مستقر کردن حکومت کارگری بکار می-  
بست و مدی از بیش روی جهت بننا شهادن سوسیالیسم  
با از نمی ماند، در راه انجام مظايف کمونیستی  
از چهان و خت بست.

سازماندهی سوتاد با

زندگی رفیق سوردلوف نشان میدهد که چگونه  
کارگران، رهبران خودرا می پرورند، وفادا رترین  
فرزندان خوبی را در قلب مبارزات خود آبدیده  
میکنند و ننان را کما مکان می بایندآگاهانه  
آرمانها بشان ادار خودبای رورسا زند، بعثتای سه  
رهبران و ننان بیندگان لایق خودبرمیگزینند.  
سوردلوف تجسم عالی ایدئولوژی پرولتاریا بود  
که در او موضع پیشواسی ای ایدئولوژیک  
با عالیترين اخلاقیات کمونیستی در همی  
آمیخت، خاصیتی چون شورش و شوق وصف ناپذیر  
نسبت به مبارزه، فعالیت و کارخستگی ناپذیر  
کمونیستی، شجاعت و عشق، سرش ربه طبقه کارگر و  
آرمان نهای سوسیالیسم، متناسب پرولتری دریشت  
سرنهاد منفات، انجام دقیق و ظایف متعدد  
وشاق حریضی با نظری آشنین و توانایی های  
شخصی در انتگریت و تدوههای بجا دادنده ترسیں  
پیوندیابا کارگران .... از با رزترین خصوصیات  
اخلاقی او بود. لیکن بر جسته ترسیں خصیمه، رفیق  
سوردلوف، توانایی اودرا یقای نقش یک رهبر  
کبیر از ما دنده نهاده بپرولتریا اتفاقی بود.

سوردل متعلق به دورانی بود که بقول رفیق استالین برولتاریا دوره تمادمات آشکار طبقات، دوره تظاهرات انقلابی دوره انقلاب برولتاریا شی، دوره تهیه مستقیم قوا برای سرگون ساختن امپریا لیسم و تعرف حکومت به دست برولتاریا را می گذارد. در جنین دوره ای برولتاریانیا زمند آنجنان سازمان پیشقاول رزمنده ای است که بتواند در شروری آتشی نا زدیر ایده ها و رما نهای برولتاریا را به شروری مادی بدل سازد میلیونها کارگرو استخرا روشندۀ را برای دستیابی به اهداف تاریخی خود مشکل نموده و رهبری کند. جزاين سخنی از کس قدرت نمی توان را ندیدرای انقلاب برولتاریانیا زبه ستاد چنگی خوددارد. تنها با درک اهمیت عظیم جنین سازماندهی فولادین است که میتوان بی به نقش شگرف سوردل فرد سوردل فرمانده بزرگ و سازمانده نادر برولتاریانی بود که بدون سازماندهی آهنین قادر به پیشمردا مرآ انقلاب نمی گشت. او وهم عظیمی در ملشیکی کردن تشکیلات حزب و تکامل سازمان شوروی پس از بیرونی انتقال اکتبرداد است امری که تنها در را بطبقای جنبه کم ظیرا بیدلشلوژیک او بعنوان کمونیستی کبیرقا بل توضیح است. ژاک جوان از همان زمانی که با عقیده راست به حق نیت را هی که برگزیده بودیا بے

## اعتراض به هجوم و حشیانه به درمانگاه طباطبائی

درا عنتر از بیورس مرتضیا نه مزدوران رژیم  
در روز ۲۷/۰۵/۶۰ بدروان نگاه مجا هددکتر سید احمد  
طباطبائی باعث درخواست این صنف علمیانه (بیج  
شمیران) او اشغال درمانگاه، چمن از پردازشگان،  
دندانپزشکان، بیوستاران و داروسازان متعدد،  
اعلامیهای صادر کردند. در قسمتی از این اعلامیه  
آمده است:

".... آنچه که خدمات ارزشمند این درمانگاه  
ذرمدا وای روزانه بیش از ۱۵ هزار بیمار (بطور  
رایگان) مورد حمایت اهالی و مردم منطقه بوده  
است و از تجاه کنیا زندگی مردم ما بهداشت  
و درمان برھنجک پوشیده نیست، ما این عمل  
غامباز را جبر علیه منافع مردم محرومیت  
کشیده و مستضعف تلقی نمی کنیم... خواستار  
با گذشتی درمانگاه و استردادا موال مسروقه  
و آزادی دستگیرشگان درمانگاه میباشد..."  
در این اعلامیه همچنین "نتیجه درهای  
نکشن حرم و حریم درمانگاه و بیمارستان  
توسط مزدوران مسلح ارتقای که این روزها  
دیگر هیچ حریمی از تجاوز آنها معمون نماند  
است به برستن درمانگاه کشورهشدار "داده  
شده است.

## جنایت پاسداران سرمایه در "دوروود"

روز یعنی ۱۷ اردیبهشت، "زطرف" معلمین  
اخراجی آماده بخدمت "(هواداران جریکهای  
فادای اقلیت)، نماشگاهی جهت افتتاحی رژیم  
وطرح خواسته شان بربا مشود. با ساران به  
هرماه مزدوران دیگر طبق معمول به قدری هر چهار  
زدن نیاشگاه به محل می بیند که با مقاومنت  
مردم و بخصوص معلمین اخراجی مواد مشود...  
با ساران ضدخلی رکبار گلوله را بروی سردم  
با زمکنندگان را رکنمایی می کردند. با این اتفاق  
سلیمانی "بوسیله گلوله با ساری سارم "کور شر  
ساکی "شهید شده و یک معلم غراخی بیان عبا  
با قرقی "زنایه کنف بشدت مجرم شد. مردم  
خشکنی از این جنایت با ساران، شعارهای  
مرگ بربا سارا، "این است آزادی ما، گلوله  
برسینه ما" و "با سارا جنایت میکنند، بر زیر چما بیت  
میکنند" را سرمدیدند. خون حاری شهد و منز  
متلاشی وی، خشم مردم را چند را بر مکنند. بی مردمی  
کفشن کارگرشیده را سردا شده و می بوسد. بعد از  
این جنایت مزدوران رژیم ۱۱ نفر را دستگیر  
می سازند. روز جمعه ۲۱/۰۵/۶۰، طلاعیه ای از طرف  
بخناری (۱۵/۰۵/۱۳۶۰) ساندگی تلخی

# خبر مبارزات توده ها



## دزم زحمتکشان " محله ابیوردی " پر خروش باد!

کرد و اتحاد شان را بکنندگان مردم که متوجه  
توطنه انان شده بودند، "انجمن اسلامی ها"  
را هم رسین خودشان بیرون می آذارند.  
"انجمن اسلامی ها" که برای این شکست خورده  
بود، با لاخره با حبله کری موفق بیشتری دارد  
را از مسجدبیرون آورند. اما مردم با مشاهده  
آنها بطریق شان هجوم برده و در حالی که شمار  
میدانندگان ساران را مطلع میکنند.  
فرموده ریاضی از اعضا مزدوران خود را نجمس  
اسلامی که آنها را تهدید میکرد، میگفتند ماما  
استانداران را فراری داده و در مقابل تحريم  
اقتصادی محله استادگی کردند و از باوهای  
شانمی ترسیم و تأثیر خوبی خویشان شمار  
مرگ برای میریا لیسیوا رخیاع را خواهیم داد.  
در این مقام و میازده اقلایی مردم  
زمکنندگان ابیوردی، دونفر از اعضا سیاه زخمی شدند  
و "انجمن اسلامی ها" نیز جوان موش بایه فرار گردند.  
درود بر زحمتکشان می رزمه ابیوردی!  
نقل از: خبرنامه محلی پیکار (۲) نشریه سازمان  
پیکار روزهای آزادی طبقه کارگر تشكیلات شیراز

سیاهی ساران سرمایه به مردم انجمن  
اسلامی محله ابیوردی، مدتهاست که برای اهالی  
زمکنندگان ابیوردی مزاحت ایجاد میکنند و سه  
سینه های مختلف مردم محله را موردا ذیست و  
آزار فراز میدهند. اما هر بارا مقاومت اتفاقی  
زمکنندگان ابیوردی روپوشده است.

در همین را بسطه در عصر و زمان ۱۵/۰۵/۱۳۶۰  
حدوده ۵۰ نفری ساران را از طرف سیج بهای  
آفمه نمایند و دعا به مساجد ابیوردی اهالی  
 محل که از این موضوع طلحه مشوند اطرا ف  
مسجد جمع شده و شروع به دادن شعار بر علیه و رود  
پا ساران به محله نمایند. شوارهای عبارت  
بودند: "مرگ برای رخیاع" ، "مرگ برای ساران  
حاجی می رزمه دار" ، "پا ساران خون حلق کرد  
ما، می چکدا زنگ تو" و ....  
پا ساران از ترس مردم جرات بیرون آمدند  
از مسجد راند اشتند و حدود ۲ ساعت در مسجد مخفی شده  
بودند تا با خشم اینقلابی مردم استعدیده مواجه شوند.  
 ساعت ۸ شب اعضا انجمن اسلامی محله  
برای ایجاد تفرقه سعی کردند بین مردم نفوذ

## کشتار و نیرنگ، سیاست رژیم حاکم

بوده اند" یا "از قبیل نقشه حمله مسلحه به جز ب  
را کشیده بودند" را نسبت داده اند.  
کارگران، زحمتکشان و توده های میارز  
چهار محال و بختیاری!  
جان فرزندان دستگیر شده تا در خطر است.  
رژیم دخلخانی جمهوری اسلامی میکوشد جان بیتی  
را که خود مرتكب شده بگردان فرزندان اینقلابی  
شایانند از دو بین طریق خود را در مقابل  
جنایت که انجام داده، تسریع کرده و "باک" و "بی"  
کنایه "خلوه دهد. تنها اعتراف متعدد نوکسزه  
شما میتواند جان این جوانان اینقلابی را  
نجات دهد... در انتظا و مادره علیه این  
دستگیرها و گشنا رهایی خیزد.  
نقل از: اخلاقی ها داران سازمان پیکار  
در روز آزادی طبقه کارگر (چهار محال و  
بخناری ) ۱۵/۰۵/۱۳۶۰ ساندگی تلخی

در روز ۵/۰۵/۱۳۶۰ دریسی بک درگیری میان  
نیروهای اینقلابی و توده های زحمتکش شهرکرد  
و پا ساران و اوپا شان رژیم جمهوری اسلامی،  
یکی از هواداران مجا هدین بنام علی فتح کریمی  
بوسیله گلوله پا ساران سرمایه به بندت محروم  
گردید و بین از جنبدروزسترن شدن در بین رسان  
بنها دست رسید. ارتقای حاکم که میسی اعلی و تنها  
مخفا این جنایت است، جهت اتحاف اذهان  
توده های زحمتکش و برای فریب آنان، بدروغ  
عنوان میکنند که علی فتح کریمی توسط مجاهدین  
و پیکارها کشته شده است و سرای فریب بیشتر  
مردم، اقدام بزرگواری می سازی برای شهداد  
میکند!  
بن از این جنایت و عواقبی، ۱۵ نفر  
توسط پا ساران سرمایه دستگیر میکنند که به  
آن اشخاص میانی بی اسان از قبیل "مسلح

## به استقبال جنبش اوج گیرند ۵ توده ها بستاییم

## مراسم موفقیت آمیز اول ماه مه در مشهد

در روز شنبه ۱۲ اردیبهشت از سازمان معدن و طبله، هاداران سازمان پیکار و دروازه‌آزادی طبله کارگروه‌سازمان چریکهای فدا شی خلق از محل چهار راهدارواز طلایش بطرف میدان شهد دست به یک راهبیما شی موضعی زدند. راهبیما سان با شمارهای ۱۰۱ ماهمه، اول ماهمه، روز شنبه ۱۳ اکتبر، علیه سرمایه‌دار و "سازمان گران، بشنی گران" بسیکاری و حسرت نان، بیان می‌زنند. راهبیما شی موضعی زدند. راهبیما شی موضعی زدند. راهبیما شی موضعی زدند. راهبیما شی موضعی زدند.

در جریان راهبینی، او با شان روزیم چند  
با رقصدهیم زدن بر اسمرا داشتند که موقوفیتی  
بدست نیا وردند و مردم نیز از دعوت آنها برای  
حمله به کمونیستها، هیچ استقبالی نکردند.  
این مراسم درستگاه سراسر به پایان رسید.

## فرزندان هارا کجا برده‌اند؟

"عدمی از خانواده‌های زندانیان سیا سی"  
در نهادی خطاب به جمیعت حقوق دان ایران،  
به دستگیری و مکتجه فرزندان خود در زندان  
وین اعتراض کرده و خواهان پیگیری مسئله از  
جانب آنها شده‌اند. قسمتی از این نامه را در  
بر میخواهیم:

"...هفته پیش ۱۱ اردیبهشت (مسئلین زندگان اسامی چهار رتن افزونزندان مارا از بلندگو میخواستند که این افراد هر چه زودتر بشه دفترزندان بروند. ما فرزندان ما کما زنگنه نهایاً شده بودند، از رفتن خودداری میکنند بهمین دلیل رشیم گروه ضربت با خشم و ردیدند معمومی زنان بیشود و خطاب به فرزندان مان میگوید: "یا این چهار رنگربا بیدبیا بیندیا اینکه گریه تان خواهند داشت. "بجه ها همگی بلند بیشود و اجازه نمی دهند که ۴ نفر را با سدا ران با خود ببرند. پس را ان که از این اعتراض بقیه در صفحه ۲۰

۱۸-۲/۲، با نوکر منشی سپاهی میکنندکه عامل  
درگیری، معلمان اخراجی وساوا کیها بوده اند!  
اما رژیم به کمک نوکران روپریونیستش نیز  
نمی تواندما نندگشته بر جای ای خودرسپوش  
گذاشتند و آن را به گردان شیوه های انتقلابی  
بیان نداد. هم اکنون مردم، خواهان دستگیری و  
محاکمه کورش ساکی و دیگر مزدوران هستند.

سیاه پا سداران منتشر می شود که در آن با کمال وقارت، عامل جنایت را انقلابیون [معرفی میکنند. بعد از ظهر جمعه، خانواده دستگیر شدگان در جلوی سیاه پا سداران تحقیق کرده و خواستار آزادی فرزندانشان بدون هیچ قید و شرط می‌شوند. اکثریتی های خاشن نیز در روز اخراج

## ظاهرات موفقیت آمیز اول ماه مه در قبریز

این نظا هرات با شما رکوب نده "بیرون شون" بیرون شون، کارگر بیرون شون" (اتحاد، اتحاد، کارگر) اتحاد آغاز و سپاه راهی "ای شا من کارگر، محو السنون ارتقایع" (زندگانی دکارگر، مرگ برارتیجایع) "لیبرال خلقیمیزین دشمنی دور، حزب جمهوری آنون آل بیری دور جالیشاخ هزار یکیمین نابودی ازداغ، آشاخ خلقیمیزی آزادادا خ" (لیبرال دشمن طبق ماست، حزب جمهوری همدست آنست تلاش کنیم تا هر دوران ای بود کنیم، بکوشیم تا خلقمان آرازآزاد کنیم و ... ادا مدیافت، شکوه ففر آهیمایان، عمل ارتقایع را از هرگونه عکس العملی عازمکرده بود. این مراسم موقوفت برگزرا رگردید.

بمناسبت روزاول ما هر روز جها شی کارگر  
سازمان پیکار - تشكیلات آذربایجان، نظارت  
موقوفیت آمیزی در تبریز برگزار گردید. در این  
نظارت هرات که در ساخت ااصبع روز جمهوری زیل منجم  
آنرا زد و بیش از هزار رنفر در آن شرکت داشتند  
بر مجموع طبقه کارگر که شمار را بعظمت "کارگران  
جهان مخدوش" بیرونی آن عقش سپه بوده اهتزاز دارد.  
در طبقه مسربیکهای انتقال به پختن و فروش  
علمیه ها و نشریات سازمان مشغول بودند و  
مادران مبارزه شنویق را همیما یافتن  
میپرداختند. یکی از مادران مبارزه فربار دامیزد  
موقوف با شید بسرا نم، مبارزه کنندگان علیه  
سرمهای داری، عید خونین کارگران بر شمامه ایکار باد."

تبریز: بیرجم سرخ  
کارگران جهان متحد  
شوید" در پیش  
صف راه پیما ئى  
اول ماہ مه

قسمتهایی، از بیام زندانیان هوادار سازمان در زندان اوین:

## یمناسبت شہادت "بایک سندز"

پیا مرافقی زندانی سپس به مسائی  
بیبرارا مون رژیم و جنایت های خدا نقلایی حاکم و نیز  
جنینش توده ها علیه امیریا لیسم و سرما سمه داری  
واست و نقش کمویستها و طبقه کا و گروپنیز  
خیانت رویزبونیسته ای خزوچه فی و سه جهانی  
پرداخته و دربارا یا ن می گوید :

"مردم میا راز ایران همبستگی عمیق خود باسا  
ظرف اپولندرادر میا رزه ای بی اما ن و درخوش  
طوفان نزدی خود بیر علیه میست سرما سمه داری  
وابسته بیان میدارد. مبارزه ای بر علیه همان سرمایه ای که،  
با ای ساندز هزاره بین کشیده و خلق راه چاپول میکند.

مازد اینانه هوا در اسازمان بیکار... مبارزه تیابی -

ما نزد "بر علیه امیریا لیسم انگلستان را" نهاده و  
معقد می درمبارزه ای که بر علیه سلطه جا شانه سرمایه به  
مشت می سه، بی و ذی از آن خلقهاست .

پیروزی مبارزه راهبی خلقهای سارجهان  
درود بر شهدای اقلامی خلقهای ایران و ایرلند  
مرگ بر میرا لیسم و رتجاع دا خلی  
هوا دران سازمان پیکار در در راه آزادی  
طبقه کارگر - در زندان اوین

در پی ۵ روز مبارزه در درون سولهای  
مرکزی از سرما به، "با هی ساندز" تبلور چهار  
انقلابی توده های ایرلند را گذشت. مرگ دبلیو آن  
این فرزند مبارزه در مدت سلطه ایرلند، با ر  
دبیر چهره پلیدا میریا لیز مراد مقابله خلقوه ای  
جهان به نمایش گذاشت و نشان داد که میریا لیز  
برای چیا ول دسترنج زحمتکشان از هیچ جنایتی  
رو بگردان شموده و ابتدا شی تربیت خواسته های  
انسانی، زما نیکه چهارد مردم مقابله سرما به بنماید،  
دستخوش سکوب ددمنشا نه میگردد. مبارزه و  
مقابله با می ساندز، نشان دهنده خوش و فریاد  
اعتراف خلقه ای سرا سرجهان بر علیه امیریا لیز  
بود، نشان دهنده طفیلیان غرور آمیز و نفرت مردم  
مبارزه ایرلند بر علیه سگان پاسان سرما به در  
این کشور، که بنده در گلوبی آنها فکرده است،  
بود، نشان خشم و نفعا را انقلابی بود که بر علیه  
تسلط بیگانه، سراسر ایرلند را فرا گرفته است.  
با می ساندز، شهیدگشت، لیکن مبارزه هر روز در  
روندردو خوش گشتن، سورا نه قلب دشمن را با  
بیگان زهرا گین خودمی شکا فد. ".

# بودجه ۱۳۶۰: بودجه تشدید وابستگی، بودجه تشدید فقر و فلاکت زحمتکشان!

بودجه مختص رنگاهی به بخش‌های مختلف ۲۶% بیشتر از سال قبل "یعنی بیش از ۵/۱ میلیارد" مالیات بکرید. این مسئله را بیشتر بنتگاه فیم: همان نظر که میدانیم مالیات از دو قسم است: متفقی و غیر متفقی. تشکیل شده که مالیات متفقی از طریق بسنن مالیات درآمد آنها را برآورد کرد. این متفقی از طریق بسنن مالیات عمرانی (سرماهی ۱۳۶۰) ساقلم مرکب از مالیات، نفت و مالیات درآمدها درستون دریافتها و دو قلم درستون برداشتها مرکب از اعتبارات عمرانی (سرماهی ۱۳۶۰) متفقی از طریق بسنن مالیات درآمد آنها را برآورد کرد. این متفقی از طریق بسنن مالیات غیر متفقی از طریق و... تا مین میتواند مالیات غیر متفقی از طریق ۵۴۴/۴ میلیاردریال ۲- نفت افزایش قیمت کا لاه و... بندست می آید. نگاهی به مالیات اخذشده در سال گذشته نشان میدهد که

خصوصیت ویژه لایحه بودجه ۱۳۶۰ دست اندازی پیرامون آن به زندگی سرا سرفیرانه میلیون‌ها کارگر و محنتکش وطنمن هست. دروازه قمع، ندادن حق و حقوق واقعی توده‌هادر زیم‌های سرمایه‌داری یک مسئله عالم‌هیئتی است. اما این مسئله در تکا مل خود و در دوران های سرمایه‌داری تا حدود بودن به درآمدها و مابین اندک زحمتکشان دررواق باشیم آوردن هرچه بیشتر سطح زندگی آنها نیز بیش برود. در لایحه بودجه رژیم شیوه‌جنین امری کاملا مشهود است. این دست اندادی برهنستی و درآمد و مابین اندک از جرگان وزحمتکشان که از مالیات گذشته و با شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق آغاز شده بود، امال وارد مرحله تازه‌ای شده و با این اینده مرا تسبیح تو رو فلاتکت با رترخود، علوه بر اینکه جلوی ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان را سرمیکند بلکه شبدید آنرا به طور مستقیم و غیر مستقیم، کا هش هم میدهد.

● با این ترتیب با چنین بودجه‌ای که آئینه تمام نمای و تبلور کاملی از ماهیت ضد مرد می‌ریزیم و بحران اقتصادی سیار شدید آن میباشد سال ۱۳۶۰ را باید سال تشدید تضاد های میان رژیم جمهوری اسلامی و کارگران و زحمتکشان دانست. سالی که طبیعتهای این مازه پرشور گسترد و از مدتها پیش شا هدش هستیم.

قسمت کنی از آن بطریق مستقیم اخذ شده است. بعنوان مثال به اعتراض خود رژیم کوش میکنیم تا بینیم چه میگوید: مهندس سهامی نماینده مجلس ورثیس کمیسیون برنا مو بودجه مجلس در معاشه‌ای میگوید: "بخش تجارت چیزی در حدود ۱۴۰۰ میلیاردریال در سال ۹۹ سودبرده است در حالی که از همین بخش فقط ۲۵ میلیاردریال از مالیات گرفته شده است. در حالیکه میباشد ۶۰۰ میلیاردریال مالیات اخذ شود." (انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین) بعلوه به اعتراض خود رژیم صنایع داخلی در سال ۹۹ بجای سوددهی فرمانی هنگفتی بسیار آورده است که طبیعتاً نهاده از برداخت مالیات معاف نمیکند. طبق گفته نسیوی سخنگوی دولت: "کارخانه‌های ما سال گذشته ۱۵ میلیار در توان ضردا داده اند." (جمهوری اسلامی شماره ۵۶) می بینیم که ۲۵ میلیاردریال نسبت به ۳۴۰ میلیاردریال کل مالیات اخذ شده چیزی در حدود ۱۵ است در حالیکه مالیات غیر مستقیم بخش عمده مالیات را تشکیل میدهد. تناکه مهندس سهامی در جای دیگر میگوید: "در بودجه عرضه شده (بودجه سال ۱۴۰۰) عدمه درآمدان خلی و غیرنفتی دولت، ببروی مالیات‌های غیر مستقیم است که عبارت از مالیاتی است که دولت روی قیمت اجتناس با کالاها میگیرد. (جمهوری اسلامی ۲۴ اردیبهشت) با این ترتیب مالیاتی که رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۵/۱ میلیاردریال میخواهد

نمایند و تبلور کاملی از ماهیت ضد مردمی رژیم و بحران اقتصادی بسیار شدید آن میباشد. سال ۱۳۶۰ را باید سال تشدید تضاد های میان رژیم جمهوری اسلامی و کارگران و زحمتکشان دانست. سالی که طبیعتهای این مازه پرشور و گستردگی باشند توده ها. برای روشن کردن این خصوصیت ویژه

فان ، مسکن ، آزادی



# روشنفکران و جنیش کمونیستی

کوچک وغیره (سما رو بسما رنگ زدیک است، ارتبا ط لاینگک دارد." (لینین: یک کامبیز دوکاره بیش

اگرچه روشنکران بروولتا را به لحاظ  
سمیکری طبقاتی و حتی خصوصیات خود داشت به روش -  
فکران سورزا و سطور کیفی متفاوت نمیباشد، بلکن  
روزمهای شفرا دمنشی و گیریزا از نظر اطاعت  
کمونیستی در آمان موجود است و آنان در مقابل  
با بروولتاریای کمونیست نا استواری معینی  
از خود دور میدهند. آنان به لحاظ موقعیت

شده و به موسط آنها به پرولوگ راه اش که از  
حیث نکا مل فکری خود برجسته اند منتفع  
میگردد، "آموزش سوسایلیسم ازان"  
تشوریهای فلسفی، تاریخی و اقتصادی شنو  
ونشای فته است که نما بندگان داشتورو  
روشنفکران تینج نموده اند. خودم رکس و  
انگلیس موحدین سوسایلیسم علمی معاصر  
سپریاز لحاظ موقعيت اجتماعی خود در زمرة  
روشنفکران بوروزو ازی بودند (چه باشد کرد؟)  
روشنفکران، ما را کیست اغلب اراقتار

روشنگران به لحاظ جدایی و دری از رویهای رزمند، شو روشنق طبقه کارگر و در مقابل به خاطر وجود رویه انفراد منشی، رویه تحقیرکار جمعی، رویه تحقیرشکل و اضباط رویه گزیازکارتوده ای و پرایتیک انقلابی، رویه تحریرالمسنی و پاسیفیستی، رویه حلقیسم و فراکسیونیسم، رویه انحلال ظلمی آکادمیسم - کهمه تنا نه ای از خصوصیات طبقاتی و موقعيت اجتماعی آنانست - زمینه مساعدتری جهت درگلطیدن به انحراف دارند

احسنا عی خود و عدم شرکت شان در تولید اجتنابی از پیکووفشا را بدشلوژی بورزو وا شی در انکار مخالف از سوی دیگر جدا را تزلزلات مختلف گردیده و کاه مسری را طی مینمایند که سرانجام به خوب است در می غلبه. به معنای دیگر تزلزلات روشنگر کار نه بستر ما عدی جهت سرگردانی انتها را خود بورزو وا شی و بورزو وا شی میگردد مسئله قابل تاکید را بینجا این است که روشنگر از مارکیست زمینه مستعدتری جهت به احرا ف در غلط بین دارند و بخصوص این مسئله در زمانی بستکل با راظه هر میکند که پیوند بولادین میان آنان و کارگران بپیش روی و حود نباشد. این در جنبین شرایطی روشنگر از این لحاظ خدا شی و دوری از روحیات را زمنده، شورو عشق طبقه کارگر و در مقام این بخاطر وجود روحیه انفراد منشی، روحیه تحقیر کار رحمی، روحیه تحقری شکل و انتظام، روحیه کهرباز از کارتوده ای و پیرا نیک انتقامی، روحیه لیبرالیستی و پاسیفیستی روحیه میقلیسم و فرا کامبونیسم و روحیه اتحلال طلسمی و آکادمیسم - که همه نشانه ای از خصوصیات طبقه ای و موقعیت اجتماعی آن است - زمینه مساعده ای جهت در غلط بین دارند این روحیات روشنگر از تزلزلات ناشی از آن بستر مستعدی برای ظهور و رشد انتها را دارند ابور توئینیستی و روپریبونیستی بشمار آیند.

مرفه رخاسته ندلپکن آنان حاستگاه طبایعی  
خود را به معنی موضع بروولتا رباری ترک گفتند  
و پس روشنگران طبقه ای تبدیل شده اند  
که برای گونوئیمی هستند. بینا مواباین روشنگران  
آن که ایدئولوژی سوزراشی را اندور فکرند و  
به مارکیسم لنزینگی رسیده اند در حقیقت سه  
برولتا رباری سنتکیری نموده اند. اما بروای صبح  
تست که اینان بیوژه در متراطی که بیرون استوار  
و تنگ شنگی با بروولتا رباری برقوار نگردد بلطف  
وقعیت اجتماعی خوددا رای متزلزلات خاص خویش  
بوده و زمینه مساعدی را برای رشدگرایشات  
بدشلوژیک غیروغضبرولتری در خود دارد.  
لتمن میگفت: «هنچک جرات اشکارا بین  
موضوع را ندارد که روشنگران که قشر خاصی  
از جامعکنوشی مرما بهداری هستند صفت  
مشخصه اشان همان انفرادیمنی و عدم استعداد  
برای داشتن انسپیاط و سازمان است....  
و در ضمن با بدگفت که همین نفع است که  
این قشر اجتماعی را با بروولتا رباری متمایز  
مسازد: یکی از علل بیحالی و ننا استواری  
روشنگران که اشکارای بروولتا رباری  
محسوس است، درهمین موضوع شفته است و  
این خاصیت روشنگران با شرایط عمادی  
زنگی آشنا و با شرایط درآمد و معا پساد است  
آنها که با شرایط زندگی خوده سوزراشی  
کار در حالت انفرادی در محیطی های سیاسی.

های سطور که فکری و شنیدگان اگرچه جو  
استراحتان کارهای آنست لیکن از نظر  
نظرکاری این ایدئولوژی خود را ایستادگی -  
های طبقاتی کوئاکون میباشد. این سه  
موجوده مجموعه واحدی که مدافعان متفاوت بیک  
طبقه اجتماعی معنی سازند استند بلکه عکس  
خودشان میباشند که این طبقات مختلف تغییر  
میباشند و این طبقاتی میباشند از هر زمان دیگر  
عربان میگردند. گروههایی که روشنگران  
سورزا و روشنگران پرولتا ریا شی دو گروهی  
بر جستهای این دوران شماری آیند. در طبقه  
حاشمه سرمهدهداری، اگردر اینجا باشند  
مترقبی سورزا ری روشنگران میباشند از هر زمان  
و انسانی این گروههایی بجهت اینکه در طبقه علیه  
ظلمت و تاریک اندیشه نطا مکهن گردیدند، اما  
با فرار ازین اینقلابات پرولتاری نقش بازی  
انقلابی خود را از داده و جای خود را میباشند.  
روشنگران پرولتا ریا شی سرمهدهدارند. روشنگرانی  
که بیان آرمان سوسالیسم و کمونیزم علیه  
ظلمت سرمهدهداری بر جمیعت انسانی را  
سرافراز شنیدند. در دوران حاضر روشنگران سورزا  
با توان مقدرت جهان میباشند طبقاً نی خود را میباشند.  
صورت سدی عظیم در برآمده ای که پرولتا ریا و  
توده های زحمتکشان را میگیرند، آنها برای  
خدمت سهورزا را میباشند. روشنگرانی  
زشتی های میباشند و ستما رسمیه داری را پردازند.  
بیوشی میباشند. در روابط اینان یکی از اهرمای  
اساسی حاکمیت سورزا ری در جهت سرکوب  
پرولتا ریا میباشد. اینان خودرو و خونگانی  
هستند که در روابط انسانی خود را میباشند.  
سلام خانه سورزا را زی فرآخوانده و تلاش میکنند  
هر روزه را در میان راه را کارگران و دهستان  
کوره خواهند میباشند. در مقابل این روشنگران  
سورزا روشنگران پیشوپرولتا ریا شی  
هستند. روشنگرانی که جهان میباشند علیه را به  
اسلحه رهای طبقه تبدیل نموده اند. روشنگرانی  
که ایدئولوژی پرولتا ریا شی را میباشند خود  
میخودی کارگران بیومندزده و طبقه کارگران را  
انقلاب اجتماعی آماده میباشند. روشنگرانی  
که سهورزا را زی بیشتر کرده و طبقه اینها را  
روشنگرانند. غلب این روشنگران از میان  
طبقات مرتفع و حنفی سورزا را زی خود را میباشند.  
لیکن آسما طبقه خود را ترک گفته و به سه  
پرولتا ریا در آمدند. لذتیں در این زمینه  
جنین میگویند:

”حال علم هم پرولتا ریا نموده و بکه  
روشنگران سورزا را زی هستند. سوسالیسم  
که هفت بیان میباشد، ای ای، قش بسدا

## ذنده باد سوپیالپس!

# پیکار

تزلزلات روشنگرایی که برگم می‌سماست تواریخ است. واسیان اخراجات روزیزونیستی می‌باشد را به نمایش کذا شنید. درست همین روحیات روشنگرای غیربرولتری و گرایش ابدولوژیک اخراجی بودکه جریان حاکم به رساند از غلطیده وکل جریان دچار رجحان میگردد. سمعنه ها بدینجا ختم نمی‌شوند ولی مسئله اساسی در اینجاست که دریا بیمجه عوازلی زمینه سازش فرازینه اخراجات ابدولوژیک میگردد و این عوامل تحت چه بوشها شی خود -

امروزه با این اخراجات غیربرولتری ابیوتونیم را قوا می‌خنند و از این ابتدا ابدولوژیک را می‌دانند. توجه حتمی آن اجتناب ناپذیر می‌کند. در این جا بحث بررسنی عنصر آگا همیست و عقب مانده میتواند عنصر آگا هر اتفاق نماید، فقط کسانی که نمیخواهند برولتا را بقدرت بررس و چنین کارگری جنیش بورژواش باقی بماند. عذر میکنند که این اخراجات خود را بقدرت بررس و چنین مارکسیست از اخراجات خط‌رانک و مهلک و زیروحمایان افراد منشی «خود مرکبیستی» پاسیفیستی و آکادمیستی نجات نخواهد یافت.

نمایش میکنند. مسئله اینجاست که از حسادت چنیش بیا موزیم و در میانه رزه خود آگاهانه به پیش بریم. فراموش نکرده ایم چگونه زمانیکه این جریانات به عرض اند ام راستخوان چه معبود را خنده شنستند میان نوده طرفدار چنیش چپ افزایش بافت الینه این امر اتفاق نیست. در شرایطی که چنیش بین المللی کمونیستی در بحران به سر میبرد، در شرایطی که روزیزونیسم در عرصه جهانی و ملی ضربات بسیاری بر جنیش کمونیستی وارد آورده است، در شرایطی که چنیش ما را کمیست ایران از پیوند استواری با طبقه برخورد نمی‌کند در شرایطی که بیجیدگی ها و مغلقات گسترده‌ای در سطح جنیش وجود داشته و چنیش کمونیستی به تئوری و برناوه منضم خودست نیافته است، گرایشات و جریانات اخراجی آستانه ریاست اند توده را به اخراج کشانده و آنها را از میسر برولتا ریاضی و ما را کمیست لینینیسم انتقامی دور ساختند. چنیش به تئوری منضم خود نمی‌کند و توده درین این شنوده میان دنده‌های آنچه که میگفتند این تئوری و برناوه منضم خودست نیافته است، آنها را از میسر برآورده اند. از این اعماق در چهار طرمان باشد "راهکارگر" چهای خود را با نفعی تزما را کمیستی سویا امیریا لیسم آغاز کرد. این نیرو در شرایط شنست ابدولوژیک چنیش کوچیدتا با "نوآوری" روزیزونیستی خود قطب جا دارد. این محدوده و زمینه ارتداد طلبی را در سطح چنیش گشتر بخند. در حقیقت "نوآوری" را کارگر جزء بیان تزلزلات روشنگرای شنست به ما را کمیست لینینیسم و امول اساسی آن، اتحاد طلبی روشنگرای تهدید عرصه سیاست برولتا ریاضی، آزادی می‌باشد. چنیش کمونیستی علیرغم پیشرفت های خود بخصوص طی دو سال اخیر، هنوز توائمه است. توده پیشو از طبقه کارگر ایران را متکل ساخته و همراه نماید. هنوز کارگران مستعد سیاری وجود داردند که اخیراً که هنوز سیاست ذهن آنان را روش نکرده و در تکلبات کمونیستی مازمان نیافته اند و هنوز برولتا ریاضی و روحیات برولتا ریاضی تکلبات کمونیستی را آنکه نموده است. بدین ترتیب اگرچه چنیش ما را کمیستی - لینینیستی فقط بکار گیریش ابدولوژیک نیست، لیکن هنوز بیک جریان فوی اجتماعی تبدیل نشته است و پروانه است که ساخت روشنگرای چنیش زمینه می‌سادی برای رساندن اخراجات ابیوتونیستی روزیزونیستی رشما رمی آید. اگر درهم آمیختن ما را کمیست لینینیستیم و برولتا ریاضی نمایش را بدزایستواری تبدیل در مردموسیا امیریا لیسم از سوی دیگر بقایه در مقدمه ۲۲

از تدا ابدولوژیک و خیانت نسبت به آرمان برولتا ریا به مکیبا ره نازل نمی‌شود. از تدا ادبی میکنند میگیرد. هرگونه تزلزل شنست به ابدولوژیک برولتا ریا (ما را کمیست-لینینیست) او هرگونه کمپیا دادن به میازه ابدولوژیک کمونیستی اثرات مرکیبا رخود را گذاشت و خود را از داران زدیک و نزدیکتر می‌سازد. میازه با روحیات و خصوصیات اخراجی فوق می‌زاره با جلوه‌های ای ابیوتونیست بشما رمی آید. عدم میازه با این اخراجات غیربرولتری ابیوتونیم را قوا می‌خنند و از تدا ابدولوژیک را می‌دانند. توجه حتمی آن اجتناب ناپذیر می‌کند. در این جا بحث بررسنی عنصر آگا همیست و عقب مانده میتواند عنصر آگا هر اتفاق نماید، فقط کسانی که نمیخواهند برولتا ریا بقدرت بررس و چنین کارگری جنیش بورژواش باقی بماند. عذر میکنند که این اخراجات خود را بقدرت بررس و چنین مارکسیست از اخراجات خط‌رانک و مهلک و زیروحمایان افراد منشی «خود مرکبیستی» پاسیفیستی و آکادمیستی نجات نخواهد یافت.

جنیش کمونیستی ایران اگر بازیکنواست ابدولوژیک مواجه می‌باشد زوی دیگر ما قدر پیوند استواری برولتا ریاست. به این معنا که رابطه متماً میان روشنگرایان مارکسیست و چنیش طبقه کارگر موجود نمی‌ست. چنیش کمونیست ایران این فقط بکار گردید ابدولوژیک نیست، با این چنیش در حال حاضر قطع در چهار جوپ وجود مخالف و گروههای شوریک و بدون هرگونه رابطه با کارگران تعریف نمی‌شود. چنیش ما را کمیست لینینیستی ایران از محدوده روشنگرای کمونیست که در محاذل شوریک جمع شده فراتر رفته و دوراً ن مخلصیم را پشت سرگذاشتند است. لیکن این پیشرفت در عین حال سیارا محدود است. اگرچه چنیش کمونیستی با بخش از کارگران پیشورا بطریقرا رکرده، اما این بخش هنوز محدود می‌باشد. چنیش کمونیستی علیرغم پیشرفت های خود بخصوص طی دو سال اخیر، هنوز توائمه است. توده پیشو از طبقه کارگر ایران را متکل ساخته و همراه نماید. هنوز کارگران مستعد سیاری وجود داردند که اخیراً که هنوز سیاست ذهن آنان را روش نکرده و در تکلبات کمونیستی مازمان نیافته اند و هنوز برولتا ریاضی و روحیات برولتا ریاضی تکلبات کمونیستی را آنکه نموده است. بدین ترتیب اگرچه چنیش ما را کمیستی - لینینیستی فقط بکار گیریش ابدولوژیک نیست، لیکن هنوز بیک جریان فوی اجتماعی تبدیل نشته است و پروانه است که ساخت روشنگرای چنیش زمینه می‌سادی برای رساندن اخراجات ابیوتونیستی روزیزونیستی رشما رمی آید. اگر درهم آمیختن ما را کمیست لینینیستیم و برولتا ریاضی نمایش را بدزایستواری تبدیل مینماید آنرا در برابر اخراجات غیربرولتری

رفقای هوا دار آلمان غربی و آمریکا  
- شعرها و طرح هایتان رسید.  
پیروزباشد!

رفقی همایون راد - مثالی که مطرح  
نموده بودی موردمیر خورقدرا رخواهد گرفست و  
نتیجه آن منعکس خواهد گشت.  
پیروزباش!

## سایر قاتمه‌های رسیده

رفقی کارگرا سما عیل، الفا اشتباه -  
رفقای مونتاژ - ش - ج مهرآبادی - م -  
کانون زندانیان ساسی و شهداء - هستب -  
م - ب - سازمان دانشجویان و دانش - موزان  
پیکار - سازند ران - ازدرازانزلی - ج -  
کاظم زیربیز - رضا از اصفهان - ف - ج - ش -  
دانش آموز - رضا وی - س - ج از تهران  
- ج - ت - ش - کمیته موجین - د - د - پ - تهران  
- اسلامشهر - ا - ج، از بروجرد - ۲۴، ۲۰ - ر -  
اهواز - محمد رضا میکی کارگرا زیوکان - ۸۱۲ -  
س - ب - ص از کرج - مسوزاد چنگزده خوزستانی  
- رفعت تهران - شهر از شیراز - هسته علوی  
شوشتاری - فرهاد کارگر میان ندو آپ - محلات -  
غ - هسته دانش آموزی - کرج - ر - رمنهاد -  
کرج - کارگرها دار - ه - محلات اهواز - ه  
از انتشارات - م - ن - مال - انزلی - م - ۳  
دانشجو - فواد - س - ا - ذ - ف - سعید - ج - ع - از  
تدارکات - نصیرین مدری - سروان السفال از  
مشهد - رضا - هسته تبلیغی شرق و جنوب - جام  
از ایلام .  
● - نظرات سیاسی دور فرقی زندانی تهدیدی  
رسید.

نقیده از مقدمه و حدات ●  
اسلام منا بر دارد، باطل داشته و با آنها  
مبارزه میکنند.

"ماده ۱۱ - کسب "خدود مختاری" که خدا من خطف  
شون مادی و معنوی هر مسلمان میباشد".  
"ماده ۱۱ - ایستادگی در برابر استبداد و  
انحراف اولیه".  
برطبق این مواد که چکیده تفکرات رهبران  
آنها میباشد و پیروزخانی میکنند و با آنها  
گذاران این جویان (مولوی عمر سپاهی) که در  
تاریخ ۵۹/۹/۲۰ اینجا پیدا گرفت، با اهداف واقعی  
آنها را (همانطور که در باب لایحه مختصر اتفاقی  
داده) بطور کلی به سه قسمت میتوان تقسیم  
نمود:

- ۱- میا رزه میبا شیوه های انتقامی (ماده ۶)
  - ۲- کسب امتیازات بیشتر از زیم (ماده ۱۱)
  - ۳- زدن ماسک انتقامی به خود در جهت فریب  
توده ها (ماده ۹)
- .....
- بنقل از: سیاست و نیروی امنیتی (۲۲)



## درباره اتحاد عمل اول ماه مه و جناح چپ

بکی از رفقا در رابطه با اتحاد عمل اول ماه  
مه و همکاری با جناح چپ سوالتی مطرح شده و  
پرسیده است تحلیل سازمان از جناح چپ جایست  
که برای سازمان در اتحاد عمل اول ماه مه "ترکت  
جنای جپ را با حقوق مساوی و برابر با شیوه های  
دیگر درست ارز و به همین مسئله تبریز و زمین -  
کردیم و نه اینکه اتهام ای طور کلی رد ننمایم". و حتی  
علی رغم این اعتقاد خود، ما این مسئله را بکی  
مسئله مورد بحث بعداً زتوافق بررسی بالاتر فرم  
می داشتیم و در عین حال شایسته باشد  
اعطا ف بودیم . (پیکار ۱۵) سیس رفیق پرسیده  
است که آیا ما جناح چپ را میکنیم؟ و با لآخره میکنیم  
جنس همچون سازمان چویکهای فدا شی خلق  
ورا کارگر میدانیم؟ و با لآخره میکنیم جوا موضع -  
گیری در مقابل این شیوه تعمیق افتاد .

در پایان سایرگوییم نجرا فات عصیان  
روزی بیرونیستی هنای جپ اکثریت در سرخورد به  
ماشیل گوناگون(که در جای دیگر بدان خواهیم  
پرداخت او...) مارا برآن داشت که بسادگی  
در باره جربان مذکور موضع گیری شنایم و منتظر  
روشن تر شدن مواضع بیشتر آنها شویم . بعده از  
سررسی و مطالعه مجموعه مواضع و سیر و روند آنی  
بدانجا رسیدم که این جربان اعلی مردم همچو  
اجرافات شیک شیوه ای انتقامی است که در  
مجموع در طیف نا پیگیر و ستر جنیش کمونیستی  
قرار گیرد . بررسیت شناختن همکاری با این  
شیوه حول پلاتفرم اول ماده در رابطه با چنین  
تحلیلی از جناح چپ بود و از پیروزی و دست نمودیم ،  
همکاری با این شیوه ای طور کلی رد ننمودیم ،  
بلکه بر سر حقوق مشترک و برابر این شیوه را  
زا ویه "هوبت معین و شناخت شده تشکیلاتی و نیز  
با به قابل قبول توده ای" (پیکار ۱۵) حرف .  
دانشمندیم ، ما در هم رفت نیز همکاری مادر فرقای  
هذا شی برسی این مسئله ، حاضری انتقاد بودیم  
اما نظر که در پیکار ۱۵ آمده ماست بدیدم که  
جناح چپ را کارگر و فدا شیان (الفیلم) ●  
بلحاظ مواضع جهانی و ایدئولوژیک خوبی در  
بین نظام فکری قرار دارد . هر چند که از لحاظ  
سیاسی درجات متفاوتی از رادیکالیسم را متحمل  
می سازند .

● رفیق رضا : ضمن انتقادیه مضمون تبلیغات بر سر باط -  
های شتره ، مطرح کرده است که خط واحد تبلیغاتی  
وجود نداند و مجموعات تبلیغات متفاوتی مورد  
سرخورد قرار میگیرد .

رفیق اما کوش میکنیم تا محور تبلیغ را در  
هروضیت روش نموده و سازمان ندهی تبلیغ را  
بررسی موردن انتیکنیم . رفیق ای مادر هر کجا  
که هستندمی باست به حول محوری ترین - و  
میر متربین مسائل جا منده در "پیکار" منعکس  
میگردد دست به تبلیغ بزند . ترکیب عمومی  
مقالات "پیکار" و مجموعه ای افشاگری مندرج

آوارگان از منطقه در شهر ابیطی است که تا کنون ۱۵ مورد بیماری تیفو شید در آنجا دیده شده و آوارگان از لحاظ بهداشت و مراحت عمومی زندگی شدیداً در مرضی قرار گرفته‌اند.

## شیوع بیماری میان آوارگان یکی دیگر از خیرات جنگ ارتقای

برخلاف این عاهات رژیم مدخلنی جمهوری اسلامی مبنی بر فرآ هماختن امکانات لازم برای رفاه آوارگان، بدی تندیه، نبودا مکانت سهداشتنی (حما موشتشو) و کشیف محیط زیست باعث شده است که بیماری‌های مسری خطرناکی از قبیل (حصبه، سل، برقان، شبیش زدگی، سالک و بیماری‌های بوستی درین آوارگان با مرعت زیادی شیوع پیدا کند. تزدیک شدن تابستان نسبتاً عثت هرچه بیشتر این بیماری خواهد شد و در حالی است که رژیم ارتقای عاهات این درگاه‌های تبلیغاتی آش خیران نشاند آوارگان از این طبقه گرسنگیه متفاوت خوش آب و هوای بگوش ها می‌باشد!

در حالیکه عدم وجود بدها است اینجنبین جان و سلامت آوارگان را تهدید می‌کنند زیستی که ادعای "حباب از مستضفین" را در سوئیک "حباب است" از آوارگان را به سینه میزند. بیشتر ما از در اختیار رفراز دادن ۴۵۰ حمام موجود رکمی بسیار بندیره آوارگان خود را می‌کنند و باعث بوجود آوردن حواست در دنای کی جون کشته شدن کودکی در اثر افتادن در دیگهای آب جوش (برای استحما) آوارگان) می‌شود.

تمامی این موارد ناشی میدهد که ادعاهای رژیم در مردم رسانیدگی به وضع آوارگان و اختصاص دادن بودجهای ۷ میلیارد توانی به آوارگان تا جهاندازه بیو و تخلیلی است. زحمتکشان آواره باید مبارزه ای بکنار روجه و گستردگی جهت بدست آوردن امکانات بهداشتی که نبود آن در حال حاضر زندگی آنها و فرزندانشان را در معرض خطری جدی قرار داده است و سایر خواسته‌هاشان به مبارزه ادا مددختند.

## تخليه سلاحهای جنگی در اسکله بندرعباس

شب ۱۲/۲۷ ۵۹ از طرف اسکله‌های شلیک گنوشهای ضدها شی شنیده شد. جراحت خانه‌ها خوش شدوا اسنتنا تارخاً موشی فروافت ۲۲

# جنگ و آوارگان

تصمیم‌گیری که از سال وبدون نظر آنها صورت گرفته بود، با عتراف کرده و جمعاً علم کردن که تن به اینکا رنخواهند داد. "حسنه" که اوضاع را ناشناس و مقاومت مهمانداران را می‌بیند، ناجار عقب شستنی کرده و پیشنهاد کرد که هرگز می‌دان و طلب است دسته را بالا کند. اما این خدمت هم کاری نبوده و هر ۳۶۶ مهماندار جلسه را بدون کسب اجازه ترک گردند و بدین ترتیب با زدگر دست اندرا کاران روزه در جای سیاستهای ارتقای خود، نا موفق شدند.

## بیرون راندن آوارگان شادگان از منطقه، ullet "کمبود بودجه"!

روز جمعه ۴ اردیبهشت ماه جلسه‌ای بدعاوت معرفی زاده‌ها بینه مجلس و باشکت استاندار "مکتبی" خوزستان و تمام مدیران کل، رو سا و مقامات اداری استان و شهرستان شادگان برای رسیدگی به امور اداری و خواهکوش به تیازهای مردم شادگان تشكیل شد. درین جلسه اسناد اسناد رخواستان بعنوان نتیجه‌ایین جلسه اعلام می‌کند: "بعلت سنجیگی هزینه‌های طرحهای عمرانی شهر، مافقه قادیه انجام یکی دوستی آنها هستیم و خواهان و برادران جنگزده باید این را باید نتند و قبول نمایند که مشکلات آنها را حل کنیم و مسائل رفاهی آنها را تامین سازیم." این را با تقدیم که مذکور است داده اند، به این را مذاق و درینستیم که مشکلات آنها را حل کنیم و مسائل رفاهی آنها را تامین سازیم. لذا هرچه زودتر باید این منطقه را ترک نماید... از جلسات دولتمردان حافظ منافع سرمایه داران جزاً هم انتظاری تمیز و دکمه با وجود بودجه ۱۵۰ میلیون تومانی طرحهای عمرانی شادگان و بودجه ۷ میلیار دارتمانی که برای "بنیادا مورجنگزدگان" اختصاص داده اند، به بهانه "کمبود بودجه" از هرگونه تامین رفاه جنگزدگان شدیداً خود را کنند. جراحت دران مورت برای برگردان حسب گشادشان دجا ر "کمبود بودجه" خواهند شد! جالب است بدین تامین که این بیرون راندن

## سربازان از رفقن به جبهه خودداری می‌کنند

روز ۲۵ اردیبهشت ماه قرار بود ۱۸۴ نفر از سربازان دیلمه مشمول اعمال و... از بادگان مزکی‌بادشیرا زیده جاده ما هشتر آزادان اعزام شوند. این عده که هنوز تعطیلات و آموش نطا می‌گزینند فرانگرفته بودند و همچنین نسبت به اعزام خود به منطقه جنگی اعتراض داشتند، از رفتند به جبهه خود را ریگردند.

فرماندهان مزدور ارشد در مخالفت با سربازان، سعی در فرستادن سربازان به جبهه داشتند که ۲۵ نفر از سربازان از آزادگان فرار کردند....

این سربازان فهمیده‌اند که با وجود حکمیت رژیم ارتقای عیجموری اسلامی پیروزی و شکست در جبهه نفعی بحال زحمتکشان ایران ندارد و بدایین خاطراست که حاضر نیستند جان خود را فدای جنگی ارتقا عی کنند.

بنقل از خبرنامه محلی پیکار (۲)  
با اندکی تلخیص و تغییر

## مقاومت مهمانداران "هما" در برابر اعظام آنها به جبهه‌ها

در روز ۱۲/۵/۶ به بیشتر از داد و دین یکی از سربازهای این داد و دین که در کانون مهمانداران با مصالح نماینده هم می‌باشد، از سوی مدیریت همای تعداد ۱۳۶ نفر از مهمانداران ۷۷۷ به یک جلسه با مطالعه توجیهی در سالن باشگاه "هما" دعوت شدند. جریان از این قرار بود که رژیم مدخلنی جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ ارتقا عی خود علاوه بر سیتل نیتروی هواشی، بهدازی و هلال احرابه تعدد ای از مهمانداران را در این جلسه توجهی داشتند. این روزی دیگر همینجا زندشده است. بهمنین جهت طبق تعمیمات مدیریت "هما" قرار برای شدیده ای از مهمانداران را در اختیار رسیده ای این روزی هواشی و چهاردازندگی و وزارت بهدازی قرار دهدند، تا بهارشان و بادارانی که در جبهه جنگ زخمی می‌گردند، کمک کنند. در این جلسه توجیهی اطلاعات "حسنه" معاون مدیریت شرکت "هما" گفت: "قدماً این بود که ابتدا برای اینکار داد وطلب بکریم، اما تجربه نشان داده است که داد وطلب این هم بعد از خواهی داد وطلب ماقابله مقامات دیگر شرمنده خواهیم شد! از این جهت تعمیم گرفتیم خشود انتخاب کرده و بهوزارت بهدازی معرفی کنیم." مهمانداران هوا بیمایشی بکار رجیمه ای

**جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه تهدیدهای ایران و عراق**

باقیه از صفحه ۱۲ بودج

وزحمتکشان جا معموبده اندکه ما را بین توزیع با مطلاع عادلانه را سودوشکنیده است بورژوازی و خودبه بورژوازی مرتفعها امکانات مالی خود، همیشه ما بینتاج شان را برآختی از بازار - اگرچه بقیمتی گرانتر - تهیه می کرده اند و سهمیه بندی کا لاهانه تنها به ازین سودن اختلافات طبقاً تی کمکی نکرده، بلکه با کاش مراف اقشار رکم درآمد جا معه، طبقات بورژوازی و مرتفعه همچنان ن به پوکردن کیسه های گشادخودا داده داده و شروتمدتر و شروتمدتر شده است.

رزیم وفا خواستار اینجا میرساند که درین سندک دوزنخ کردن برخی از کالاهای اندیشه زین را نیز کامی در درجه توزیع عادلانه ازین سودن اختلافات طبقاتی جا میزند، درحالیکه برای هرمهوطن طبقاتی جا میزند، درحالیکه برای هرمهوطن زحمتکشان ماروشن است که دو نفره کردن بعضی باشخ گران ولی بیمزانی محدودبرای زحمتکشان

طریق مکانیسم مرتفعه جوشی اقدام خواهیم نمود. (کیهان ۱۶ اردیبهشت)

با این ترتیب یک با مطلاع مرتفعه جوشی عظیم دیگرداز اعتماد را را این اعتماد را حتی از اعتماد عمل شده (نمتصوی) سال ۵۹ نیز که ۵۷۹ میلیارد ریال عمرانی ۸/۸۱ میلیار دریال جا ری معرف شده است کمتر خواهد شد. و این دربخش جاری اولین ویژگی ترسیم شاپیش، کاش در آمد های کارگران و کارمندان و سایر مزد بکیران و کاهش حقوق آنها خواهد بود. جنا کندراس کذشته هم شاهد بودیم که چگونه بهینه جنگ، دهها درصد از حقوق مزد بکیران را به اشکال مختلف لغایه افاه - کاری، سودویزه کارگران و ... حذف شودند کنیم که با افتخار! میگوید:

● رزیم وفا خواستار اینجا میرساند که درین سندکه دو نفره از کالاهای اندیشه زین را نیز گامی در جهت توزیع طلاقه و ازین بین بودن اختلافات طبقاتی جا میزند، درحالیکه برای هرمهوطن زحمتکشان ماروشن است که دو نفره کردن بعضی باشخ گران ولی بیمزانی محدودبرای زحمتکشان پیشتر ولی به میزانی ناحدود برای سرمایه داران و اقشار مرتفعه

و با نزخ گرانترولی بیمزانی نامحدودبرای سرمایه داران و اقشار مرتفعه .

وجالبتر از همه آنکه رزیم و عده میدهکه این بونا مفید و مدمدی! اراده اندیشه زین کما کان "ادامه" و حتی "گسترش" میدهد. با این ترتیب کارگران و زحمتکشان ما با بدجهجنان بساز کمیود و هشتگرای ما بینتاج خود را نه تنها درمورد کالاهایی که تا حال سهمیه بندی شده بدوش کشند، بلکه با بیدوا سلطان رسمیه بندی شدن کالاهای دیگری هم باشد!

در روابع سهمیه بندی کالاهای برای توزیع های زحمتکشی که روز بروز درآمدشان نسبت به هزینه های سنگین زندگی کا هش می باشد محدود دیست هرچه بیشتر را درستهای مخفی از کارگرهای درصدی بسیار است!

مسئله دیگری که نشان دهنده دست اندزادی روز بین زندگی زحمتکشان جا معه است، سهمیه بندی کالاهای سه دسته که درگزارش بودجه جا شدیه دارند: آن چند آورده شده: "دولت از بدو شروع کار ضمن نلاش سروای کا هش با راجه هدف اصلی خود را که ازین بین بودن اختلافات طبقاتی و جراحت توزیع عادلانه اکانت بوده از این دوره شده و سایر طرح های سهمیه بندی کالاهای ضروری مانند قندوشکر و همچنین دو نفره کردن بعضی از کالاهای این نیمه تمام و اینجا طرح های عمرانی جدید (سرما به) گذاری ثابت است که البتة در بودجه این اعتماد ۹۰٪ اعتماد را زمان رزیم بهلوی اجرای طرح های این نمایند! فقط ۱۰٪ آن مربوط به شروع طرح های جدید است.

آنوقت در چنین شرایطی، آنچه قطعی است عدم رسیدن سیالخ نفت و مالیات به میزان بیش بینی شده و تفاوت عظیم آنها با این میزان است که اگرچه دولت اعلام کرده در صورت عدم رسیدن این مبالغ به میزان بیش بینی شده دست بد من قرض گرفتن از بانک مرکزی مشود (آنهم در شرایطی که دریابان اسفند ۵۹، بدھی دولت به بانک مرکزی ۲۷۵ میلیار دریال بینی نزدیک به رقم کل بودجه میباشد!) اما با زهم هرگز نمیتوان دمودر آدموردنیما زرا نا مین کند. جنا نکه موسی خبروز برشاوار و سرپرست سازمان بیان مفید و بودجه نیز اعتراف کرده است که: "اگرمان با نامین اعتمادات طبق پیش بینی نبودیم رای تامین کسری احتمالی بودجه، از طریق استقرار از سیستم باشکی و از

برروی این اعتماد را جا ری و عمرانی می - گذارد. رزیم اعتماد را جنگی خود را به سه قسم تقسیم کرده و یک قسمت آن بینی ۱۸/۵٪ را که ۱۰۲/۵ میلیار دریال میشود بودجه جا ری مرتفعه - جوشی میکند و دو قسمت دیگر آن را هم بخواهد از طریق مرتفعه جوشی در ۱۰٪ اعتماد را جا ری و ۲۵٪ اعتماد را عمرانی نام باد. طبیعتاً این مرتفعه جوشی معنا شی خواهد داشت جز کاش کارگران و کارمندان و زحمتکشان به اشکال مختلف، و همچنین افزایش بیکاری که درنتیجه مرتفعه جوشی از اعتماد را عمرانی ناشی میشود. بعلاوه رزیم با آمیختن اعتماد را جنگی در اعتماد را جا ری و عمرانی، و درنتیجه جلوگیری از کارگران و کارمندان و همچنین محیله کوشیده است تا این کاش را از شرکت کارگران و زحمتکشان مخفی بدارد.

با این ترتیب با اذف بودجه معاشر جنگی از اعتماد را عمرانی وجا ری، مبلغ واقعی اعتماد را جا ری حدود ۱۲۵۵ میلیار دریال و اعتماد را عمرانی حدود ۸۵۰ میلیار دریال میشود. نرسیدن به درآمد های عمومی به میزان ارقام بینی شده، تا شیربلوا سطه خود را برروی ارقام اخیر میگذرد. یک مقایسه ساده میان این ارقام! ارقام اعتماد را جا ری و عمرانی اعتماد را جا ری حدود ۱۰۲۲ و ۱۰۸۵/۹ که به ترتیب میشود، بودجه بوضوح میرساند که بودجه جا ری و عمرانی اعتماد، حتی بدون درنظر گرفتن تا شیرکا هش درآمد های عمومی برای اعتماد را جا ری، کمتر از اعتماد را جا ری میشود. در توضیح تعریف این اعتماد را جا ری باید بگوییم که اعتماد را جا ری مرکب از حقوق ها و سایر خروج ها میباشد که بخش عده آن را حقوق و دستمزد تشکیل میدهد و اعتماد را جا ری نیز مرکب از اجرای طرح - های نیمه تمام و اینجا طرح های عمرانی جدید (سرما به) گذاری ثابت است که البتة در بودجه این اعتماد ۹۰٪ اعتماد را زمان رزیم بهلوی اجرای طرح های این نمایند! فقط ۱۰٪ آن مربوط به شروع طرح های جدید است.

آنوقت در چنین شرایطی، آنچه قطعی است عدم رسیدن سیالخ نفت و مالیات به میزان بیش بینی شده دست بد من قرض گرفتن از بانک مرکزی مشود (آنهم در شرایطی که دریابان اسفند ۵۹، بدھی دولت به بانک مرکزی ۲۷۵ میلیار دریال بینی نزدیک به رقم کل بودجه میباشد!) اما با زهم هرگز نمیتوان دمودر آدموردنیما زرا نا مین کند. جنا نکه موسی خبروز برشاوار و سرپرست سازمان بیان مفید و بودجه نیز اعتراف کرده است که: "اگرمان با نامین اعتمادات طبق پیش بینی نبودیم رای تامین کسری احتمالی بودجه، از طریق استقرار از سیستم باشکی و از

بیکار وجود دارد و بله میلیون و سیصد هزار نفر از کارگران، متخصصین و تکنیسینهای بوگلادورخا رجتو سطح سرمایه داران امیر پالیست آلمانی، فرا نسوی ملزتکنی، اطربی... است. شماره مشتندو ۵۴/۰ درصد از کارگران مهاجر بوگلادورخا شرکت تراز ۳ سال دارد. رویزیونیستهای عاشن میکوبند فرا پیش سیکاری ناشی از "مدترنزا سیون" و "فرا پیش" با رأ وری تولید است. حال آنکه این دروغی بیش نیست. براساس این استدلال مزخرف با بدگفت در کوشونیسم میزان درزدی سیکاری بیش ز هر جا معدیدگر است. چرا که رشد تبروهات تولید بصورت بسیار بقدام ای انکشاف یا فتحه است! در حجا مفسوسیا لبستی کار حق همه است و به میزانی که تحت دیکتاتوری پرولتا ریا تولید مرد تبریز و خود تولیدات افزایش پیدا کند، برای کاگران میزان سامت کار تولیدی تنزل می پابد، لیکن در عرض کارگران فرست می باشد معنویات کوشونیستی خود را ارتقا داده و فرهنگ نوین راه را چه بیشتر اکتساب نمایند. اما در سرمایه داری به مخف اینکه سودرسما به اقتضا نمایند کارگران را زکار خانه بپرون رانده و برقروفلاتک آنها می ازایند. و این همان قانونی است که در بوگلادور خاک است. رویزیونیستهای مانند همه سوروزواهای کارگران را استشارا رسروکوب میکنند ز کارسیکار می نمایند، به تجارت نیروی کار می بردند زندویا زهم میگویند "طرف روح می" کارگران میباشد. رویزیونیستهای خان این این معا فنا ن ظلا مسرما به داری از سوسیا لیسم حرف میزند تا طبقه و توده ها را فربیض دهند، اما کارگران و زحمکشان بطور روز افزون در می باشند که آنها فقط ماسک سوسیالیست دارند و شنای راهی که در مقابلشان میمانند مبارزه علیه است. شناختگران این روزه از روزات امروز مردم "کوسووا" گوشتند. از اینها روزات خلقهای بوگلادور و جلوهای از اینها روزه طبقاتی در بیک حامه سوروزوا - رویزیونیست است. رویزیونیستهای این سکان نگهبان سوروزوازی میگویند کشورهای رویزیونیستی اینها روزه طبقاتی علیه سوروزوازی بیکنند در این کشورهای نگهبان روزه کارگران روزه کشتن این بوگلادور و از جمله "کوسووا" ناست. از اینها روزه مسلمانان کار را بدیرا است.

با زهم درزندگی خود در سایه افشاگری های  
لمونیستها و انقلابیون از عملکرد های خود  
بردم رژیم، بیشتر و بیشتر بین به ما هیبت و اقمعی  
ن میبرند و در نتیجه روز بروزه مبارزه ای  
رسیع تراوی و میا ورند، با این ترتیب، سال ۱۹۶۴  
سالی است که تولد های مبلدونی میهن ماغود.  
از برای میا زده ای سه مکمن و رویا روشی با ردهم  
مهوری اسلامی آماده میگشند.  
دریک کلام، بودجه سال ۱۳۶۵، بودجه تشید  
با بستگی، تشید بحران اجتماعی، تشید فقر و  
لاکات کارگران و زحمتکاران و با لغوه تشید  
سیا رزه طبقاشی است.

بقيه از صفحه ۱۹

اقتصادی و گلایو بک اقتصادواست  
بـهـا میریا لیسمـجهـانـی است. سـرـمـاـهـ  
ـهـای اـمـبـرـیـاـلـیـسـتـیـ خـارـجـیـ درـغـلـبـ  
ـرـیـشـهـاـ وـمـوـسـاتـ تـولـیدـیـ نـفـوذـدـارـدـرـکـنـتـارـانـ  
ـرـیـحـمـاـ حـاـکـمـتـاـ بـحـالـ ـ۱۱ـ مـیـلـیـارـدـلـارـ اـزـکـشـهـاـیـ  
ـمـیرـیـاـ لـیـسـتـیـ وـاـمـگـرـفـتـهـکـهـ فـقـطـ ـ۲ـ مـیـلـیـارـدـ آـنـ  
ـوـاـ مـاـ زـمـیرـیـاـ لـیـسـمـ اـمـرـیـکـاـ مـیـاـشـ روـبـیـزوـ  
ـنـیـسـتـهـاـیـ تـیـمـشـیـ عـوـاـ مـفـرـیـبـاـنـ مـیـکـوـنـدـ  
ـبـیـکـلـاوـیـ دـارـایـ "ـاـسـتـقلـالـ"ـ ـاـسـتـ وـبـهـ "ـتـیـرـوـ  
ـخـودـ"ـ تـکـاـرـدـ،ـ ماـ وـاقـعـتـ مـیـکـوـبـیـکـلـاوـیـ  
ـوـاـسـتـهـ اـمـبـرـیـاـلـیـسـتـیـ جـهـانـیـ استـ.ـ مـکـمـنـیـوـدـسـاخـتمـانـ  
ـمـوـسـیـلـیـمـ رـاـبـانـکـاـلـهـاـیـ اـمـرـیـکـاـیـ بـرـبـانـمـودـدـهـ هـرـکـیـ!  
ـتـهـاـخـشـنـینـ بـهـ سـوـسـیـلـیـمـ حـقـایـقـ رـاـوـرـونـهـ جـلوـهـ مـیدـهـنـ.  
ـدـرـجـالـ حـاـضـرـاـ قـتـمـادـبـیـکـلـاوـیـ بـکـ اـقـتـمـادـ  
ـبـحـرـانـ زـدـهـ اـسـتـ درـسـالـ ـ۱۹۷۶ـ کـسـرـیـ مـوـاـزـنـهـ  
ـبـرـدـاـ خـتـنـهـاـ ـ۱۸ـ مـیـلـیـارـدـدـینـاـ بـیـکـلـاوـیـ مـیـرـسـ  
ـوـدـرـسـالـ ـ۱۹۸۱ـ بـاـ زـرـگـانـیـ خـارـجـیـ ـ۱/۸ـ مـیـلـیـارـدـ  
ـلـارـکـرـمـوـاـزـنـخـواـهـدـدـاـشـ.ـ اـبـنـ کـمـرـیـ بـیـانـ  
ـمـشـخـیـ اـرـفـلـاـتـ اـقـتـمـادـ وـبـحـرـانـ نـوـجـوـدـدـرـاـ بـنـ  
ـبـکـشـرـمـیـاـشـ.ـ تـورـمـوـگـرـانـیـ بـیـشـ اـزـبـیـشـ اـفـرـاـیـشـ  
ـمـیـ بـاـ بـوـدـرـبـیـاتـ سـنـگـنـ خـودـرـاـ بـرـدـوـشـ رـعـتـکـنـانـ  
ـتـحـمـیـلـ مـیـ شـمـایـدـ بـیـنـ ـ۵ـ ـ۷ـ ـ۱۹۶۵ـ قـیـمـتـ  
ـمـاـ بـعـثـاـ جـاـ اـولـ مـوـرـدـنـیـاـ زـحـمـکـنـشـاـ ـ۳۵ـ درـصـدـ  
ـفـرـاـیـشـ دـاشـتـ حـالـ آـنـکـهـ اـبـنـ رـقـمـدـرـالـهـاـیـ  
ـ۷ـ ـ۱۹۷۱ـ بـهـ مـیـزـانـ ـ۶ـ درـصـدـرـسـیـدـ.ـ فـقـطـ طـیـ  
ـمـاـ اـوـلـ سـالـ ـ۱۹۷۷ـ قـیـمـتـ مـوـاـخـوـرـاـکـیـ ـ۱۸/۴ـ  
ـرـمـدـ،ـ هـرـبـینـهـ خـدـمـاتـ ـ۱۳ـ درـصـدـوـهـزـبـنـهـ زـندـگـیـ ـ۱۴/۵ـ  
ـرـمـدـ فـرـاـیـشـ بـاـغـتـ وـبـیـشـ بـیـشـ مـیـشـوـدـکـهـ درـطـولـ  
ـسـالـ ـ۱۹۸۱ـ تـورـمـهـ ـ۴۰ـ درـصـدـرـسـوـداـ زـیـاـ دـنـرـیـمـ  
ـهـدـدـوـلـتـ سـرـمـاـهـ دـارـیـ بـیـکـلـاوـیـ درـسـالـ ـ۱۹۸۰ـ  
ـبـیـشـ اـزـسـ درـمـدـاـ زـارـشـ دـینـاـ رـاـ کـاـهـ دـادـ.  
ـاـقـعـافـنـاـ رـاطـقـتـ فـرـاسـایـ اـبـنـ اـسـتـمـاـ رـوـسـتـمـ  
ـبـیـرـحـانـهـ رـاجـانـبـ جـطـبـقـایـ وـبـرـعـلـیـهـ کـدـامـ  
ـبـلـیـقـاءـ اـعـالـ مـیـشـوـدـ؟ـ فـقـطـ درـبـیـکـ رـیـزـمـ سـرـمـاـهــ  
ـاـرـیـ اـسـتـ کـهـ تـورـمـوـگـرـانـیـ مـیـتوـاـنـدـوـجـوـدـدـاـشـتـ  
ـاـشـدـ بـوـسـیـاـ لـیـسـمـاـ تـورـمـوـقـرـرـوـزـاـ اـفـزـونـ تـوـدـهـ  
ـبـاـ بـیـگـانـهـ اـسـتـ.ـ سـوـسـیـاـ لـیـسـمـ بـیـاـ روـبـیـزـوـ  
ـبـیـسـتـ.ـ بـحـرـانـ وـهـزـارـانـ فـلـاـکـتـیـ کـهـ درـجـاـ مـعـهـ  
ـبـیـکـلـاوـیـ وـجـوـدـدـارـدـنـتـجـهـ سـیـسـتـمـ سـرـمـاـسـهـدـارـیـ  
ـکـامـوـسـطـهـ بـوـرـژـوـازـیـ گـنـدـیدـهـ مـیـاـشـ.ـ درـجـالـ  
ـبـاـ خـارـجـهـ دـرـبـیـکـلـاوـیـ وـبـیـسـتـ بـکـ مـیـلـیـوـنـ نـفـرـ

نمود مردمی آن را برعهده دادند. آنها با پسند  
اعظمی های ضد کارکر و ضد توده ای این بودجه  
اکت جعلی ماهیت داشت این رژیم را و تجاعی  
ست بمعیان کارگران و زعمنشان و بخضو ص  
نارگران برده و با مسلح کردن طبقه سلاح  
گاهی و شتکل، کارزار و روسع و گسترده ای را در  
نقابله با رژیم و درجهت سرنگونی آن و پیرقرا ری  
جمهوری دمکراتیک خلق، جمهوری کارگران و  
زمینشان را فاهمهندند.

آری، عملکرد عینی این بودجه در سطح جامعه  
بیش از بیش موجب فروبریختن توهمندی‌ها نسبت  
به رژیم و ماهیت واقعی آن خواهد شد. توهمندی‌ها

میلیارددلار (معادل ۸۸ میلیارد تومان) اعتبار به بخش خصوصی داده است.

نگاهی کلی به مجموعه مواد رדי کادر فوق  
آورده بسیار خوب شناختن میدهد که بودجه سال ۱۴۶۰  
تا پایان زمان درجهت کار هش طبع زندگی و بقیمت  
فقر و فلکت هرچه بیشتر زحمتکار عمل میکند.  
در الواقع این بودجه خیلی بیشتر از آنکه ممکنی  
بدرآمد نداشت و مالیات های مستقیم از سرما به -  
داران را بشناسد، منکری به درآمد های اندک کارگران  
وزحمتکاران و استثنای روحانیانه از شیوه کسار  
آنهاست. در این بودجه رقم اعلی مالیات ها را  
مالیاتی که برزندگی زحمتکاران بسته میشود  
تشکیل میدهد. فروش نفت با این دستورالیاز!  
تورم هرچه بیشتر از اردو جامعه میکند که بسیار  
اصلی آن سردوش زحمتکاران جا معدا است. در  
کاخ هنر انتبا رات جاری، این زحمتکاران هستند  
که طبع زندگیشان کا هش می باشد و درگاه هش  
اعتنیا رات عمرانی این زحمتکاران هستند که  
با بدجهون قبیل و حتی بیشتر از آن، فشار  
بیکاری را سرگردیده ای تخفیف خود را حاصل کنند.  
سودده کردن منابعی که مشتملت ضرور میدهدند تهم  
به میزان ۲۵٪ سردوش کارگرانی است که بسیار  
استثنای را با زهم بیشتر برگردیده ای آنها سینکمپی  
میکند. در سه میله بندی کلا لاما زحمتکاران هستند  
که با بدجهون دوستی تهیه مایحتاج غذی علومی را تحمل  
کرده و تراوه منظر اراده و گسترش آنها به شنید

تمامی این معاشر و مبدعیتی های ناشی از سیستم سرمایه داری و استبداد مهرپا لیسم که در بودجه سال ۶۴ تبلور پر فته است، از مفاهی شیوه هستند که اساس نیزه های نسدانهای گذشته، «منتهی باشد» هستند که بسیار بیشتر و کشنده تر، زندگی فقیرانه میلیونها کارگروز حکمکش میهمان را تحت شدیدترین فشارها قرار میدهدند.

کارگران و زحمکشان ممکن با بدیدند که رژیم برای آنها خواهی باز و حشتگی دیده است این تووطه های رژیم را که بسیار از بحراست ب خطرناک تر و دشوارتر تبدیل نموده اند تبلور با فته است، تنها میباشد زیستگی اما ن و گستردگی زحمکشان میتواند فاش و خوشی نماید. هدف اصلی تووطه های رژیم در حل بحران های کمرشکن انتقادیش که روزبروز گسترش بیشتری میباشد را کارگران شکنیلند. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیز همچون تمامی رژیم های سرمه داری، با رسراحتی خود را بر روی طبقه کارگر شرکن میکنند. کمبودهای خود را از طبقه استشارة و سمت بیشتر برروی این طبقه جبران میکنند و تورمنش از سیستم سرمایه داری پیش نمیزد و دشوار میکند. از همین روی هم هست که وظیفه و نقش این طبقه در مقابله با این دشواریات طبقه خانه است. ۲-

در همین رابطه، کمونیستها نیز وظیفه سنگین افشا توطئه های رژیم و از جمله افشا بودجه سا برآورده اند.

ارجاعی، بیوگلساوی را بعنوان یک کشور سوسیالیستی معرفی میکنند. ما با این سخن حقیقت دارد؟ چگونه میشود دریک کشور سوسیالیستی طبقه کارگر را پرسیده ترین نشانه های سیاسی و اقتصادی فرازداشته باشد؟ چگونه میشود دریک کشور سوسیالیستی کارگران و زحمتکشان مورد حوشباخته ترین سرکوبها قرار گیرند؟ دریا سخ به این شوالات مازاموضع کمومیستی اسلام مبکیم که کشور سما بهداشتی، کشور سوسیالیستی بلکه یک کشور سما بهداشتی بسیار شدوفتاً متبلیغاً است، جزو تبلیغات جلوه‌دار چهارم بیوگلساوی را مبریا لیستی چیزی بگیری نمی‌باشد. بتیوک خاشن مرتد بود و پیر وان امروریش نیز مرتدانی بهیش نیستند. تیتو شوسم بسیار جربان روزیزیونیستی و سورژواشی بشما رسانید و بیوگلساوی هرگز و هرگز کشور سوسیالیستی نمی‌باشد. بیوگلساوی مسیل خیانت به سوسیالیستی و طبقه کارگرشا رمی آید. کشور سوسیالیستی کشوری است که طبقه کارگردانی و در راه ساختمان سوسیالیسم به پیش میرود و حال آنکه در بیوگلساوی روزیزیونیستها حاکمیت دارد و اینسان نما بندگان سیاسی سورژوازی میباشد و اقتصاد مجدد یک اقتصاد سرمایه داری شمام عیار است. در بیوگلساوی اگرچه گفته میشود اتفاقاً خود - مختار رکارگری - وجود را داده از حقیقت در این کشور سما بهداشتی دو لشی حاکم است. در این سیستم مالکیت وسائل تولید متعلق به طبقه سورژوازی بوروکرات نمیباشد. این سورژوازی که همان دمیران، بوروکراتها و روزیزیونیستها میباشد شدت تولید و سایل تولیدی را تحت کنترل خود داشته و شدیداً طبقه کارگران را استشاره میکند. از اسال ۱۹۵۰ موسات تولیدی و بازرگانی رسماً از کنترل مرکزی دولتشی خارج شده و تحت اداره خود موسات در آمد به معنای دیگر دمیران و بوروکراتها رسماً مجاوز شدند تا خود مادغام را خریده طبقه بندی و میزان قیمت کالاهای رامین کرده، کالاهای را دریا زار غروخته و میزان دستمزد کارگران را تعیین شما بند. بعلوهای افراد فاسدی سورژوازه شناهی این حق را پیدا کردن کددر برآ راه استخدا مواخراج کارگران تعمیم بگیرند بلکه حتی امکان با فتح دور موردن خرد و فروش و سایل تولیدی کارگرانه و میثنتی برستم طبقه ایستشان را نظر کرده و تصمیمات خود را اجر کنند. بنابراین مناسبات طبقه ایستاده جزو مناسبات اشتغال را درین میزان دستمزد حقیقتی چیزی بگیری نمی توانست باشد "خود" - مختاری کارگری در حقیقت همان اعمال حاکمیت سورژوازی و سرما بهداشتی بشما رسانید. بر واضح است که حاکمیت سرما بهداشتی نمیتواند به عنان اقتصادی اجتماعی نهایانجامد بجز این اقتصادی موجود بین روش ما هست نظرها کوچک و قوانین اقتصادی میتنی بر استشاره نیزی روی کار است. نگاهی به اوضاع اقتصادی بیوگلساوی برونشی این حقیقت را آشکار میماید بقیه در صفحه ۱۸



کشورهای امیریا لیستی غرب میباشد. بحران اقتصادی موجود سوچ رکود در تولید کشور شده است. بعضیان نمونه سرما به گذازی هادرسال ۱۹۷۰ نسبت به ۱۹۷۹ ده درصد کاهش با خدعت از این سرما به گذازی رسیده اند. این داشتگیها جدید نیاز نداشتند، بلکه اساساً بازاری سازی منابع بحران زده اختشان داشته است. و پژواخ است که فشار عظیم این بحران اقتصادی فقط برداشته کارگران و توده های زحمتکش سنگینی میکند. مبارزات کارگران با زتاب است و استمار عظیمی است که بورژوازی تحییل مینماید و بطور مشخص در شرایط کوتونی اگر این مبارزات اوج بیشتری یا فتنه در رابطه با بحران حادی است که انگلستان را فرا گرفته است. با توجه به اوج کیبری بحران سلما دورنمای روشی از رشد مبارزات طبقاتی وجود دارد. اعتمادیات کارگران لیلاند و معدنجان ذغال سنگ، تظاهرات خوشنی و تهران میزبان پیوستن، رشد مبارزات تهران میز خلق ابرلند و... اتفاقی از توسعه روزگار فرون مبارزه طبقاتی در انگلستان بشارة میباشد. در مقام بلدهای این توسعه مبارزات بورژوازی بنا به ما هیئت خود مجبور است بیش از گذشته بطرز عربانی دست به سرکوب زندودرهای زمان عوا مل خود در جنگش کارگری بعده رویزپوشتها و شرافتی کارگری را بسیج نماید. طبقه کارگردان انگلستان تنها زمانی میتواند سوچ بورژوازی را خنثی نموده و مبارزه طبقاتی را گسترش بخشدکه به افشا و طرد سکان نگهبان بورژوازی بر سردویه استاد بولتا، بارش، دست بار بد.

## بحران سرمایه‌داری در یوکسلاوی

نظراً لارتفاع خسوب مهارات الخبراء  
بابل "كوسوا" درسيوسلاوي وكشنا روشيانه  
صفها نفروسوط بليس هنا بتكار رزيم ارثما عسى  
حاكم ابن شوال را مطرح ميسا زدكه علت اسلی  
این مبارزات چیست؟ روپریونیستهای  
تینوشی، روپریونیستهای خروشچفی، روپریونیست  
- های سجهانی، امیریا لبسته و شما رزیمهای

لبنان: خلقها زانو نمی‌زنند!

سفر فلیک حبیب نما بنده آمیریا لیسم  
آمیریا به خاور میان و خلافات نظا می روزا نه  
آسرا شبل "و رجا عیون فا لائزست به مواضع  
انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان و با لآخره  
توطه بین المللی کردن سونوشت لبنان  
طلقه های جدید توشه ای است که سالهاست  
زنجیروار برای بزا نود آوردن خلقوهای خاور-  
میا نه طرح ریزی و اجرا شده است. مبارزه تندوهای  
و مسلحه خلقوهای لبنان و فلسطین چون رودی  
خروشان، با عمورا زدره های خسون و روح همجانان  
به پیش می رود آشنا نا پذیرتر از گذشت  
امیریا لیسم و مهیوب نیسم و رتجاع عرب را به  
معاف مرگ و وزندگی می ظلبد.

## انگلستان: اوج گیری بحران اقتصادی و مبارزہ طبقاتی

در هفتاد و گذشته کارگران کارخانه ماشین سازی  
لیلاند ناکلسن دست به یک اعتناب عظیم زدند  
این اعتناب بزرگ رشته تولیدی این ماشین -  
سازی را فلچ و متوقف ساخته و موج ۱۲ میلیون  
لیره استرلینگ خارت گردیده است. کارگران  
این کارخانه که در حال ورکتکنی است خواهان  
افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار میباشند.  
اعتناب کارگران لیلاند رزمنی صورت میگیرد  
که داده این اعتنابات کارگری در ناکلسن بنحو  
بسیاری افکار گسترش یا فنه و حیات اقتصادی این  
کشور را بشدت دچار مضمولات عدیده ساخته است.  
ضریبات اقتصادی این اعتنابات بررسورزا زی  
امپریالیست انگلیس این معاوضه عی پیدا کرده  
است، بنحوی که در آمد منابع این کشور به  
با بین ترین سطح در طول تاریخ این کشور  
تنزل شده و سپاهی از شرکتها را در آستانه  
ورکتکنی قرارداده است، در حال حاضر بر این  
اقتصادی عمیقی این کشور را فراکرته است  
بعد ادبیکاران به میان از ۴/۵ میلیون نفر  
رسیده و این بعد از زدودران رکود ۱۹۳۱ ناکنون  
بسیار بقدومه است و احتمال میروند که تا با سیان  
سال ۱۹۸۱ بعد ادبیکاران به ۳ میلیون نفر  
رسد، تورم و گرانی بشدت افزایش بافتے و  
کارگران را تحت منکره و فضا رطاقت فراسای خود  
قرارداده است. کرانی در سال ۱۹۸۰ نسبت به  
۱۹۷۹ به میزان ۱۸ درصد افزایش بافته است  
و این رقم کمکی از با لاترین ارقا مکرانی در



## قیمت دوم زیحہ قصاص: نمودار ماهیت ارتھاگری رژیم

زیبرانوی از شعارهای پرزرق و برق و باطل اح  
حبابت از فقر و "مستعفین" بهشتاند. این رسم  
ممکن هم طبقات مدخلتی حاکم است. از "عدل"  
آنوشیروان در دوره پادشاهان بکرها شمسار  
"زادی - برآبری - سرادی" دروغین سورژ زی  
و بی‌لارغه "حبابت از مستعفین" ، در کشور خودمان  
پیروزها اعدا غرچه باشد، ما هیبت واقعی ادعا-  
کنند و در عمل آشکار میشود و اگر نبا لایحه  
همان دم خرس هزارا زیبتر خرقه ریا کاران  
جمهوری اسلامی سیرون زده و ماهیت پوسیده و  
رستمی ای آنا ترا نشان میدهد.

- اگر سرتایه داریزین کارگر را بکشد می تواند از جهازات معاف شود ولی اگر کارگر یک زن سرتایه دار را بکشد از جهازات معاف نیست و باید کشته شود !

موالد ایجنه نگا هکنید :  
”ماده ۵ - هر کاره مود مسلمانی عتمداً زن  
مسلمان را بکشد مکوم به قصاص است لیکن باید ولی  
زن (ورش مقتول) قبل از محکم قاتل، نصف دیسه  
(خونشای) مردرا به او بسیردا زد“ .  
بعنی اگر متلا کار فرمای سکی از کارخانجات  
یک زن کا رگررا به قتل برسا ندبهیجه نهیتوان  
ورا مجازات کرد، مگر آنکه خویشا وندان مقتول  
(بعنی خانواده فقیرگار رگر) نصف خونشای سک  
مردرا به قاتل ببردا زندگین او را بکشد (۱).  
گرفته سبای از مجتهدین (۲) حدود ۴/۳ کیلو  
طلایت و سنا برای خونشای سک زن معادل نصف  
آن بعنی کمی بیش از ۴ کیلو طلا مشود، با بد  
برسید خانواده آن زن کارگر چکونه میتوانند  
بپولی معادل تقریباً ۲ کیلو طلا به قاتل بدهند  
تا بتوانند رامجازات کنند؟ کارگری که  
برای ۲ کیلوتون ان روزانه خود در منگه قرارداد رد  
هر گز خوب از ۲ کیلو طلا را هم میتوانند ببینند!  
بن است که ای جمز فن تکروک درون ازمجا زات  
قاتل شد ردوکار فرمای قاتل عمل ازمجا زات  
معاف میشود و میتوانند بطبق این قانون برآ  
بپرداخت خونشای زن، جان خود را بخورد!

حالا اگر فرض کنیم که قصہ برعکس باشد  
معنی کارگری که از شدت ستم و استشمار بجزان  
آمده است بک زن را که رفراز او (یا صاحب خانه  
بقصیده در مرضه) ۲۲

(۱) - در اینجا ما به جنبه های ارتقا عی دیگر  
بن ماده که بین مردوزن فرق گذاشته با برای  
نان قیمت معین گرده کاری نداریم. این  
کنکشن را درجا های دیگر گفته و با زخم خواهی گفت.  
(۲) - رجوع شود به صفحه ۴۹۹ کتاب "جا مع عبا سی"  
نه نزرا شیخ بها شی، مجتهد معروف در راه عباس  
غفوی نوشته است و جای اینکه "لایحه قصان" نام  
طایق تقریبا کا ملى با آنچه در کتاب مذبور  
مدد، دارد.

نمودهای باز رما هیبت ارجاعی رژیم حکماست  
ترقی سپارادار. اما کنندگان سپاه خواستار  
کنندگی جمعی از فقهای و دیگران بنشینند  
توییست کفری مقول و بخشهای را در پیش  
گیرند. این آفایان بالآخره "کاسه از آش داغز"  
نده به شدوین کنندگان قانون اساس معنای  
مولی راکه خودشان تمویب کردها نمیداید و مردم  
شوند. "مرا موش" میگنند که لایحه قصاصی نه فقط  
ز عقايد فقهای گذشت، بلکه از فتواهای

پیش از آدا به بحث هفتة پیش، حول لایحه  
فمام در ذکر نکته‌ای را لازم میدانم و آن اینکه  
بحث روی این لایحه، با تیزروزها یکی از مسائل  
حاجه ماست و در مخالف سیاسی و اجتماعی مختلف  
برآ سام ماهیت طبقاتی نبیرونها موجود، عکس.  
المعلم های گوناگونی در مقابل آن موثر می-  
کسرد:

— حزب جمهوری اسلامی وظیفهای با مطلاع  
مکتبی با سرخته شما از آن دفاع میکنند و با  
استناد به اینکه این لایحه بر سراسوی این قوانین  
اسلامی است و منطبق با نظر مجتهدین و فقهاءی  
سازگار تنظیم شده، میکوشند بدوا مغایریها نه تربیت  
نگردد، توده های نا آگاه را بحث ایت از خود  
فرآخواهند و دهن مخالفین را زهرنوش کسی  
با شندیدهندند. بهشتی و موسوی اردبیلی و امثال  
آسان میریا در دفاع از این لایحه به مهین نشو  
خن گفته اند. آنها با دست ایزی-قراردادن  
اعتقادات مذهبی توده های برآشده این مجموعه  
توانند ارجاعی را که حقوق توده های زحمت -  
کش میهند مارا الگدام میکنند به آنان تحمیل  
نمایند. آنها میکوشند تنهای دست آورده های  
قیام ۲۴ بهمن، بلکه دست آورده های انتقال  
منزه و طیب را نیز توده های با زبس گیرند و حاکیت  
ارجاعی و شدیدا غلب مانده خوبیش را به خیال  
خود تحکیم بخشنند.

— مخالف لیبرالی که از موضع حماست انتقاد میکند و حقوق سورزاوشی را این لایحه مخا لفندیده است. این طبق و معنای این لایحه را میتوان به این شناس و کا به تهرکردن "و انتشار این ابتداهه اند دو متلا خواهان آمند که این لایحه زمحل شورا مسترد و اجرای آن متوقف شود و عین از غقیههان و مخصوصاً علمون علیکم بکفری و دادرسان با تحریبه به فرا غت و دقت مصالح جامعه مسلمانان و فوایدو زی شاهی شعوب لایحه را از دیدگاه علمی(؟) تحلیل و ارزیابی کنند و سیاست کمیفری مقصوی و پنهانی را در بیش کیرند. (بیان اینها داد و نهاد و ... انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۲۲) آنها تا کیدمیکنندکه "مفرغ" نیستند و هر انگریز آنها داده هستند که آسروی یک اندیلوژی مذهبی وجودی و حاضر و حان و آزادی یک ملت انتقامی و محروم و دردیدی و سیعتر سرنشوشت کشور در میان ا است. (همانها) امما کنندگان این سیاسته که تعداد این سه دهون ۱۲۵ نفر مردم دعینده که مظنو راز "مزارین اسلامی" و "اصول و احکام مذهبی" کشور که در اصول ۴ و ۲۲ قانون اساسی سمعنا و چهار جو پیمان و کذا ری امده است لزوم بسیروی کامل از عقاید

ولى کارگران و زحمتکاران ۲۵۰ ها مخوبی  
میدانندکه مخالفت لبرالی ساین لایحه مسا  
مخالفت انتقالي عليهما بن لایحه که بکی از

دیجیکا

## در خدمت شروتندان و علیه فترا

رژیم حمپوری اسلامی نیز مانند کلمه رژیم-  
های مدخلی، میکوشید ما هست طبقات، خود را

لایحه ۰۰۰

۲۱

با ما حب زمین کنوا ورزی و با ... است بکشد،  
کارگر مزبوراً البته بدیل ناتوانی مالی نمی-  
تواند خوتبهای آن زن را ببردا زد و مسلمان کشته  
خواهد شد. بطور خلاصه در مثلی که زید اگرمی باشد  
- دارزن کارگر ایجاد میتواند مجازات عما ف  
نودولی ایگر کارگریک زن سرمایه دار ایکنده از  
معازات معاف نیست و با بدکشته خود!

حال به ماده ۸ توجه کنید:

"ماده ۸ - هرگاه دو دوچند مسلمان مشترکاً  
مرد مسلمانی را بکشند ولی دم (ورثه مقتول) میتواند با اذن ولی مسلمین بانها بینه او ومه  
آنها را قاصص کند. لیکن در مردمتیکه قاتل دو نفر با شنیدن یاده هر کدام از آنها نصف دیسه  
(خوبتها) را ببردا زد و اگر سه نفر با شنیدن هر کدام از آنها نصف دیسه  
هر کدام از آنها دو شدله را ببردا زد و اگر چهار نفر با شنیدن یاده هر کدام از آنها سه ربع (۳) دیه را ببردا زد و همین نسبت در افراد دیگر است".

فرض کنید کشاورزان فقریک روستا بر مالک خوشخواز می‌شوند و را بکشند و طبق این ماده قانونی خانواده مالک میتواند همه شرکت کنندگان در قتل راحتی اگرده نفر باشد در بر این مالک با شروط هنگفت خودکه حاصل روح و خون کشاورزان است، میتوانند با احتراز خوبهای شرکت کنندگان در قتل را ببردا زند و هر چند نفر را در بر این میکشد!

ویا برای این ماده ۱۹، اگر کارگر مالک زمین فرزندان بالغ (کمتر از ۱۵ سال) کارگر باشد، با چنانکه با راه اتفاق افتاده است اور با انتو می‌بینیم، زیرا بکشند و برا بایست پهادا شنی را فراهم نکنند و درسته بسته جان کوک تلف شود، قانون به خانواده کوک مقتول نویسند و میکنند که از قاعده صرف نظر کنند و گرفتن خوبتها اکنفا نمایند.

آنچه که تا کنون گفته مواردی بود که قاعده معنی قتل بود در موارد جرم‌های دیگر نشیز مثل ضرب و جرح و بردیدن گوش و زبان و نکشن دندان و استخوان و غیره فرد را شتمد میتواند همه این بلایا را برسر زحمتکش زبردست خود. در آن ورده نیز بکشند و با این کشند و برا زمینه ایستادند و بگوش "ارباب" خود بزندگون ناتوانند را ندارند و بیک سلی بخورد.

بدین ترتیب است که قانون دستیخت رژیم حاصل سرمایه داران اینچنین ما هیبت خداگری و ضد خلقی خود را نشان می‌دهد. آیا انتظار رجرا بن است؟ مگر تکفته اند؟ از کوزه همان بروون تراوید که در است؟!

ادا مدارد.

★★★

بوجود می‌آمد، سازمانی با اختلت سوسیالیستی با دموکراتیسم شوروی، دموکراتیسم که بسیار اولین با راحا کمیت کارگران ... را در خود بطور واقعی متجلی نمینمود.

جبزیکه فدرات شوراها نامیده میشدم بایست آنچنان سازمانهای توده‌ای بینه هنگ برولتا ریا و محنتکشان بوجود آورده بشه قبول لشی به حزب اجرازه دهد و سیاست‌من نوده های استهنا و شونده را همیزی کند و آنها را برآورده بگشی مستقل سیاسی بکشند و خلاصه همه آن وظایف را که رهبر انتقال اکنیدر وظایف نوین حکومت شوروی "طرح مینمود، میباشد عملی شود". سازمانهای اینهای که فاعلیت در این راه خدمات توصیف شاید بیرونی به برولتا ریا بایست، سودالف بود!

بقولی سودالف آنچنان سازمان شوروی را در اولین حکومت کارگری شکل داده که شورا وی با زیرهای کارگر بسیله روشی های ناگستنی مربوط بود، سازمانی که استعدادها هنگی فوی با شابسته کاملاً کوچک و سریع التغییرهای را داشت.

زندگیانه سودالف به کمونیستها در های انتقلاب می‌آمد و می‌بود. آنها که شکل داده بایست و می‌باشد از زده اینهای که هیچ‌کجا از اینها طش نباشد با توده های قطع شود، فعالیتی پیش رو، میتوان روزگار رعلی را موقت آغاز کنند، آنها را در عمل بکار بست و می‌بزرزه را انتقاد آد، اولمی‌آورد که کمونیستها تنها با می‌بازه خود، شایستگی - شان را برای رهبری برولتا ریا به اینهای می‌رسانند. اولمی‌آورده که می‌بازه برای اینهای کمونیستی نهایه سلاح مناسب و تشكیلات بکشند که در سال ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ با منحرفین راست و "چپ" رزمید و با درودسته بخواهی و تروتسکی، برای حفظ اینکه متشکیلات بکشند که در شیخی پیکار می‌کرد. اولمی‌بایست همراه با این شیخی و استانی درجهت نکل سازمان شوروی بکشند آنچنان سازمانی جهت اداره جامعه بجا دناید که برای اولین بار در سراسر طول نایخ بشریست

بقيه از صفحه ۸ راکب ۰۰۰

سوسیالیستی شااستقرا و دیکتا توری برولتا ریا (۱۹۱۷-۱۹۱۹) را به عهده گرفت. در دوران تدازک انتقلاب سوسیالیستی تمام استعداد، تسویه و خلاقیت بشنویکی سوردلوف در خدمت تحقق تزهای آوریل لشی صرف گردید. در این دوران سوردلوف به شایستگی عالیترین شومن سازمانهایی برولتا ریا را برای قیام جهت برقراری سوسیالیسم بمنهجه ظهور رساند و رشتہ‌های مستحكم تشکیلات را هی زندگی تربیت ارتباط با سازمان روزگار درست داشت. این از سرکشی می‌گذرد، شوروی به اینهای متشکیلات شوروی را به عهده سوردلوف نهاد. او رهبری تشکیلات شوروی را درست تربیت شرایط حیات آن پذیرفت. جمهوری جوان برولتا ریا روزهای دشمن، همه مترجمین، همه دانلابیون شکست خورد، همه خانمین طبقه کارگر از سلطنت طلبان شااستنیکها، از زنرالها تا کادتها از یکسو و همه امیریا لیستها، بوبزه امیریا میریا لیسم آلمان همیزی از هم دریدن حکومت کارگری شوروی در آن زمان دندان تهریکرده بودند.

سودالف در نقش سازمانهای شورا های روسیه سازمانهای تشکیلات حزب، سازمانهای انتظامی برای دفاع کشور، سازمانهای کنگره های حزبی سازمانهای چریکها مسلح کارگری مجهت شکست توطه های منشویکها و سوسیال رولوسوسورها ... کار طاقت فرسای استقرا و سوسیال لیسم و همیات دیکتا توری برولتا ریا را به پیش میبرد و در عین حال در میان روزهای درون جنگی در سال ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ با منحرفین راست و "چپ" رزمید و با درودسته بخواهی و تروتسکی، برای حفظ اینکه متشکیلات بشنویکی تحت متن، لشی پیکار می‌کرد. اولمی‌بایست همراه با این شیخی و استانی درجهت نکل سازمان شوروی بکشند آنچنان سازمانی جهت اداره جامعه بجا دناید که برای اولین بار در سراسر طول نایخ بشریست

بقيه از صفحه ۱۴ روش فکران ۰۰۰

از اینجا فات خطرناک و سهلک و از روحیات انفراد منشی خود مرکزیستی، یا سیفیستی و آکادمیستی تجات نخواهد بیافت. این و میکوشیم، ما هرگز فراموش نمیکنیم که تحقق این امر بدون مبارزه ایدنلوزیک مستمر و بیگر علیه روزیونیم وا بود و تونیم بیدون با چکیزه شمدون چنین شیخی مارکیستی - لشیستی از اینجا فات خوده - بخواهی و بخواهی و بخواهی و بخواهی سوسیال لیسم علیمی میسرخواهند شد. با چنین مبارزه ای خواهد بود که گرا بیانت و جریانات اخراجی افشا خواهند و توده های که استعداد بیش روی در راه برولتا ریا را در نداستوا رتربه جلوخواهند رفت. با چنین می‌بازه ای خواهد بود که توده های در رفع هرولتا ریا ایستوار خواهند و شتما از ریزی و توان خود را در راه بخواهی برولتا ریا بکار خواهند گرفت.

با ———ان

نگرانی نداشتن از این اتفاقات ممکن است این را که این اتفاقات از این دیدگاه نظری نباشد.

میدان نیم در طول تاریخ فلسفه ما اساساً با  
وشا خفیفسی اساسی مواجه میباشد: یکی  
بده الیسم و دیگری ما تربیا لیسم. در حقیقت تمام  
غایه های فرمی فلسفه ای با دو شاخه اساسی  
نمتنی میگرددند. ایده الیسم بر تقدیر روح پر  
ناده معتقد بوده و در تشریح و توضیح جهان  
ارای نگرش غیر علمی میباشد، حال آنکه  
تربیا لیسم بر تقدیر ماده بپر روح اعتقاد داشته و  
برآنست که ماده در خارج از ذهن عینیت دارد و  
نسان قدری به شاختجهان مادی است. بدینین  
روتسب از این دو دیدگاه فلسفی تغییر و حرکت  
به یک سویت استنباط نمیشود، ایده الیسم از  
تجرا که روح را مقدم بر ماده میداند برای حرکت  
تغییر مفهوم خان خود را راند میدهد، از دیدگاه  
بده الیستی تغییرات روحی تغییرات مادی را  
وجودی آورد، اما طبیعی این حقایق را  
آن شناوه عالم پرورد پوشی میکند. او میگوید  
آنون تغییر و حرکت در دنیا لکنیک "نظیره سیار  
نهنده ای" است، اینکه فلاسفه از تغییر و حرکت  
حیث کرده اند مسئله مهمی نیست، مسئله اساسی  
ینجا است که فلاسفه بده الیست برآسان نگرش  
طبیعی خود تغییر و حرکت را تشریح کرده اند؛  
لascانه اسلامی و عرف از انتقطنه نظرفلسفی جزو  
ردوگاه ایده الیسم قرار میگیرد، آنان به  
ذات مطلق "معتقد بوده" و ز همین دریچه تغییر  
تحولات جهان را تفسیری شنایند، اما طبیری  
هر دو ربی سازش دادن میان متفاوتی هستند و  
با لکنیک میباشد دنی حقایق را مستور نگاه  
میداده د. طبیری در اداهه مخزعبلات رویزیونیستی  
و دودربا رهقه عربی نترسیست به ما رکیسم می‌  
شیانت فرجه عربی نترسیست به ما رکیسم می‌  
و اند وجود داشته باشد. رویزیونیستها مبلغین  
از ش طبقاً ش میباشد و منظور طبیری از "یک"  
قداً ریخت "همان نفعی تصاداً است" و با نفعی تصاد  
سلطنه بوروزوازی را تقدیس میکند. طبیری بطرزی  
بده الیستی میگوشتند قوانین عینی حاکم بر  
معده و منابع سیارات میان طبقات مختلف صاسم را  
و شناوه و میباشد و میباشد طبقاً ش رانفی کند، از بین  
شناوهای طبقاً ش که به انشغلاب شهرآمیز می‌  
شنج مدوحت شد ارد، و با این مسئله که  
روولتا ربایا با ایده انقلاب اجتماعی و سرنگونی  
هری سوروزوازی پرورش با بددهشمی دارد و به  
مین خاطر در طول بحث خود میگوشتند موهر  
با لکنیک که همان تنها دسیبا شد را شفی کشد.  
لیسته طبیری ناچار است تا از شناوه حرف بزنند،  
میکن اوشکرده خلخlesh نشده رهیگانها ز این  
مسئله که تفاوت مطلق است و وحدت نسی است  
خن نعمی گویند. طبیری مرتدانه بپرولتا ربایا

سنتقه اش از نظرپرورزاده و پرسفسورهای خبار  
- با ف آن مایه روسا شی و چیزی نفرت آور است  
زیرا دیالکتیک در ادارک و شناختن تا شیده میز  
وضع موجود چیزها در همه زمان، همچند  
شناختن نفی آن وضع وزوال بافت ناگزیر  
آن را در برداود، زیرا دیالکتیک، مرشکیل  
جتماعی به لحاظ تاریخی تکامل با فترا در  
فرنگ سال لمبیندند و برا بن طبیعت گذاری آن  
اها من اند اند زده همای می آورده و جزو  
نا پیدا و آن را، زیرا دیالکتیک احاجا نمی  
دهد که موردوسو استناده قرار گیرد و در ذات خود  
ستفاده و انقلابی است."

بدین ترتیب درمی بایسیم که میان منطقه  
منتا فیزیک و دیگر لکتیک تفاوت همیو و عظیمه  
وجود داده رود و کسی شنی تواند را کسیست باشد و  
منطقه منتا فیزیک را مورد نظر غرا وند هدیرفسور  
طبری مرتدکه به ما رکسیم خیانت کرده است  
میکوشتنا با پرده کشیدن سرروی ما هیبت ارجاعی  
منتا فیزیک میان دیگر لکتیک و منتا فیزیک آشنا  
برقرار کرد. در حقیقت طبری خان شفت خود را ز  
دیگر لکتیک زنگ مارکسیست را با مخدوش کردن  
مزها و پوشاندن ما هیبت منقاد دیگر لکتیک و  
منتا فیزیک به نمایش می گذاشت. طبری مرتدبا  
همیا قراردادن دیگر لکتیک و منطقه منتا فیزیکی  
ذات انتقادی و انقلابی "دیگر لکتیک را نفع  
کرده و بدین ترتیب ایدئولوژی بوروزا زی را  
بر عرصه فلسفی به نمایش میگذارد. دیگر لکتیک  
که علم شناخت پر بدیده ها، طبیعت و اجتماع است  
نهنها هنگام میتواند در خدمت برولترا ریا قرار  
گیرد که از ما هیبت انقلابی خود برخوردار ریا شد.  
برولتا ریا با انتکاب دیگر لکتیک ما تربیا ییستی  
بدیده ها و جامعه را بطور علمی میشناسد تا بتوانند  
طرز انتسابی آسها را تغییر دهد. حال زمانی که  
روزه ریا لکتیک ما تربیا ییستی تجدیدنظر شود  
دیگر لکتیک تا سطح منتا فیزیم ارجاعی تقلیل  
با دیدپرواوض ایست که ریا دیگری جزتا شد و پوشید  
بوجود شنی ماند. ویراستی بوروزا زی حمز  
ناید و موضع موجود (حاکمیت قدرت سایی  
بوروزا شی) چه چیز دیگری میخواهد؟ و زیبوزیست  
هادرفلسفه ما رکسیستی ارتدا کرده است و  
هدف آنان از این خیانت خلیع سلاح کردن  
برولتا ریا در میاره علیه بوروزا زی است.  
دیگر لکتیک طبری شهدا لکتیک ما رکسیستی،  
ملکه دیگر لکتیک بوروزا شی و فدا نقلابی است.  
دیگر لکتیک طبری خیانت آشنا و نسبت به  
ما رکسیستی است، این دیگر لکتیک نسلامی در  
خدمت برولترا ریا بلکه ایزا ری درجهت ادا مه  
بردگی طبیه کا و گرمیبا شد. واپسیت هدف  
سایی خیانتکارانی چون طبری .

بقيه از صفحه ۲ روی نویسنده روزنامه های روزانه  
رویزپرستها نه تنها در اقتصاد را کنسته  
تجدیدنظر کرده، نه تنها درسی است برولتتا ریا شی  
تجدیدنظر کرده و ناشی طبقاً روزهای می رزه  
طبقاً نشانه اند، بلکه بخلافه در عرصه فلسفی  
نمیزه نفی ما تربا لیسمیدا لکتیک بودا خته و به  
بوزیستویسم رجاعاً عرض می روزنامه های روزانه  
است که همیشه روزیزپرستها به نفع آنکه از روزانه  
ما تربا لیسمیدا لکتیک نمی بودا خته، اما  
آنها در حال لیکه بعنوان "مادافعین" دیا لکتیک  
ما رکسیستی عرض اند! ممی نمایند در شوریهای  
دیا لکتیک تجدیدنظر کرده و استثنای جات شوریک  
و عملی خود را دقیقاً منطبق بر منافع بورزوگاری  
من نمایند. طبیری و شگهدار دقیقاً به همین  
خط است دست میزند. آنها بسوان نوکسران  
بورزوگاری در تلویزیون بورزوگاری می رکسیست  
دیا لکتیک منفصل و سراپا تعریف شده ای را به  
نمایش میگذا و ندکه فرسنگها با ما رکسیست  
انقلابی و دیا لکتیک زرین نخاوت داشته و تنها  
در خدمت بقای حاکمیت ارجاعی بورزوگاری  
است. آنچه روزیزپرستها در تلویزیون اسلامی  
بررسما رکسیست آ و دندنچ تجدیدنظر در جوهر  
انقلابی دیا لکتیک، جراحتی داده میان  
منافیزیسم و دیا لکتیک و جزئی نمایش گذا ردن  
بوزیستویسم رجاعاً چیزیگری نبود.  
طبیری میگوید منطق ارسلو منطق موری است،  
دیا لکتیک منطق مضمونی است و سین اخافه  
میگند: "ما منطق صوری ا رسطورا می پذیریم.  
تمیل داریم براش ارزش فاصله هستم. این  
منطق بعد اهم تکا مل بیدا کرده... با زهم تکا مل  
خودش را در شرایط کنونی ماطی میگند و آن  
منطق جای خودش را داده میان ما به منطق مضمونی  
دیا لکتیک هم... معتقدم".  
ما میدانیم که منطق ارسلو در هیئت خود  
مبتدا اسلوب منافیزیکی میباشد. این منطق،  
سیک استدلالی معین است که دیا منافیزیک را بهله  
شکایتگی دارد و بوسرا س آن بین "آری و نه"  
پکی را باید انتخاب کرد. این منطق که بررس  
اصل بیکسان بودن، اصل شفی خلاف دوام میگزینی  
شالت استوار است، در تفاوت دیا اسلوب و  
دیا لکتیک بشما رمی آید. دیا منافیزیک به اشاره  
تبا موظما می اندیشند و آنها را یکجا رسرازی  
همیشه شخص میگند. میافیزیک اشیا و بدیده ها  
راجدا از یکدیگر و غوا قد ارتبا ط متفاوت  
دانسته و هرموموژی را نمایند. و حتی از اخداد  
بشم رهنی آورد. اما برخلاف منافیزیک،  
دیا لکتیک ما تربا لیستی اشیا را در یک روند  
سی بایان در حال تغییر و تکا مل و در ای انتباط  
متقال می داند به کهنه میزنه و نورشیدانه  
معتقد است و تفاوت در بیده ها را جوهه هستی می  
دانند ما رکن در دیبا چه کتاب نبوغ آمیز خود  
"سرما به" می نویسد: "دیا لکتیک... در دشکل

# برقراری جمهوری دموکراتیک خلق!

کا مل لیبرا الها از کردنونه اعلی قدرت با فته اد  
ولیبرا لها، علیرغم همه تعلل ها و ممتاز جوشی  
رهبران اعلی آن با جناح رقیب، سندروم میزود  
تا بررسای این درک فرا رگیدر که حکومت  
اشلاف، توان وظرفیت مقابله با بحران کنوشی  
را نداشت دوازاین لحظه درین بسته فرا رگرفته  
است. شهیدات اخیرینی مدر، مبنی سرواجاه به "را  
عمومی" درمود "بحار" کنوشی، شناه ای از این واقعیت است  
البته این بن بسته، بک معنای تا رسیدن  
دا رد، ولزوما به معنای آن نیست که نقطه قطعی  
تفعیلی حاب دوچنانجا با پیدا کردن همین لحظه  
حال غراست. جهسا، این ممتازات همچنان پیدا ورده  
بحاران با نوسانات و فراز و نشیب هاش طی  
نماید. طبیعی است که در جنین صورتی، به وسیله با  
توجهه و روشنداشتن رزه طبقی تی و اعلانی انقلابی  
در رحمه، و نیز عواطفی که در ربا لا بر شردم، هر  
جهه این نقطه قطعی تعیین تکلیف ممتازات دو  
جنای دوچنانجا به عقب افتاد، غربات بیشتری مربیگر  
بورزوایی و ممتازات سرمایه داری را در خواهد  
آورد. ما روش انتکه هر حرکت جدی آنها را این  
این اقدام جدی و قطعی، از یک جزء بطور مشترک  
و هشت دارند؛ باشکه هر حرکت جدی آنها را این  
جهت، بهبیش از آنکه تحکیمیک دولت یکی را جه  
ومیانی قدرت بورزوایی تبدیل شود، به مستری  
سرای فوران خیزش های توده ای و تشدید ممتاز  
طبقاتی به گونه ای که حیات کل بورزوای زی را در  
عرض خطر قرار دهد، بمدل سازد. واين واقعیتی  
ست که وجود دارد و دوچنانجت بورزوای زی در این رابطه  
زعینیت مبارزه تهدید ها در شرایط فعلی سر -  
بچشم میگردوا بن خود درست همان عالمی است  
که از یکسو خود مهمترین نقش را در شدیداً مسن  
ممتازات ایفا میکند، وازوی دیگر و جناح را  
در تعیین گلیف قطعی این "اثلاف" بن بست آفرین، به  
ترتیب و تنزل و امیدوار و آترابه عقب می اندزاد.  
به هر صورت، جهاین بحران همچنان و در نکل  
کنوشی ادامه میابد، و هرچه در اشتراک اقدام جدی هر  
یک از جناح ها به نتکنست اشلاف کنوشی منجر  
شود، بر هر دو حالت، بورزوایی امکان غلبه بر  
بحاران کنوشی جا مده و مهار رکدن سرچشمه های  
علی آنرا نخواهد داشت. جراحتها قعدهت، بحران  
کنوشی و ریشه واقعی بن بست های درونی رژیم  
سیاسی کام عمدتاً نهاده در نفس این نخادها و پیسا  
اختلاف سلیقه های دوچنانجا و با حتى تماشی  
ندرت طلبانه هر یک، بلکه اساساً زیکو بحران  
میمیقی است که ممتازات تولیدی حاکم را در بزر -  
گرفته است، وازوی دیگر در میاره و اغصی  
طبقاتی و روشنگریش آن بر سر برخان اقتصادی  
اجتنابی عی جا معمقرا دارد. به همین جهت هر  
تفییری هر این جهای را جوپ محدود، در آرایش  
نیروهاي دوچنانجا، اگرچه حتی در یک مقطع نشان  
مک مسک را ایفا نماید، اما ساختگری بینایدین  
در گسترش بحران کنوشی بخواهد داشت.

باقیه از صفحه ۲۸ یادداشتها

آنها، در پریا روشی با یکدیگر درین همه عوای مغرسی ها و عبارت پردازیها، سرانجام بر "سایج تلح" بحرا کنوشی تا کید میکنند و آنرا به جناح رقیب گوشزدمیم بند؛ من خیال میکنم که سالمترین راه بدون بحرا ن طوری که شخواهیم به اصطلاح بعدها این بحرا ن خدای سکرده، به یک سایج تلحی بیانجا مدارا بن است که از خود مردم را جمع کنیم و با رای عمومی آنجه کنندیه مردم را جمع کنیم و با رای عمومی آنجه با بدیندو، بشود". (اما چه بینی مدریبا روزنامه انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت)

و درست در همینجاست که از وحدت درونی هردو جناح، غلیرغم همه ممتازات و درگیری ها و اختلافات به عینه برملا میگردد. لیکن این امر نباشد پایان آن گردد که این اختلافات و تفاوتها صرف یک جنگ زرگری و شهی از مضمون تلفی گردد واقعیت این است که دو جناح را زیم در شرایط کنوشی نمیتوانند در کار ریکدیگر و در شلاق با هم، کا رکردا قمعی یک دولت بورژواژی را تنظیم نموده و به پیش برند. تصاده ای در وسی آنها اکنون و تحت عوامل بادنده، به درحالی از زند و نشکا خود رسیده است که عمل دولت بورژواژی را دریک بنست واقعی قرارداده است. بن - بستی که در هر اقدام واقعی آن، خوبیشن را به وسیع نمایان میسازد. دولت عمدتاً مهمنترین ای از راستین میعنی شرطها را تولید و پا زنولید مناسبات سرمایه داری را بر عهده دارد (غلیرغم آنکه درجه شکلی و به جمیوری این عمل رانجام دهد)؛ در حال حاضر، این تصاده به ما نیز در جهت کارکرد طبیعی و منطقی فوق تبدیل شده است. و این جمیزی است که بیویه جناح تیرپیمن و دور نگریزیم بعنی لبرالها را پوشی بیشتری بدین وقوف حامل کرده اند. و به همین جهت نیز این بست "سخن میگویند. در حال حاضر، به ندرت میتوان عرصه ای را یافت که هر یک از دو جناح، در پرخورده باشد، شهوه های متصادی را از اش نهندند. اگر کرد پرسی از رژیم های بورژواژی، اختلافات درونی دولت، به عنوان در پیجه اطمینانی برای فتنه های ناشی از میان رزه طبقنا تی جامعه عمل میکند، تا در سایه آن دولت بتواند کارکرد طبیعی و منطقی خوبی را به اینجا مرساند، در شرایط فعلی، این تصاده و مخالفت ها، فراترا خواست و نهایت جناح های مختلف بورژواژی، به عالی درجهت گشته کنند نظام درونی جامعه سرمایه داری و اختلال در راستین شرایط بست و عملکرد مناسبات تولیدی موجود تبدیل شده اند.

درست همین بن بست ها و نهایت فنا ات است که هر یک از دو جناح را به سمت این تصور، که تنها در جها رجوب یک دولت یکباره جویی از منازعات جدی سیاسی میتوان بر بحرا فرا گیر کنونی غلیمه کرد، سوق مدهد. حسنهایها، جاره اراد خذف

بیمه از صفحه ۲۳ روزنامه نیسم  
جنین القا، میکند که درجا معموسرا بددا ری جنین  
غالب مناسات طبقاتی میان طبقه کارگر و  
بورژوازی جنبه وحدت آنهاست، و این خاستگی  
عریان است.

لتنین در "پادشاهی فلسفی" مینویسد  
درک "اجزای متضاد" هر پیدیده "و هر دیبا لکتبک"  
است، در چالعه سرمایه داری تنفس اساسی عیار است از  
از تفاوت بین تولید اجتماعی شده و مالکیت خصوصی  
ابزار تولید و محصولات، انکسار این تنضاد  
در سطح طبقات عیار رست از تنفس آشنا نا پذیر  
برولتا ریا و بورژوازی، بر اساس جنین تنضاد  
طبقاتی است که میان رزه طبقاتی شکل میگیرد.  
این تنضاد در تمام طول جا معموسرا بددا ری وجود  
داشته و تنها با پیروزی طبقه کارگر از طریق  
انقلاب قهرآمیز قابل حل میتواند باشد.

قاضون تنفای قانون مطلقی است که مناسیات  
میان برولتا ریا و بورژوازی را تعین میکند.  
اما روپریونیستها با نفس این تفاوت یعنی - که  
مستقل از ذهن انسانها وجود دارد - و تا کیدیسر  
و حدت میان برولتا ریا و بورژوازی آن  
بطور ذهنی و بدوزار رحمیت عینی در بیان آنندنها  
با نفسی تفاوتبینها به قانون مطلق، وحدت  
برولتا ریا و بورژوازی را سفرار کنند، و حدتی  
که ندریجه همه عینیات میان رزه طبقاتی بلکه فقط  
در ذهنهاست عملی نوکران بورژوازی و روپریونی-  
زمیستها شی چون "تدهدای" ها و "کثربتی" ها  
قابل وصول است. بدین ترتیب در می باشیم که  
روپریونیستها چگونه و تیغایند را حکماً مغلابی  
دیبا لکتبک ما تربیا لیستی تحدید نظر کرده و  
بدین طریق غذیت ارتجاعی خود را با ما رکیسم  
لنینیسم به نمایش میگذارند و تند در حقیقت روبروی-  
نیسم فلسفی خاشنین به سوسایا لیسم میان شفود  
اید شلوذیک بورژوازی در عرصه فلسفه میباشد.  
ادا مددار

نصحیح یا ک خبر

در شماره ۱۵۶ بیکار و در خبر مربوط به  
بزرگداشت اول ماه مدریبوکان، از کومله و  
بیکار رعنوان برگزار گشته‌اند که مراسم نا میرده  
شده بسلاطون من غیر بگوئه‌ای است که گوبایرام  
با دعوت رفقاء ما کومله ترتیب داده شده است  
ضمن پوزش از خوانندگان و رفقاء کومله  
تصحیح می‌شود که این مراسم بدعت و رفقای  
کومله بوده و رفقاء مابه حماست از زاین دعوت  
در مراسم شرکت کرده بودند. در ضمن از رفقاء شی  
که اخبار ارسال می‌کنند صراحتاً می‌خواهند هم‌جهت  
اجتناب زیروز چنین اشتباهاست در کم و کیف  
و اقامه نیزه‌های شرکت کنند و ... دقت کافی  
بعمل آورند.

## کارگران جهان متحد شوید!

**بیاد پر شور کارگر کمونیست،  
رفیق پیکارگرا احسان!**

رفیق در بین راستان به پزشک معا لجه ش  
میگفت: "دکتر به من بگو کی میمیرم! من مثل  
تو از مرگ نمیترسم... من بک کارگر کمونیست  
همدم و در زندگی هیچ چیزندارم که از مردن بترم!"  
رفیق احسان از کوتا هی زندگیش تنها با خاطر  
ناتمام ماندن و ظایف انتقامی و کمونیستی اش  
اپهار رنگارانی میگرد، او میگفت: "من سالها  
هرماه با این کارگران استخمار شده ام، سالهای است

که همراه آنها میباشد که در اینجا بپرسیدند: «باید چه کاری را انجام دادیم تا اینجا باز نمیگردیم؟»

رفیق تالارخین لطبات زندگیش از وضعیت سیاسی  
جامعه و مبارزات طبقه کارگری بر سرد و با ستای منی  
بی نظیرد و فشار اغافت فرسای بیماریش و انتقام میکد.  
رفیق احسان نمونه ای از خلاص و نطباط  
گمونیستی و متن و فروتنی کارگری بود.  
رفیق هروظیفده ای را گذر خدمت میبا رزه سهمگین  
طبقاتی پهلوان ریا بر علیه سرمه داران قرار  
داد شت با فروتنی و خور فراوان ای اتحاد میدادو از  
میک زاویه پهلوانی و فروتنی گمونیستی به این  
فعالیتها تنگ میکرد. هنگامیکه بخاطر ملاجیتهای  
گمونیستی و ارزشیها میبا رزاست و توان انشای  
سیاستی - ایدئولوژیک عضویت رفیق در سازمان

به رفیق احسان ابلاغ میشد، رفیق من خوشحالی از محکمتر شدن پیوندش با ازما ن در حال یکه اش در چشم انش حلقه زده بودیا متن و فروتن پرولتاری گفت: "من لیبا قشق و آندازم" و همین پیش از تما کید رفقا گفت: "ای مدعا رام این ملاحت را داشته باشم". رفیق احسان در حال یکه سراپا امریکا از کمینه طبقه ای بودا زمانه تکمیل نمیزی بود. او به طبقه اش می اندیشیده توده - های مستبدیده فکر میکرد و با شما موج دادر راه هاش انتها تلاش می وزید. اودر آخرين روز های ای جیا شش ببروی تخت بیمه راستان میگفت: "من تغییروا هم به طرف مرگ بروم ولی اگر مرگ هم به سرا غم بیمه دهنی ترسم مسلمه مهم این است که زندگی من چه تا شیری در زندگی دیگران میگذارد." و برآستی زندگی او سرثرا را از شور و عشق بسیار زده بود، مبارزه در راه آگاهی و رهایی طبقه کارگر. ما در فقدان رفیق کارگر، بهمکاری کمک نمیست حسان، آن دوهاد زدست دادن بک پرولتاریکا، و کمک نمیست راه به نیروش مددجندان تدبیل میکنم و بجه آدمان طباقی اوسوگندباد میکنیم که راه سرخ او را تابه و روزی سوپرالیسم، بطور غشی نایاب نهاده هم. داده و افتخار، سریعه کارگر احسان!

ساده، همیشه حافظه!

داشت به اشعار موجود در جیرا نات موسوی به  
خط ۵ «که طار خر فخر و شنگ کار نه» داشتند پس  
برده و پنهانها قاطعاً همان مرز بینی کرد. سپس رفیق  
احسان با مطالعه دقیق نظریات موجود در جنبش  
کمونیستی و دقیقت رشد مولانع سیاسی - ابدولویک  
خود بفاع پیغمبر از ایدئولوژی طبقه کارگر و  
همواره همی امان علیه روپریزونیسم و پذیرش نز  
ما را کیمیستی لینینیستی سوسیال امیریا لیسم را  
در دروس و طایف پک سازمان کمونیستی قرار  
داده و آگاهانه سازمان پیگار در در راه آزادی طبقه  
کارگر پیوست.

رفیق احسان در درون مازمان با شرکت  
غلان و برخورد های عمیقاً کمونیستی در جریان  
مسابقه ابدشولوژیک درونی بانا را شبهایا ،  
کمپودها و انحرافات موجود مبارزه میکرد و لیست  
رفیق با تاکید بر اینکه مازمان را پیگیری شرمن  
نیروی چنیش کمونیستی میداند اما برداشتی  
کمونیستی و درجهت رفع این اشکالات و انحرافات  
و محکمر کردن پیوندهای پیش با زمان و برای  
با اپیش سازمان ایجاد شکایات ابدشولوژی سوروزاشی و  
زندگان گرد و غبار حاصل از آن می بازد میکرد .  
رفیق در برخورد به اشعار فات گذشته سازمان  
از موضع سیاسی بسیار ریبیزی و برخوردا رهبرد  
رفیق احسان در مردم مقاولات "زیگراگها" .....  
سوروزاشی متوسط خرد بوروزاشی مرغه سنتی  
قدرت دوگانه ، ما هیبت طبقاتی غمینی و ما هیبت  
نفاذ نقلابی رژیمه اشی از قبیل مهر ، سوریه ، الجزایر  
نظریاً تی داشت که ما هیبت کمونیستی آنها در  
مازمان پس از شناخت انحراف بر است و مرزیندی  
با آن سطود و شن من شخص شد .

عشق و رفیق به ایده‌بولوژی برولتاریسا و  
دیدگا خدروزی‌بونیستی رفیق درست‌ما عرصه‌ها  
بچشم میخورد. رفیق همواره از مرزین دیدی  
خانواده‌اش با روپرتو نیمس و بویره غاشنین  
۱۰) کشربیت! ظاهرا رخوشا لی میکرد.  
رفیق احسان سنتا به یک گمونیست، یک  
کاکارکرک گمونیست و یک برولتار آکا در هر قدمی که  
بر میداد است، با آن که ای گمونیستی و تکنیک روی  
اخلاق گمونیستی و با روحیه نهار سیدن از مرگ  
تاختنند دقایق زندگیش که هر لحظه در انتظار  
مرگ بود (رفتا رکرده و به آنجه که می‌اندیشید  
منافع امروزوفردای طبقه‌کارگروها ری رساندن  
به گشوده شدن در پیجه‌های رها شی بخش به سوی  
سال‌سمه که نیمه‌سده).

در شهر ایپل اعلانی جنبش اقلالی، بیرون از کارگران آگاه به تحکیمات جنبش کمونیستی امری طبیعی است ولی آنچه که اهمیت دارد وجود رفاقتی کارگریست که نه تنها دعا و مددودنگری نیز ووده بلکه با درگذشت علیقها کمونیستی به میان رژیم طبقاً تی درون جامعه نگریستند و با آگاهی همهجا نه بشه منافع آتنی و آتنی طبقه کارگریه سازمانهای کمونیستی می بینند و در فرقی احنا ان از جمله جنبش کارگران کمونیست بود.

وکوش دردرگ مسال مربوط به طبقه کارگر و  
فراترا ز آن نتش طبقه کارگردانها و ز طبقاً تی  
جا معهوف عامل کردن کارگران در عرصه های  
اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی آنجنان به  
این مسائل ارزش قائل بوده با وجود بیهوده ای  
سخت و جانکاری که رفیق رارنج میداد حظه ای  
از آگاه کردن توده های کارگر به منافع طبقاتی  
و نقش تاریخی طبقه شان غالباً نمیشد، رفیق  
احسان نایاب خرین لحظه ای که میتوانست به کمک  
ذاروهای مُسکن خود را سرپا نگهدازد برای پخش  
اعلامیه های آگاه رسانی سازمان دادن آگاهی  
به کارگران به کار رخانه میرفت.

رمهی از دست رفته ما در عرصه مبارزه  
ایدیلوژیک نیز سپس رفعاً بود. اوابا قلبی  
مالام از عشق به کمونیسم و سوسیالیسم لحظه‌ای  
از فراگرفتن ما رکسیسم - لنینیسم و موختن آن  
بدیگران آرا منمی‌گرفت. در سیما رسان تما  
آنچه شیکه چشانش کار می‌کردند بمعطاه لعنه می‌شی  
برداخت و هنگام میکده چشمها یعنی تو ان دیدن و از  
دست دادند میگفت: «چشمها شیکه متوا نند مطالعه  
کنند فقط بدود در آوردن میخورند».

او زماشل و مفاهیم ما را کسیم لذتیم  
درگ بسیار عمیقی داشت. در جریان قیام بهمن  
رفیق مدشی با زمان چربکهای فدا شهکاری  
میکرد اما با درگ عمیقی که از روی پیوندم پیدا  
کرده بود و با آنکه به همیتم روزه بار و بیرونیم  
در شرایط بحرانی چنین کمونیستی، بسوی سک  
جریان "خط ۳" مستکبری کردا ما با تشدید مبارزه  
ابد شلوژویک درونی بر علیه گراشت روش فکری  
در دن آن گروه، رفیق احسان با مرزبندی بر  
علیه انحرافات گروه، از آن انشتاب نمود رفیق  
در آن شرایط زمانی، به سمت جریانات فکری  
که را گرکمونیست را از روشن فکر کمونیست جدا  
نمی داشتند. اینکه شد ما سات زدن سایر که

# دروبدبر قمamy شهدای بخون خفته خلق

## شہادت پک کارگر مجاہد بدست پاسداران

دورود: دربورش با سدا ران درروز ۱۷ اردیبهشت بهمنای پنگاه عکسی از "معلمین شهید" که بابتکار معلمین هوا در ازمان جریکهای فدا شدی (اقلیت) برگزار شده بود، با سدا ران دوربرادر اعتراف مردم اقدام به تبراندازی نمودند که در اثر شلیک ها سدا را متوجه سنا مکورش مانگی کارگر حمکنشی سنا مشهدی با لفظ سلیمانی از هوا در اران مجاہدین خلق در حین عیور از محل، موراد امانت گلوله قرار گرفته و به شهادت رسید. درین جنابت ها سداران بک معلم خراهمی نزد محروم و عده ای دستگیر نشد. رژیم جمهوری اسلامی مژو ران کوشیده است تا قتل جنابت کارانه این مجاہد شهید را به سازمانهای سیاسی نسبت دهد و این نشانه وحشت روز افزون سرمایه داران رژیم زاکا هی و عکس العمل مردم نسبت به جنابت مزدور اشان میباشد.

پا آواری این نکته ضروری است که در پیکار ۱۰۵ در انتقاد به سیاستهای سازمان مجاہدین خلق نسبت به "حزب دموکرات" و جنبش مقاومت خلق کرد، اشاره ای به عدم موافقی مجاہدین در مرور جنابت با سدا ران در ۳۱ فروردین نه که منع برهه شهادت دور فرقی ما در هما شروع گشت شده بود. مجاہدین دوهفته بعد در شهریه مجاہدین شماره ۱۱۹ (۱۲ اردیبهشت ۶۵) این جنابت ارجاع را حکوم کردند که متن شناسنامه از زیرچاپ رفتن "بیکار" بدست مانسیده بود. ما امیدواریم که این موافقی کار امولی مجاہدین خلق در آینده تعمیق بیشتری با فتوشا هدف پشتیبانی های این سازمان از مبارزات کمونیست ها و تقویت پیشتر صفات اقلال باشیم.

## دھمین سالگرد شہادت رفقاء ویان، پیرونڈییری و صادقی نژاد

ده سال از شها دت رفقاء فداشی امیر پر پسر  
ههوبیان، رحمت الله پیر و تبری و اسکنده را دقیق نشاد  
میگذرد. این رفقاء در روز سوم خرداد ۱۳۵۵ در یک  
درگیری ها بر ایران داشتند. رژیم محمد رضا شاه  
خلد، قهرمانته بشهادت رسیدند. با وجود مشتبه  
غیرپرولتری و خرد سوژو شی چریکی که رفقاء  
شهردار رجا رجوب آن مبارزه میکردند، تجلیل از  
رفقاء بیان و رسم اعزام اتفاقی آنان در بر ایران  
امیرپارسی و رئیس و پسر موضع گیری  
سازمان آن دارای زمان بر علیه رویز بونستهای  
خاش میباشد.

اعتصاب غذا

# در زندان کارون اهواز

هوا دار سازمانهای انقلابی اباداره و اعتراف  
آنان به شرایط حاکم را با مشت و لگد و بردن به  
سلول انفرادی پا سعی میدهد. ما عده‌ای از  
زندانیان سیاسی کا رون هوا زینتوان بخش  
کوچکی از زندانیان سیاسی مرا سرکش و فرمدن  
اعتراف به شرایط و غواصات حاکم بزندانها و  
دادگاههای انقلاب و پیرای کسب حقوق حق خود  
که تا کنون از جانب مسئولین بلا جواب مانده  
است از تاریخ پنجشنبه ۱۴۰۶ تا سه‌پنجم  
خواسته‌های خوبیش دست به اعتماد غذا میزند.  
بدینی است که مسئولیت هنرمندی پیش‌نمایی  
مسئولین زندان و دادگاه انقلاب اسلامی اهواز میباشد.  
من خواسته‌ای ما بدین قرار است:  
۱- رفع بلاتکلیفی و رسیدگی به بروندۀ ها و  
رعا بتکلیف موازین قانونی از جمله دادن  
کیفرخواست، تفهمی اتهام دادن حق دفاع از

آنرا نیز سهندی ایلخان به امدادگاران خود اعطا نمایند و میتوانند میان اینها کمیسیون تدوین کنند

تلشاهی مدبوغه نشان در بین سرکوب تبریز و ای  
انقلابی و پویزه کمونیستها و داکردن آنها از  
میبا روزات تولد ها هستند. علیرغم تفاوت های موجود  
درین هیئت حاکمه که برپسترزی از بحران  
آفتشادی و سیاسی جامعه همواره خود را نشان  
نمدهد. هردو جناح حزب جمهوری و بنی صدر عمل  
نشان داده اند که در سرکوب تولد ها و شروع های  
انقلابی منتفق پنگیگردند. وقت رژیم زشروع -  
های انقلابی به حدیست که حتی در زندانها نیز  
از وارد و درن فشارها و تنبیه های بروز شدند  
سیاسی فروگذا رسمیکند. آنها در حال لبکه دستگیر

درو د ب ر خ ا ط ره ش ه ي د آن  
۱۳۵۱ خ د د

ماکان گرفتن و کمبل با حق دفاع از خود را  
بدهند. در دادگاه های چند دقیقه ای و حتی بدون  
حضور متمم، با مدورا حکما طویل اسید حتی  
قوه نهن دست پخت خودشان را نیز زیر په می -  
گذاشت. رژیم در حال لیکه با عوا مردمی اشک  
تمسح برای باری ساندر میریزد. خوب دشمنانه  
را طلاق عنوان زندانی سیاسی به زندان نهیان

**زندانی سیاسی انقلابی، به همت قواده‌ها آزاد باید گردد!**

افتخار برخاطره کمونیست شهید،  
رفیق جعفر شجاع ساداتی



روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۴، رفیق جعفر شجاع ساداتی، داشتگی کمونیست داشتگا همچنین، از بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق دردا متور- های پلیسی دزخیمان رژیم شاه فتا دوده رالیکه مسلح نبود، مورد امانت گلوله مدوران کمبته مشترک ساواک - شهریانی قرار گرفته و شهادت رسید. رفیق شجاع ساداتی از جمله داشتگا همچنین، اتفاقاً بودکه با بدیرش ما رکسیم لینینیسم، ایدئولوژی پیروز منطبقه کارگر برای پیوند باز حمتكشان به مبارزه اتفاقی در صوف سازمان - های کمونیستی پیوسته و در راه راه شی رحمتکشان مرگی سرخ را بدیرا گشت! پا در سخن را گرامی میداریم!

بیانیه از صفحه ۴ اعتصاب

رژیم را تجربه کرده و وحدت منافع رژیم و عمالش را با سرمایه داران درک کرده بودند، با شعار "مرگ بر سرمایه دار" و "میکری فرماندار، حامی سرمایه - دار" مثبت محکمی بوده اند این میزو سرمایه میزند. سرانجام طبق معمول سروکله سروکوبکاران اسلحه بست پیدا میشود که ضمن حمله کارگران ۲ نفر از آنها را دستگیر میکنند. اما کارگران مفوق خود را حفظ کرده و با احتیاج در مقابل مقریه پاسداران، آنها را جبور به آزادی فرقا بشان میکنند. فردای آن روز کارگران در خیابانها شهر به تظاهرات می پردازند و بین سیله خواست سرخ خویش را بکوش سایر توده های رحمتکش میرسا نند و مجدداً در مقابل فرمانداری اجتماع میکنند. آنها در مقابل گفته های یک افسر شهریانی که آنها را بر سرکوب توسط نیروهای شهریانی و پاسداران، تهدید میکند (که در ضمن نشانگر وحدت ارگانها های سروکوبکر و جناب رژیم بر علیه کارگران و رحمتکشان است)، شعار " مقاومت میکنیم " سرمیده هندو و بعثت خود را میدهند.

یاوه های منتظری بعلیه رفیق شهید تقی شهرام،  
بیانگر و حست رژیم از کمونیست هاست

رژیم جمهوری اسلامی نبوده همین دلیل هم بودکه رژیم حرث نکرده که یک برگ از پرونده رفیق درسا و اک را منتشر نهاد.

منتظری بنتیاب این دروغ بیشتر منع میکندا زرفیق یکفرد عیاش ساخته و نیز بدترین تهمتها را بدخترا نیکه قدم در راه مبارزه اتفاقی شناهه و حما رستگ سنتها ارتقا عی را شکسته اند میزند. منتظری که فساد و کشتن کاری با ساران و دیگر عوامل رژیم زیبا نزد مردم رحمتکش از مردم نداشتم، اما گرگان تا گذانم از شهران نایاب نشہر گشته است و روزی نیست که روسا شی جدیدی بین رسانی و رصد مذبوحانه میکوشندیا فحاشی بد رفیق شهرام و دختران کمونیست و اتفاقی، خانواده های مذهبی و بیهوده نایاب از ابراری وارد و دن فشار بر قدر زندگان میگذرد. میزان تحريك شدید است. ما محنکشان مادر تجربه روزمره خود بیش از پیش در می باشند که جوانان کمونیست و اتفاقی که بخاطرهای شی آنان و پیروزی انقلاب سخت ترین فشارها، تکنجه ها، ترسیم ران ها و ... را تحمل میکنند با اکثر آنها نیز ملکه های نایاب میگذرند. آنها را لوده کند. کارگران و رحمتکشان میهن مایه چشم خود می بینند که جوانان قهرمان را که در راه راه شی آنان و بخاطر فدا رای بدهند طبقه کارگر سخت ترین شکنجه ها و آنها را بجانب میخوردند، نمیتوان با این فحاشی ها و تهمت های وقیعه نهادن ممکن است!

★ ★

"آیت الله منتظری" در نماز جمعه قم (جمعه ۲۵ اردیبهشت) ضمن حمله به مجا هدین و نیروهای کمونیست ساواک و گوشی در مرور در رفیق شهید محمد تقی شهرام که بیکار در زندان جمهوری اسلامی پایداری کرد و سپس در برابر بر جو خدا مراجعت فراز گرفت، گوشی از او حست بی پایان سود مداران رژیم جمهوری اسلامی از کمونیستها را به نهادش گذاشت. منتظری که استقبال توده های از پیکه های انقلاب و آنها همچو نیروهای اتفاقی و کمونیست و حست زده است، گمان میکند که بفاحاش در کمونیستها و آنهم کمونیست قهرمانی چون رفیق شهرام که با پایداری شما عاند زندگانیانی ای رفیق اسلامی بخشی از توطئه های رژیم را در موردهای هدین و کمونیستها با شکست موافق ساخته هدتو است از تا شیرمبارزه و مقاومت کمونیستها و شیرات اتفاقی فعالیت های آنها همکرانه آنها را در بین نویه های بکاره اند. این واقعه فرار قهرمانانه رفیق شهرام را از زندان ساری (۱۳۵۲) که شکست بزرگی برای دستگاه های عربی و طویل پلیسی و "امنیتی" رژیم شاه بود کار "سیا" و "ساواک" نمیداند. منتظری "قبیه" و "محته مد" غالیقدور خود نیز میداند که دروغ میگویند والا همیا لکی های شی در مفعکه ای که بینا "دادگاه" برای رفیق شهرام براه اند اختدن و خود دادعه کردند و خود محاکوم شدند و جرئت نکردند حتی اشاره ای نیز به این فرایان اتفاقی نمایند و خود جراحتی شدند. آنها را مسحا عانه این کمونیست قهرمان و پاد آوار قدم مشجاعانه این دور فیض دیدند. میرمی گردیدند و این به نفع

بیانیه از صفحه ۱۶ تخلیه

دهای از کارگران اسکله را به خانه های بشان فرستادند، ما نه از هوا پیما های دشمن خوش داشتند، نه از "تبیش مشکوک" (بهای همه میشکنی). یکی از کارگران اسکله میگفت "همه برنا مه توپهای خد ایشی، خا موشی و خلوت کردن اسکله برای این بودکه مهمات جنگی از جمله توپ و تانکه های وارد شده را از کششی تخلیه کنند".

روز پنجم شنبه ۲۸/۱۲/۵۹ و روزهای بعد مردم بسیاری اس شا هحمل و نقل این للاجها بودند. شنیداریک مودش تریلر حامل سلاح از شهر عبور کرد. خدھوای شلیک شد. سپس رادیوی ارتحا عی پسند رعب اس اعلام کرد که وعیت قرزا میگشت و چرا نهاد را خا موش کنند!؟! اما روز ۱۶/۱۰/۹۰ باز هم تعدادی تریلر را ورشی حامل مهمات و سلاحهای حنگی در شهر دیده شدند. آیا این جریان حکایت از برقراری روابط حسنی - وابستگی بپیشتر رژیم جمهوری اسلامی - با شیطان بزرگ نیست؟ به منقل از پیکار رخیص (۱) - نشریه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بسند رعب اس

رفیق هحسن فلاصل،  
مباز قدیمه و  
یار خلق فلسطین  
و  
رفیق علیرضا حمامی  
شستنی  
فرزند خلق بلوج  
از آن باید گردند

## ۰۰۰...شکنجه نیست؟!

"هیئت بررسی شایعه شکنجه" ادربی مصاحبه تلویزیونی (۳۰ اردیبهشت ۹۰)، همان دروغهای پیشمارانه‌ای را که فضلاً با راه‌گفتگو عذر یابی دوباره تکرار کردند، در آین گفتگو عذر یابی از اعماق این هیئت "شکنجه" را در جمهوری اسلامی معنی کرد و روشن شد که سرد مذاق جمهوری از عدم وجود شکنجه در زندانها منظور شناج است؟ این مرتضع گفت بنای کارما (یعنی هیئت) این بود که شکنجه برای گرفتن اعتراض در جمهوری اسلامی ممنوع است! با این توضیح روش منشودک:

- عملات و خشایا نهادها را زندانیان اشغالی که با کوچکترین بهانه‌ای واژمای سروخوانان فرزندان دربندتوده‌ها شروع می‌شود و ضرب و شتم آنها شکنجه نیست!
- ترتیب دادن اعدامهای نهایی برای سماطلح ترساندن میان زین دربندوانوای فشارهای روحی دیگر شکنجه نیست!
- زبرمشت و لکنگرفتن دختران کمونیست و اشغالی تا حدی که برخی از آنها دچار خوشنیزی گردند و... شکنجه نیست!
- سوزاندن بدن اشغالیون برای نهایی کینه‌طبقاتی ارجاعی باشد از این سرمایه شکنجه نیست!

- هم‌بندکردن کمونیستها و دمکراتهای اشغالی با مزدوران و ساواک و افراد مذهبی برای وارد و درن فضا روحی برآنان، "شکنجه نیست"! بورش بدختران و زنان اشغالی که بخار اداهه می‌باشد و تحقیق خواستهای برق شان دست به اعتصاب غذازده‌اند، شکنجه نیست!
- آثارنداز تفکر برین کمونیستها شهیدرفقای پیکاراگر محدود صمدی، مهنا زمعتمدی و... و ضربات و خشایا نهادن رفیق فداشی‌جهان گیرقلعه می‌ندواب و ترورا و درزندان و... شکنجه نیست!
- ... آری! مترجمین عفو "هیئت" نمیتوانند وجود آشکار را نکارنا کردند شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی تکذیب نمایند ولذا برای "شکنجه" معنی و مفهوم خاصی قائل مشوخت‌تاتا جنایات بی‌پایان بر زمین ریختند، اما این توطئه‌ها و دسیسه‌های رسوای زیده‌حکمت‌شناج آگاه مانش برآست و دروغهای وقیحانه سردمداران ریزم در میان توده‌های زحمتکش جاشی نداشت! شکنجه، واقعیت تلخ موجود در زندانهای جمهوری اسلامی است.

برای ازین بودستان برتوان توده‌ها زنجرهای اداره مدد و ایجاد را به کرد!  
\*\*\*

# پادشاهی سیاسی هفتنه

تندیده قروفلات آنها برپسترا این بحرا، هر روز اسما بیزیرکتی بخود میگیرد. درکنار اینها عوارض آثما رنج ارجاعی کنونی، همچون طناب داری برگردان رژیم فتاده و سخت گلوبش را میفشارد. با شیدکی نظام مسایی، فقادان یک سیاست و روش واحد برای سکوب اشغال و بازسازی نظام سرمایه‌داری،... همه ومه عوا ملی هستند که بطور بسیار بقدامی برآید و بجهان رفایکردن اینها میگیرد. حزب جمهوری اسلامی، که از مدت‌ها پیش در برابر به انحصار ردرآ و زندان تما م ایزراهای قدرت سیاستی در دست خوبیش بجهان را در آمد و بطور تدریجی و گام‌به‌گام، حذف کامل لبیرالهارا زگرد و نهاده اصلی حکومت این رژیم میگرد، اکنون این حزب کنونی "بن بست" کنونی رژیم را شناسی میکند. برپسترا این زمینه‌های عینی است که دوچنای بورزوایی در هیئت حکمه، بر سرورهای پیکاری چنگ میکشند و هریک خویش را نهادن میگردند. این رژیم را زمینه‌هایی می‌داند که درجه کمتری به پایان خوبیش نزدیک سازد. لایحه "حذف فرمان هما بونی" که توسط دولت به مجلس برده شد و مجلس نیز آن را به تمدید رساند، گنای بزرگی در جهت تحقق این هدف جزیی ها بود، که در بیان آن دولت رجا شی میتوانند نک مزکنی را که، تاکنون در دست لبیرالهای بود ضمیمه ایزرا-های قدرت خوبیش نمایند و بین دین ترتیب لبیرالهای را ایزکی از مهمترین موافع استراتژیک قدرت به کنار زند. درست به همین دلیل است که این لایحه "تکان های شدیدی در میان دوچنگی" که در پیش از آن قرار گرفته است. درورای همه اختلافات روبشی، قدرت طلبی ها، تنازعات و منافع فردی و گروهی، بینش‌های فرهنگی متفاوت و... آن جزیی که در تحلیل شناختی مبنای اساسی و عینی این اختلافات و مذاقات را تشکیل میدهد، همین مسئله، یعنی چگونگی خروج از بحرا ن متولی بر طبقه بورزوایی ایران و نظام سرمایه‌داری است.

آن جزییکه این دوچنای را به پرخاشوی در برابر پیکاری گرسق میدهد، آثار روز و سنتاج نهایی این بحرا این است که همه آنها بسیار بیویه لبیرالهای از هم اکنون، آن را در سیاستی بحرا کنونی بروشند مشاهده میکنند. شهاده رخ خام بحرا ن کنونی، تصور "تلخ" اینده را، یعنی گیختگی تدریجی نظام اجتماعی - سیاست کنونی دروده هرچهار این دوچنای را در مردم میگرد. عوا مل مشکله و برا نگیرانند، این نمود. هوجه بحرا ن سیاستی جا معا مروزا ایران نمود. هوجه بحرا ن سیاستی در این دوچنای را در شدت میگیرد، بورزوایی بین‌شترک جاری‌شافتی و سراسریمکی میگردد. عوا مل مشکله و برا نگیرانند، این بحرا ن تارهای خوبیش را اینچنان در پرست و پیای نظام حاکم‌تبنده است که هر روز می‌شترنگ های او را به شماره ای اندازد و بند مظلوب حیات او را دچار اختلال می‌سازد. از یک سونا رضا پیش توده ها از وضع موجود و بیویه از جنایت ایزکی "رژیم" در مقیا س وسیعی در حال گسترش و تعمیق است و میان روزه طبقاتی در جای معا مسا در هرچهار و سیاستی بخود میگیرد، وازوی دیگر بحرا ن اقتضای و اجتنای موجود و رشکستگی اقتضای رژیم و

# رژیم جمهوری اسلامی درین بست تصادهای درونی!

روند درگیری بر سر قدرت در درون رژیم حاکم، این ابد جدیدی بخود گرفته است و روز بروز شد بیشتری میگیرد. حزب جمهوری اسلامی، که از مدت‌ها پیش در برابر به انحصار ردرآ و زندان تما م ایزراهای قدرت سیاستی در دست خوبیش بجهان را شناسی میگرد، اکنون این حزب خوبیش را شتاب بیشتر و شکارشی بخشیده و با دست زدن به اقدامات عالی میکشند. این حزب را دروزهای هرچه کمتری به پایان خوبیش نزدیک سازد. لایحه "حذف فرمان هما بونی" که توسط دولت به مجلس برده شد و مجلس نیز آن را به تمدید رساند، گنای بزرگی در جهت تحقق این هدف جزیی ها بود، که در بیان آن دولت رجا شی میتوانند نک مزکنی را که، تاکنون در دست لبیرالهای بود ضمیمه ایزرا-های قدرت خوبیش نمایند و بین دین ترتیب لبیرالهای را ایزکی از مهمترین موافع استراتژیک قدرت به کنار زند. درست به همین دلیل است که این لایحه "تکان های شدیدی در میان دوچنگی" که در پیش از آن قرار گرفته است. درورای همه اختلافات روبشی، قدرت طلبی ها، تنازعات و منافع فردی و گروهی، بینش‌های فرهنگی ازین بست کنونی "را مطرح نمود. بیش صدر بالین موضوع خود در واقع بطور تلوبیحی مسئله "رفاندم عمومی" را به بیش میکشند و جنایت را بوسیله آن مورد تهدید و تحریم می‌دهند. میگویند "آسها در سربالشی پیکار را که میگیرند، اکنون مدادع عینی این غرب المثل را در مردم بخواهند کنونی در برابر پیکاری گرسق میدهد، آثار روز و سنتاج نهایی این بحرا این است که همه آنها بسیار بیویه لبیرالهای از هم اکنون، آن را در سیاستی بحرا کنونی بروشند مشاهده میکنند. شهاده رخ خام بحرا ن کنونی، تصور "تلخ" اینده را، یعنی گیختگی تدریجی نظام اجتماعی - سیاست کنونی دروده هرچهار این دوچنای را در مردم میگرد. عوا مل مشکله و برا نگیرانند، این نمود. هوجه بحرا ن سیاستی جا معا مروزا ایران نمود. هوجه بحرا ن سیاستی در این دوچنای را در شدت میگیرد، بورزوایی بین‌شترک جاری‌شافتی و سراسریمکی میگردد. عوا مل مشکله و برا نگیرانند، این بحرا ن تارهای خوبیش را اینچنان در پرست و پیای نظام حاکم‌تبنده است که هر روز می‌شترنگ های او را به شماره ای اندازد و بند مظلوب حیات او را دچار اختلال می‌سازد. از یک سونا رضا پیش توده ها از وضع موجود و بیویه از جنایت ایزکی "رژیم" در مقیا س وسیعی در حال گسترش و تعمیق است و میان روزه طبقاتی در جای معا مسا در هرچهار و سیاستی بخود میگیرد، وازوی دیگر بحرا ن اقتضای و اجتنای موجود و رشکستگی اقتضای رژیم و

**مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتقای داخلی جدا نیست**